

ناصر الاسلام - بنده با ماده موافق **نایب رئیس** - پس دیگر مخالفی نیست جزء پنجم قرائت میشود.

(باین مضمون قرائت شد)

۵ - نگاهداشتن صورت کاتبه هایدات که توسط مأمورین و ادارات صاحب جمع دولت بخرانه داری کنی پرداخته میشود

نایب رئیس - مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر)

جزء ششم قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

۶ - مطالبه صورت محاسبات پیشکاران وامنای مالیه در آخر هر برج

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم امتهای مالیه را تبدیل کنند مأمورین مالیه بهتر است نوشته شود (مطالبه صورت محاسبات پیشکاران و کاتبه مأمورین مالیه در آخر هر برج) برای اینکه پیشکاران وامنای مالیه يك اصطلاحی است که فقط در خصوص مالیاتهای مستقیم وضع شده است ولیکن راجع بآن صورت حساب که غیر از مالیاتهای مستقیم از قبیل تعدیه و نواقص و امثال آنها که غیر از مأمورین مالیاتهای مستقیم هستند این عبارت شامل آنها نمی شود اگر کاتبه مأمورین مالیه در آنجا نوشته شود که در هر برج صورت حساب آنها را مطالبه کنند بهتر است.

نایب رئیس - دیگر در این باب مخالفی هست؟

حاج شیخ اسدالله - آقای مخبر جواب میدادند.

مخبر - اینجا که نوشته شده است مطالبه صورت حساب پیشکاران وامنای مالیه مقصود این بود که دولت در خارج دارد که در ولایات يك مأمور بیشتر نباشد و دواش مالیه منشی بشود اداره کردن آنها را بیک نفر واگذار نمایند و آن مأمور بر حسب اهمیت مأموریتش یا پیشکار مالیه خواهد بود یا امین مالیه وقتی که ما اینجا قید کردیم اداره محاسبات حق دارد صورت محاسبات پیشکار باین مالیه را بخواهد هیچ حقی را از اداره محاسبات کسب نکرده ایم و گفته ایم اداره محاسبات کسب حق ندارد صورت محاسبات مالیاتهای غیر مستقیم را بخواهد اداره محاسبات کل باید صورت حساب بخواهد اگر پیشکار مالیه مأمور مالیات های مستقیم است حساب مالیات های غیر مستقیم است این حکم شامل حال آنها هم میشود.

اریاب کیخسرو - این که در اینجا نوشته شده است مطالبه صورت محاسبات این را بنده کافی نمی دانم برای این که يك مسئولیتی بعهده اداره محاسبات گذاشته میشود و ممکن است اداره محاسبات همین لفظ مطالبه اکتفا کند و در وقتی که بخواهد هدزی بیاورد بگوید مسئولیتی بجز مطالبه برای من معین نشده است عقیده بنده اینست اگر نوشته شود (مطالبه و اخذ صورت محاسبات) خیلی بهتر باشد و آنوقت اداره محاسبات مکلف میشود که به تکلیف خودش عمل کند.

مخبر - بنده این اشکال آقای اریاب کیخسرو

را هیچ نفهمیدم میفرمایند اگر بنویسیم مطالبه ممکن است امتهای مالیه اینصورت را بعهده و اگر بنویسیم مطالبه و اخذ امتهای و پیشکاران مالیه این صورت حساب را خواهند داد آن وقت حکایت اداره محاسبات دای وظیفه کرده است بنده عرض میکنم هیچ فرق نمیکند و اگر مطالبه و اخذ هم بنویسیم باز همان اشکال هست بعهدت اینکه اگر اشکال بر سر این باشد که امتهای مالیه صورت حساب را بنویسند باز هم این لفظ آنها را مکلف بدانم صورت حساب نمیکند از آنطرف وقتی که يك اداره مکلف به مطالبه يك حسابی شد معلوم است که مأموریت او اینست آن حساب را اخذ کنند دیگر بعقیده بنده اضافه این کلمه توضیح واضحات است وقتی که يك اداره مطالبه صورت حساب را میکند البته حق اخذ او را هم دارد.

حاج شیخ اسدالله - عرض میکنم مأمورین مالیه منحصر بامنای مالیه و پیشکاران مالیه نیستند و این قانون يك وظیفه مهمی را بعهده اداره محاسبات واگذار کرده است لایحه بودجه و تقویم بودجه و آنها هم نمیشود مگر اینکه صورت تمام هایدات مستقیم و غیر مستقیم از قبیل گمرک و غیره در هر برج بدارد محاسبات برسد پس باید مطالبه صورت حساب را از تمام مأمورین مالیه بکنند ام از اینکه آنصورت حساب راجع بمالیات مستقیم باشد یا غیر مستقیم باشد مثلا ما ضرابخانه و خالصجات را جزو وظائف اداره تشخیص نوشیم اینها که راجع به پیشکاران و مأمورین مالیه نیست از این نظر است که عرض کرده اگر نوشته شود مأمورین مالیه بهتر است باز هم عرض میکنم و راجع بنظر خود آقای مخبر میکنم اگر قبول میکنم بسیار خوب والا پیشنهاد میکنم تا مجلس رای بنده.

مخبر - بنده متأسفانه باید عرض بکنم در فقره پنجم که حالا چهارم شده است میگوید دادن صورت کلی عایدات مقصود دادن صورت همان هایدات متفرقه و تمام هایدات است که سرز اداره کردن آن اداره کل تشخیص هایدات و اخذ پول موکول به اداره خزانه شده است و این ماده هم همان معنی را میرساند علاوه اگر کمیسیون يك تصمیم قطعی در باب تکلیف پیشکاران و امنای مالیه داشت آنوقت بنده میکنم این فقره که از وظایف اداره محاسبات نوشته اند زیادی است و همان که فقره چهارم وظائف اداره خزانه داری نوشته شده است کافیت ولی این فقره را که اینجا گذاشتیم باین ملاحظه بود که شاید نظر دولت این باشد که پیشکاران و امنای مالیه از طرف خزانه داری معین نشوند چون برای سایر ادارات تکلیفی معلوم شده بود و برای پیشکاران و امنای مالیه تکلیف قطعی معلوم نشده است برای این که تکلیف آنها هم معین باشد در ضمن وظائف اداره محاسبات کل این فقره را گذاشتیم که حق مطالبه صورت حساب را از آنها داشته باشد.

اریاب کیخسرو - این که آقای مخبر فرمودند کلمه اخذ پیشکاران و امنای مالیه را مکلف بدانم صورت نمیکند زیرا يك اداره يك تکلیفی که باو میشود مکلف بشود اداره محاسبات هم بواسطه استعمال کلمه مطالبه مکلف است همان اقتضای عمل آورد و اگر کلمه (اخذ) را هم بنویسیم شاید همین اثر

را دارد و اضافه این لفظ تکلیف برای کسی دیگر معین نمیکند غالباً ما دیده ایم وقتی که مأمورین ما در سر يك کاری هستند در بعضی مواضع راه فرار را برای خود باز میکنند باین جهت بنده عرض میکنم برای اداره محاسبات يك تکلیفی معین شده است که صورت را مطالبه کنند و باید طوری نوشته شود که بتواند راه فراری برای خود پیدا نکند و تکلیفش سخت تر باشد لفظ مطالبه تنها که نوشته شده است راهی برای سختی ندارد ولی همین که کلمه اخذ نوشته شد تکلیف سخت تر میشود و میدانم بهر وسیله هست باید آنصورت را اخذ کند.

معدل الدوله - در مسئله در این موضوع مذاکره شد یکی این که لفظ مطالبه را قدری شدیدتر کنند و کلمه اخذ را هم ضمیمه کنند که طرف مجبور بدانم آن صورت حساب را بنده تصور میکنم وقتی داخل نوشتن نظامنامه های اداری بشویم در آنجا میتوانیم يك مسئولیت ها و يك مجازات هائی معین نمائیم زیرا مابک نظر من تغییر نمیکند آن نظامنامه هم که در کمیسیون قوانین ماله نوشته خواهد شد در آنجا همین نظری را که آقا دارند ممکن است تعقیب کنیم و يك مجازاتی هم قرار بگذاریم که اگر در يك موردی صورتاً نفرستاده چه بکنند و گمان میکنم کلمه اخذ چندان بر اهمیت مطالبه نخواهد افزود زیرا مطالبه همان خواستن و طلب کردن است وقتی که اداره محاسبات خواست پیشکاران وامنای مالیه هم مجبور هستند بعهده پس تصور میکنم کلمه اخذ چندان ضرورتی نداشته باشد اگر چه زیادی هم نخواهد بود ولی آنقدر هم ضرورت ندارد که در این باب زیاد صحبت کنیم و اما نظری که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند که از تمام صاحب جمع ها و مأمورین مالیه صورت خواسته شود بنده يك توضیحی دادم که تصور میکنم ایشان را قانع کند و آن اینست که برای داشتن صورت کلی هایدات یکساده هست که شامل هایدات صاحب جمع هائی مثل ضرابخانه و خالصه و گمرک و غیره تمام هایدات ولایات خواهد بود حالا چه علت پیدا کرده است که ما در اینجا فقره ششم را گذاشته ایم این يك علتی دارد و علتش هم خصوصی است برای اینکه صورت مغایر جزء در تمام صورتها نیست مثلا اداره ضرابخانه وقتی که صورت میدهد هایدات آنها را باید صورت بدهد و از برای مغایر حکماً باید ورقه درخواست صادر کند ولیکن پیشکاران وامتهای مالیه ولایات يك جمعی دارند و يك مغایر اداره و چون در هر ماه باید فهمید که چند نفر اجازه داشته وجه کارها کرده اند این بود که ما دادن صورت محاسبات را از دخل و خرج مخصوص کردیم پیشکاران و امنای مالیه و غیر از این دو قسم مأمور هم که برای ایالات پیشکار اسم گذاشته ایم و از برای ولایات امین مالیه مأمورند و برای اینکه آنها همراه مجبور باشند صورت محاسبات خودشان را همی عایدات و مغایر اداری خودشان را بنویسند و بفرستند تا اینکه اداره محاسبات کل همیشه مجبور باشد که در هر ولایت چه قدر هایدات و مغایر هست اینطور نوشته شده و تصور میکنم اگر درست دقت فرمایند می بینند که این فقره با يك مذاکره کاملی در کمیسیون نوشته شده است.

میرزا عیسی خان - بنده توضیح میخواهم

و در این است که مطالبه اداره محاسبات از امتهای و پیشکاران مالیه مستقیماً خواهد بود یا بتوسط ادارات مربوطه دیگر؟

سردار معظم - این مسئله راجع بوظائف اداری است و در اینجا لازم نیست معین کنند.

نظام السلطان - میخواستم عرض کنم پیشنهادی که آقای اریاب کیخسرو کردند با آن توضیحاتی که داده ضروری بر آن مترتب نیست و شاید منفعت داشته باشد لهذا من این يك حکله را اگر بفرمایند گمان می کنم ضرر نداشته باشد.

سردار معظم مخبر - بنده نمجب می کنم که این مسئله را باید مکرر گفته عرض کردم در اینجا ما هیچ وظیفه برای پیشکاران و امنای مالیه نمی نویسیم اگر آقایان خیلی مایلند و جدیت دارند در آنوقت که وظیفه امتهای مالیه را می نویسند در آنجا يك تکالیف خیلی خیلی سخت معین فرمایند که اگر عمل نکردند مجازاتهای خیلی سخت بشوند یکسال دو سال حبس بشوند بلی مطالب خوب خیلی زیاد است ولی هر چیزی يك جایی دارد در اینصورت وظیفه اداره محاسبات کل نوشته می شود اداره محاسبات کل وظیفه اش صورت خواستن است دادن صورت وظیفه اداره دیگر است اگر اداره محاسبات صورت نخواست تقصیر دارد دادن صورت وظیفه دیگری است پس این تکلیف را باید در جای دیگر معین کرد و این مذاکره را در جای دیگر نمود.

نایب رئیس - مذاکرات را آقایان کافی میدانند؟ (بعضی گفتند کافی است) (جزء هفتم قرائت می شود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

۷ - نگاهداری محاسبه قروض ثابت و جاریه و تمهیدات دولتی و تشخیص میزان استعمال و اقساط سالیانه آن.

نایب رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) (جزء هشتم بمضمون ذیل قرائت شد)

۸ - نظارت در اینکه محل های تعیین شده برای پرداخت دیوان دولتی بصرف دیگر نرسد.

نایب رئیس - مخالفی هست؟ (اظهاری نشد) (جزء نهم بمضمون ذیل قرائت شد)

۹ - تعیین صورت کاتبه وظایف و اجراء قوانین متعلقه بآن.

آقا سید فاضل - معلوم است که اداره محاسبات کل در طول سایر ادارات است پس چیز هائی که در عرض هد دیگر نیستند ما میتوانیم از وظائف اداره محاسبات کل قرار بدهیم کما اینکه این نظر را وزیر ملاحظه کرده بود یعنی صورت کاتبه وظایف و اجراء قوانین متعلقه به آنرا وزیر در قانون تشکیلات در باب اداری دیوان عمومی يك اداره معین کرده بود و اداره محاسبات کل همانطور که عرض کردم نمیتواند يك چیزی را که در عرض خودش نیست از وظائف خود محسوب بدارد حالا این جاسؤال میکنم آیا این وظائف را که در این فقره و فقرات بعد که می آید نوشته شده همان اشخاص و اجراء اداره محاسبات کل انجام میدهند یا اینکه يك اداره تشکیل خواهد شد که قبلاً باین وظایف کند اگر اشخاص اداره محاسبات کل قیام خواهند کرد اگر چه

مناسب ندارد ولی بنظر اقتصادی بسیار خوب است و گمان میکنم همینطور تصور کنند ولیکن اگر بنده باشد يك دائره در اداره محاسبات کل تشکیل بدهند که به این سه فقره رسیدگی کند بهتر این است که خود آن اداره دارای يك عنوان مستقلی باشد کما اینکه در تشکیلات وزیر هم همین ملاحظات شده است.

سردار معظم مخبر - اینکه ما این سه فقره را جزء وظائف اداره محاسبات کل قرار دادیم در وقتی که در ماده اول مذاکره میشد گفته شد که در لایحه وزیر در ضمن وظائف يك اداره مستقل اداره محاسبات کل نوشته شده اما اینکه بعضی اشخاص یعنی اشخاصی که کارشان غیر از محاسبات کلی باشد این کار را اداره خواهند کرد یا کسانی که جزو محاسبات کل هستند از بنده توضیح میخواهند متأسفانه بنده نمیتوانم عرض کنم همان اشخاصی خواهند بود یا اشخاص دیگر زیرا که از وظیفه بنده خارج است و جرح و تعدیل این قبیل مسائل چنانکه چندین دفعه مذاکره شده است و هیچ مربوط بقانون تشکیلات مالیه نیست و مربوط بفرمایند عمر و کافیت و زید زیادی است و یا بگر را باید اضافه کرد که متن قانون مینویسد که نظر بنقرات ندارد.

آقای سید فاضل - عرض میکنم حالا که اطمینان نیست که این سه فقره را اداره محاسبات خودش موظف است یا اینکه دائره خاصی در اداره محاسبات تشکیل خواهد شد بهتر این است که از اداره محاسبات کل جدا شود.

سردار معظم مخبر - خوب بود این فرمایش را در ماده اول میفرمودند.

نایب رئیس - جزء دهم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

۱۰ - صدور قیوش ارباب وظائف.

نایب رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) جزء یازدهم خوانده میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

۱۱ - دادن صورت اضافات و موضوعات سالیانه وظائف به اداره خزانه.

حاج شیخ اسدالله - اینجا فقط راجع بوظائف سه ماده مینویسد صورت کاتبه وظائف و صدور قیوش و دادن صورت اضافات و موضوعات سالیانه بخزانه بنده تصور میکنم يك تقنیشی در این وظائف باید باشد حالا طریق تقنیش راجع بصورت قیوش چه قسم باشد بنده نمیتوانم راجع بکمیسیون است که در این باب يك دقت نظری بکنند و يك ترتیبی برای اینکار اتخاذ کنند اما بنده تصور میکنم امر تقنیش باید راجع بغير اداره محاسبات باشد و تقنیش را بدارد خزانه بدهند و خود خزانه که مرجع امر است

فرموده اند هیچ پولی داده نمی شود مگر بر طبق یک حواله و هیچ حواله را خزانه نباید بپردازد مگر این که طی مقامات قانونی را بکند یعنی ابتدا بکمیسیون تطبیق حوالجات رفته باشد و پس از آن بامضای وزیر مالیه رسیده باشد پس وقتی که این نقطه نظر را پیدا کردیم تصدیق خواهیم نمود که در عرض بیست و هفت دقیقه سه مرتبه تقبیل در آن کار نظارت دارند و اداره وایه اداره خزانه است که پول بدهد و عملیات و مقدمات آنرا تا آنجا که میسر می شود به هیئت اداره دیگری گذاشته اند و این که گفته شد این قضیه مثل کتابچه حوالجات است و باید علاوه بر اینکه در اداره محاسبات می رود به کمیسیون تطبیق حوالجات هم برود و بامضای وزیر مالیه هم برسد کمیسیون نتوانست زیادتر از سه مرتبه برای تقبیل قائل شود حال اگر آقای مقرر ما بفرمایند که سه مرتبه تقبیل بکنند چه دگرگونی هم قائل شود بنده تصور میکنم لازم نباشد

نایب رئیس - ماده ۱۳ اداره گمرکات فراتر می شود (بعضون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۳ - اصول و وظائف اداره گمرکات بشرح ذیل است :

۱ - اداره کردن گمرکات موافق قوانین و نظامنامه های گمرکی

نایب رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) من دردم قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

۲ - دادن محاسبات کلیه عایدات گمرکی و صندوق جرائم و مخارج اداره محاسبات گمرکی

نایب رئیس - در جزء دوم مخالفی نیست ؟

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم گمرک هم مثل سایر ادارات مالیه باید صورت موجودی خودش را در آخر هر برج بپردازد آنجا که منویسند (دادن محاسبات عایدات و مخارج اداره محاسبات گمرکی) یک اجازه در مخارج داده شده است و بقیه بنده گمرک در باب مخارج هیچ فرقی با سایر ادارات نمیکند باید گمرک صورت عایداتی خودش را در آخر هر برج بپردازد و مخارج هم که میشود باید مطابق حواله باشد که از کمیسیون تطبیق حوالجات گذشته باشد بنابراین بقیه بنده بهتر این است این قسم نوشته شود (دادن صورت کلیه عایدات گمرکی و صندوق جرائم و وجود پرداختی) این ترتیب بهتر میشود تا این عبارت که نوشته شده است

مخبر - مخارج یعنی پولی که خرج شده است و چون وجود پرداختی هم معنی را دارد چیز تازه نفرمودید

نایب رئیس - آقای مدحت السلطنه مخالفید ؟

مدحت السلطنه - بنده بایشتهاد آقای حاج شیخ اسدالله موافقم برای اینکه تا روز مأمورین گمرک حالی نبوده اند که صورت حساب خود را بدهند و تاکنون بیل خود رفتار کرده اند

مخبر - هیچ چیزی نبوده است که ترتیب اداره گمرکات اینطور باشد البته اداره گمرکات بر طبق

اوامر دولتی اداره میشود و این اظهاراتی که میشود نباید منتهی است

نایب رئیس - مذاکرات کفایت ؟

حاج معین التجار - اینکه مقرر ما بنده صورت عایداتی و مخارج خودشانرا بدهند صحیح است بجهت اینکه گمان میکنم بیش از ده سال است که اداره گمرکات بدولت حساب ندادند است

مخبر - بنده خیلی متأسفم که نمایندگان محترم صورتات شخصی را جزء تکالیف نوعی می خواهند حساب کنند اگر یک مأموری قصور کرده است این را ما نباید توضیح بدهیم البته قصور کرده است و باید حساب بدهد هیچکس نمیگوید حق داشته است صورت حسابش را ندادند است البته باید صورت حساب بدهد

نایب رئیس - آقای مدرس یک جمله اضافی بجزء دوم ماده ۱۳ پیشنهاد کرده ماده را میخواهند و آن جزء را که آقای پیشنهاد کرده اند خوانده میشود بعد رأی میکنیم (جزء دوم بعضون سابق پیشنهاد آقای مدرس بعضون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که (آخر هر برج) بعد از مخارج در قمره دوم از ماده سیزدهم اضافه شود

مخبر - اگر چه بنده میترسم اگر این مسئله را اینجا اضافه کنیم تولید اشکالاتی بکند ولی با این حال رجوع بفرمایید بکمیسیون آنجا یک مطالعه بکنند

نایب رئیس - بسیار خوب جزء سوم قرائت می شود (بعضون ذیل قرائت شد)

۳ - تحویل فاضل عایدات گمرکات و مازاد صندوق جرائم بخرانه

نایب رئیس - در جزء سوم مخالفی نیست ؟

مدرس - میخواستم آقای مخبر توضیح بدهند اینجا که نوشته اند (تحویل فاضل عایدات) و گفته اند فاضل را تحویل اداره خزانه بدهند خوبست توضیح بدهند که آن بقیه که جزء اداره خزانه نیست و نباید تحویل اداره خزانه بکنند چه چیز است آقای مخبر خوب است این مطلب را توضیح بدهند

مخبر - چون ممکن است دولت صلاح بداند در مقابل یک مخارج معین خودش یک قسمت از عایداتش را تخصیص بدهد چون مجلس معین است و برای اینکه بگردد این پول بیک جایی نیاید و بعد از آنجا خارج شود این است که گفته شده است ابتدا بصرف خودش برسد آنوقت مازاد او هر چه هست بخرانه باید برود

آقا سید فاضل - بنده گمان میکنم این ترتیب بکلی با ترتیب مرکزیت منافات دارد صحیح است که بنده گمان میکنم که حتی الامکان باید حفظ مرکزیت خزانه بشود و گمان میکنم باید نوشته شود که کلیه عایدات گمرک بخرانه دولت ایران بیاید نهایتاً مخصوص باشد به ادای دیون و قروض که البته ۳ سال گذشته هم منظور بوده است که عایدات گمرک بخرانه بماند و از خزانه قروض داده میشود است ابتدا منافات ندارد که گمرک محل معین تأدیبه یک قرض باشد ولیکن

اداره خزانه ببطور تصرف خودش بیاورد و فقط مرکزیت خزانه بشود پس بنده پیشنهاد میکنم که مثل سایر عایدات دولتی کلیه عایدات گمرک ایران وارد خزانه بشود و از خزانه بجز خودش برداشته شود

مدحت السلطنه - بنده خیلی متعجب دارم از این که وقتی که مالیاتها را رجوع میکنیم به پیشکاران مالیه قانع میشویم که پس از وضع مخارج اداری عایداتی خودشانرا بر مرکز بدهند و قانع میشویم به اینکه از دادن صورت عایدات و مخارج اداره محاسبات کلیه عایدات مرکزیت داده میشود حالا فرمودید یک شعبه از شیمت مالیه بعضی مذاکرات میکنیم که بنده بخواهم وظیفه مجلس نمایانم که در آن مذاکره نماید و بنده عرض میکنم اداره محاسبات کل را که ما معین کرده ایم که صورت تمام جمع و خرج را داشته باشد برای این است که هر چه برای هر مصرفی حواله شد آن پول را بصرف خودش برسانند و صورت آن را بدارند محاسبات بدهند و مسلم است هیچ مصرفی بدون حواله وزیر پرداخت نمیشود این مسئله خیلی چیز غریبی است که در این مورد باید بعضی توضیحات بدهیم بنده خاطر آقای را مستحضر میکنم که آن مقصودی که دارند که مرکزیت مالیه است حاصل است بواسطه اینکه صورت تمام عایدات و مخارج در اداره محاسبات موجود خواهد بود و هر قدر بصرف برسد بخرانه میرسد

نایب رئیس - آقای حاج امیر نظام در این ماده که موضوع مذاکره است مخالفید ؟

حاج امیر نظام - بلی در موضوع مازاد صندوق جرائم آنچه را که میدانم جرایم خیلی زیاد میشود بنده لازم میدانم کمیسیون قوانین مالیه در اینصورت تجدید نظری بکند و ترتیبی بدهند که در تحت یک قانون معینی باشد و اگر چنانچه آن نظامنامه سکه معین شده است قابل تغییر باشد طوری تغییر بدهند که صرفه دولت در آن ملحوظ باشد

مخبر - اما آن قسمتی که میفرمایند جرایم در تحت یک نظامنامه باید باشد عرض میکنم هست و اما اینکه این نظامنامه خوب است یا بد است در خود کمیسیون قوانین مالیه با مذاکراتی شده خود وزیر مالیه در این باب بنده اطلاعاتی بکنند و شاید فرصتی بشود و یک قانونی وضع بشود نه تنها برای جرائم بنویسند بلکه لازم است برای هر چیزی یعنی برای کلیه دوائر وزارت مالیه یک نظامنامه نوشته شود و ترتیبی برای آنها معین شود ولسی مادامی که آن نظامنامه تغییر داده نشده است چون مطابق آن نظامنامه یک جرایمی اخذ میشود و یک قسمتی از وجوهات جرائم خرج میشود لهذا آنچه برای بنده بخرانه داده شود آن مازادی است که از عایداتی جرائم باقی میماند

مدرس - گمان میکنم با آن مقصودی که آقای مخبر دارند کسی مخالف نباشد مقصود اینست که مالیه گمرک اگر قبلاً متخصیص شده باشد برای یک مخارج معینی البته باید برای همان محل خاص خرج شود ولی مقصود این بود قانون که نوشته میشود این هم در کیفیت ترتیبی باشد مثل سایر ادارات سکه عایداتش به همان محلی که معین شده مصرف شود ولیکن حواله صادر شود و از خزانه داری دریافت شود و

این عبارت دلالت دارد بر اینکه اصلاً دخالت وزیر و خزانه داری و کمیسیون تطبیق حوالجات در این نخواهد بود و بنده منکر هستم که این عایدات بدون دخالت وزارت مالیه و خزانه داری بصرف برسد و اگر دولت قبلاً بایستد این عایدات را بصرف خاصی متخصیص کرده باشد بهمان مصرف باید خرج شود ولیکن با آن ترتیبی که مثل سایر ادارات در تحت حواله وزیر و همچنین کمیسیون تطبیق حوالجات با کمیسیون تقبیل هر چه هست باشد لهذا عرضی که بایستد لفظ فاضل را انداخت و نوشت تحویل عایدات گمرک و مازاد صندوق جرائم بخرانه

مخبر - اداره گمرکات خودش حق تأدیبه هیچ خرجی را خود سرانه ندارد چنانکه ملاحظه فرمودید راجع بوجهی که باید از عایدات گمرکی داده شود برای اداره محاسبات در یکی از مواد یک وظیفه معین کردیم این سکه ما می گوئیم تحویل فاضل عایدات گمرکات بخرانه داده شود مقصود این نیست که وجوهی که قبل از تحویل دادن در دست گمرک است خودش در خرج کردن مخارج باشد بلکه پرداخت آن بموجب حواله وزیر مالیه است بدارنده گمرکات و پرداخت آن بدست رئیس گمرک است فقط فرقی که ممکن است پیدا کند در پرداخت است در چیز دیگری نیست ممکن است بعضی بگویند که تمام عایدات در یکجا سکه است خزانه ملک است جمع شود و تمام مخارج را خزانه ملک بدهد برای اینکه تکرار یک عایداتی نشود عرض میکنم در صورتی که یک معنی عایدات معینی دارد و مخارج معینی را هم باید تأدیبه کند بدانش خود آن اداره از طرف دولت مأمور خواهد بود که بر حسب حواله وزیر مالیه بکنند خرجی را بدهد آن وقت اگر مازادی داشت بخرانه بپردازد پس اگر نظر آقایان در این است که تمام عایدات (چنانچه آقای آقا سید فاضل فرمودند) در یکجا جمع شود ما تصور کردیم اینطور خوب نباشد ولی اگر تصور میکنند که اداره گمرکات خودش بدون اجازه وزیر حق تأدیبه خرج را دارد هیچ سجه چیزی نیست و در هر خرجی مکلف خواهد بود که قبلاً امضاء و حواله وزیر عالی را بخواهد و هیچ نوع خرجی نمی تواند بشود مگر بر طبق حواله و تا وقتی سکه حواله وزیر مالیه نباشد اداره گمرکات خودش هیچ خرجی زانی نتواند بپردازد

آقای سید فاضل - بلی بنده عرضم با آن اختصاصی که فرمودند منافاتی نداشت همانطوری که آقای مدرس فرمودند گمرک باید طوری اداره شود که مثل سایر ادارات ملک باشد و مخارج آن که در تحت حواله وزیر و نظریات کمیسیون تطبیق حوالجات باشد منتهی ممکن است عایدات در خود گمرک بماند ولی بعد از امضاء وزیر تصدیق کمیسیون تطبیق پرداخته شود والا اگر غیر از این باشد و عایدات گمرک بهر کس که باید داده شود بدون ترتیبات قانونی داده شود خزانه از مرکزیت مبادقت و غرضی که ما از مرکزیت خزانه ایران داریم این است اعلامه بسالیه ایران وارد نباید و اطعمه بدارنده گمرک نزد

مدحت السلطنه - یکی دو مرتبه مذاکره در اختصاص عایدات گمرک شد گمان میکنم آقایان با بنده همراه باشند که این مسئله یک مطلبی است که

از دائره نظریات مجلس خارج است چون مجلس باین مسئله ابتدا نظر ندارد و اطلاعاتی هم راجع باین معقوله ندارد و بالاخره بطوری که آقای سردار معظم تشریح کردند فرقی نمیکند زیرا کلیه جمع و خرج و دفایق آن در تشکیلات مالیه رعایت شده است و مخارج بر طبق حواله ایست که با بودجه تطبیق شده و با جزئیاتی که در این قانون رعایت شده است و اسراف و مخارج وارد نمیشود و بالاخره عرض میکنم این عایدات برای مصارفی تخصیص شده است یا نشده است ما ابتدا به این مسئله التفات نداریم

حاج امیر نظام - بنده در موضوع فاضل عایدات گمرکات با ماده موافقم و در آن باب مذاکرات را لازم میدانم در موضوع مازاد عایدات صندوق جرائم آن تقریری که آقای مدرس فرمودند اگر بنا شود تمام جرائم را بخرانه داری بیاورند این یک چیز فوق العاده ایست زیرا آنچه از جرائم عاید خزانه میشود راجع بآن قسمتی است که به مازاد وضع مخارج معین باقی میماند والا صدی ده یا پانزده از آن عایدات از قبیل حق الزحمه اشخاصی که تقبیل میکنند باید مطابق نظامنامه که نوشته شده است موضوع بشود آنچه باقی میماند متعلق بدولت است و در آن باقی بنده لازم میدانم عرض کنم که اداره گمرکات نباید یک چیز خلاصه بنویسد که فاضل فلان ولایات مازاد صندوق جرائم فلانقدر شده است گمان میکنم باید صورت دخل و خرج آن را مفصلاً بنویسد و بخرانه داری بدهد که از چه قبیل و از چه محل و بجهت دلیل این جرائم گرفته شده و چقدر موضوع شده است و چقدر باقی مانده است که باید جزء مالیه دولت بشود

مخبر - بنده قسمت اول از فرمایشات آقایان ملتفت نشدم ولی در آخر سجه فهمیدم که باید تمام صورت عایدات و مخارج را بدهد این مسئله در قمره دوم تصریح شده است و بنویسند (دادن محاسبات کلیه عایدات گمرک و صندوق جرائم و مخارج به اداره محاسبات کل) یعنی مطلقاً هر چه هست و نیست تمام قبل از وضع مخارج باید صورت تمام عایدات و مخارج را بدارند محاسبات کل بدهد اما بعد از مخارج ممکن است مبلغی در اداره گمرک باقی بماند و محل خرجی نداشته باشد آنرا باید چه بکنند آن پولها هم ممکن است از عایدات خود گمرک یا از عایدات صندوق جرائم باشد این است که نوشته شده است مازاد هر دو قمره بخرانه برسد

مدرس - بجهت رفع اشتباه بنده عرض میکنم بنده در همان لفظ فاضل صحبت داشتم در مسئله گمرکات هیچ صحبت نکردم بخصوص بعضی الفاظی که هیچ راجع بنده نبود صحبت بنده راجع بلفظ فاضل بود و این لفظ را زبانی میدانم

نایب رئیس - مذاکرات کالی است آقای مؤید الاسلام پیشنهاد کرده اند که بساده ۱۳ اضافه شود (بعضون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده مرقوم شود (پس از پرداخت حوالجات وزارت مالیه) بخرانه داری

نایب رئیس - آقای مخبر این پیشنهاد را قبول میکنید

مخبر - خیر این مسئله راجع باین است که مخارج در گمرکات بجهت ترتیب باید باشد و این مسئله نوشته شده است که کلیه حوالجات بامضاء وزیر مالیه باید بشود و هر موقع نباید باین نکته متذکر شد

نایب رئیس - آقای مؤید الاسلام قانع شدید

مؤید الاسلام - بلی پیشنهاد خود را پس میکنم

نایب رئیس - پانزده دقیقه تنفس است (در این موقع تنفس شده پس از چند دقیقه ختم جلسه اعلان و جلسه آتی به روز شنبه شانزدهم ابلاغ گردید)

جلسه ۳۱۹

صورت مشروح روز شنبه ۱۶ شهریور جمادی الثانی ۱۳۲۳

مجلس تقریباً یکساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤید الاسلام تشکیل و صورت مجلس روز پنجشنبه چهاردهم قرائت شد

غائبین بدون اجازه - آقایان حاج امام جمعه حاج میرزا شمس الدین - حاج شیخ اسمعیل غائبین با اجازه - آقای صدرالمدت

رئیس - آقای سردار معظم فرمایشی دارید؟

سردار معظم - در صورت مجلس نوشته شده است که بنده در جواب آقای حاج شیخ اسدالله گفتم (در ضمن وظایف کمیسیون تطبیق حوالجات این مسئله ذکر خواهد شد) بنده اینطور عرض نکردم عرض کردم مراجعه بکمیسیون بشود در این نظریات می شود

رئیس - بسیار خوب همینطور اصلاح میشود

مدحت السلطنه - اینجا ذکر شده است که بنده تقبیل قیوض و الازم نمیدانم عرض بنده این نبود که لازم نیست تصور بکنم محتاج به تقبیل نخواهد بود بواسطه اینکه کمیسیون تطبیق حوالجات آنها را تقبیل میکنند این تقبیل را لازم نمیدانم

رئیس - این مسئله هم اضافه میشود - دیگر ایرادی نیست (اظهاری نشد) ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد دستور امروز مذاکره در قانون تشکیلات مالیه است از ماده چهاردهم

(ماده چهاردهم راجع به کمیسیون ماده ۱۴ - محکمه مالیه گمرک است از یک نفر رئیس و ۲ عضو علی البدل

مخبر - اینجا اشتباهی شده است و یک کلمه حذف شده است باید نوشته شود (دو عضو و یک عضو علی البدل

رئیس - مقصود آقای آقا سید فاضل هم همین است

آقا سید فاضل - بلی بنده هم همین را می خواستم عرض کنم

رئیس - پس دیگر مخالفی نیست - ماده پانزدهم قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۵ - در محکمه مالیه یک نفر مدعی العموم

بست نمایندگی خواهد بود و از حیث مقامها رئیس محکمه معالی است

رئیس - در ماده پانزده ملاحظاتی هست (اظهاری نشد) ملاحظاتی نیست - ماده شانزدهم هم قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۶ - در مرتبه یک دفترخانه خواهد بود مدیر دفترخانه منشی گری محکمه را در هر همده داشته و بقدر لزوم اجزاء خواهد داشت

رئیس - در اینجا مخالفی هست (ماده ۱۷ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۷ - رئیس و مدعی العموم و اعضاء محکمه مالی مستقیماً در تحت ریاست وزیر مالیه خواهند بود

رئیس - راجع به ماده ۱۷ اظهاراتی هست یا نیست (مخالفی نشد) اظهاری نیست ماده هیچدم خوانده میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۸ - رئیس و مدعی العموم محکمه مالی بصوب وزیر و فرمان همایونی و اعضاء محکمه بصوب و حکم وزیر مالیه معین میشوند

رئیس - در این ماده مخالفی هست؟

مخیر - در اینجا مشکلی (مالیه) بعد از افزودن حذف شده است باید اضافه شود

رئیس - غیر از این ایرادی نیست؟

محل الدوله - بنده تصور میکنم لفظ (تصویب) در قسمت دوم برای اعضاء زیادی است برای اینکه در قسمت اول رئیس و مدعی العموم بصوب وزیر مالیه و فرمان همایونی منصوب میشوند و در قسمت ثانی که اعضاء باشند همان حکم وزیر مالیه کافی است و لفظ تصویب در اینجا مناسب نیست

مخیر - خود آقای محل الدوله در کمیسیون تشریف داشته وجهه اینهم در آنجا کر شد مخصوصاً اگر لفظ (تصویب) در اینجا نوشته نمیشد ممکن بود که اشتباهاتی حاصل شود و آن اینست که رئیس محکمه بگوید یا اینکه اعضاء بحکم مقام بالاتری معین میشوند ولی تصویب رئیس اداره هم شرط است یا اینکه مراعات این مسئله در ادارات خیلی خوب است لیکن در محکمه خوب نیست بواسطه اینکه رئیس محکمه و اعضاء آن باید استقلال داشته باشند باین ملاحظه در اینجا تصریح شده است که علاوه بر اینکه اعضاء بحکم وزیر مالیه منصوب میشوند تصویب او هم باید تعیین شوند نه اینکه رئیس محکمه هر کس را صلاح بداند بوزیر مالیه پیشنهاد بکند و بر طبق پیشنهاد او حکم وزیر صادر بشود برای اینکه این مسئله کاملاً تصریح شده باشد و یک تصوری برای رئیس محکمه حاصل نشده باشد مخصوصاً نوشته شده در حسب تصویب و حکم خود وزیر مالیه باید اعضاء محکمه تعیین شوند

محل الدوله - همین طور است بنده در کمیسیون بودم و نظریات خود را در آنجا اظهار کردم حالا هم نظریات خود را تکرار میکنم بجهت اینکه در کمیسیون در اقلیت بودم و همانطور که عرض کردم بنده تصور میکنم لفظ (تصویب) در اینجا بیوجه واقع شده و اگر لازم باشد یک لفظی که معنی ندارد که رئیس محکمه نمیتواند اعضاء را معین بکند ممکن است نوشته شود بانتهاب وزیر و حکم وزاری والا بنده لفظ تصویب را لازم نمیانم

و محتاج با آنها نیست همین که ماترین اعضاء بصوب رئیس قید نگردد این و بحکم وزاری موکول کرده ایم از برای رفع اشتباه کافی است پس در اینصورت هیچ مانعی نیست که لفظ تصویب را نداشته باشد و مراد هم دارند که در سوابق تصویب و وزیر فرمان همایونی انتخاب میشوند و مناسب نیست که نوشته شود (تصویب حکم وزیر) و همینطور که عرض کردم می توان عبارت را این قسم تصحیح کرد که بانتهاب و حکم وزیر معین شوند

مخیر - اگر آقای محل الدوله بامقصد موافق هستند بنده حرفی ندارم که بجای لفظ تصویب انتخاب نوشته شود

رئیس - پس در کمیسیون در اینجا مذاقه خواهد شد

حاج سید اسدالله - بنده کلیتاً در اجزاء محکمه و حتی در خود رئیس محکمه یک نظری دارم راجع بر رئیس محکمه که گذشت که بتصویب وزیر فرمان همایونی معین شوند در صورت ثانی نظریات خود را عرض خواهم کرد

رئیس - اگر اظهاری دارید الان فرمایید

حاج شیخ اسدالله - چون آماده گذشت دیگر نمی توانم برگردم و در آن ماده عرض بکنم ولیکن الان راجع باین اعضاء در این ماده داخل میشود عرض میکنم بنده تصور میکنم که تصویب رئیس و حکم وزاری در باب اجراء محکمه بگذردی اسباب اشکال باشد و بهترین شقوق در باب انتخاب اجزاء محکمه این را میمانم که در آن مخصوص یک نظر دقیقانه اتخاذ شود فقط تصویب رئیس محکمه در باب تعیین اجزاء مناسب ندارد و برای خاطر اینکه یک اشخاصی باید در محکمه باشند که خودشان استقلال فکری داشته باشند و نظریاتشان معین نظریات رئیس محکمه نباشد و اگر آینه تصویب رئیس محکمه را در انتخاب و تعیین اجزاء دخالت بدیم این بگذردی

رئیس - مذاکره ماده هیچدم است

حاج شیخ اسدالله - بلی بنده اشتباه در ماده کردم

رئیس - ماده نوزده قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۹ - مدیر دفترخانه بصوب رئیس محکمه و حکم وزیر مالیه معین میشود

رئیس - در ماده نوزدهم اظهاری نیست (اظهاری نشد) (ماده بیستم به مضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۲۰) اجزاء دفتر خانه بصوب مدیر دفترخانه تعیین و در تحت نظارت او انجام وظایف می نمایند

محل الملک - کلیتاً اعضاء یک اداره بلا استثنا باید یک حکم وزاری در دست داشته باشند و در تمام موارد این مسئله رعایت شده است لیکن در این ماده هیچ یادآوری نشده است که اجزاء دفتر خانه باید بصوب رئیس و حکم وزاری تعیین شوند و حال آنکه فرق نمیکند اجزاء هر قدر کوچک هم باشند مهمه باید یک حکم وزاری در دست داشته باشند

مخیر - این ماده این مسئله را رد نگرداند است ممکن است بحکم وزاری معین شوند یا بترتیب دیگر علی احوال

این مسئله رد نشده است

رئیس - پیشنهاد دارید بنده بفرستیم به کمیسیون - ماده بیست و یکم خوانده میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۱ - عضو عالی البت در باب یکی از اعضاء محکمه قائم مقام او واقع میشود

رئیس - در ماده بیست و یکم مخالفی نیست (اظهاری نشد)

(ماده ۲۲ بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۲۲ - اجراء احکام محکمه بعهده وزارت مالیه است

رئیس - در اینجا هم مخالفی نیست (مخالفی نشد)

ماده ۲۳ - در محکمه اکثریت آراء مناط اعتبار است

آقای میرزا طاهر - بنده عقیده ام اینست که اگر ابتداء در جزو نظامنامه اداری نوشته شود مناسبتر خواهد بود

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد) (ماده ۲۴ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۴ - مدعی العموم مأمور حفظ منافع دولت بوده و مکلف است که اظهار عقیده نماید ولی در رأی محکمه شرکت نمیکند

نظام السطان - میخواستیم عرض کنیم که در اینجا نوشته شده مدعی العموم برای حفظ منافع دولت معین میشود آیا برای حفظ حقوق ملت هم دولت تربیتی را در نظر گرفته است یا خیر و کسانیکه شکایت از بعضی تمذیبات دارند بکجا باید تظلم و شکایت بکنند و رفع تمذی آنها بجهت نمر خواهد شد

مخیر - البته در مجلس شورایی هر قدر اظهار دلسوزی از برای ملت شود کم است ولی نباید فراموش کنیم آن کسانی که عارض میشوند خودش مدعی العموم خودش میباشد و حقوق خود را حفظ میکند و چون محکمه که حکم قضیه است بیطرف خواهد بود پس وقتی که مدعی حافظ حقوق خودش باشد لابد طرف مقابل او که دولت باشد یک مدافع مخصوص لازم دارد

رئیس - آقای سلطان الملک فرمایشی دارید

سلطان الملک - بنده هم این عقیده را دارم و گمان میکنم نوشته شود حافظ منافع دولت ملت بهتر است و اختصاص ندارد باینکه مدعی العموم حافظ منافع دولت باشد بنده تصور میکنم خوب است بنویسند (حافظ منافع دولت ملت باشد)

رئیس - خوب است پیشنهاد بفرمایند بگرییم

مخیر - بنده تصور نمیکند این مسئله محتاج به پیشنهاد باشد دولت و ملت هر دو یکی هستند

رئیس - رأی قطعی نمیگیریم در قابل توجه بودن رأی میگیریم اگر پیشنهاد حاضر نیست بعد رأی میگیریم

ماده بیست و پنجم خوانده میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۲۵) عقیده مدعی العموم در ضمن رایوروت محکمه باید مندرج باشد در صورتیکه مدعی العموم

مشاهده نمایند که رایوروت محکمه بر خلاف منافع دولتی صادر شده عقیده خود را کتباً بوزیر مالیه تقدیم میکنند

نظام السطان - بنده عرض میکنم که در این ماده نیز وظیفه مدعی العموم اختصاص داده میشود بنافع دولت البته دولت باید منافعش محفوظ باشد ولی باید یک مرجعی هم از برای مردم باشد که اگر در ولایات شکایاتی داشته باشند بتوانند شکایت خودشان را بکنند زیرا که تمام این شکایات و بدبختی ها راجع بقوه مجریه بوده است و الا در باب تشکیلات مالیه اینقدرها مردم شکایت نداشته اند

رئیس - آن پیشنهادیکه میکنم اگر باین توجه شد این مطالب در ضمن آن خواهد بود

ناصر الاسلام - همینطور که آقای مخیر اظهار کردند باید در نظر داشته باشند که این محکمه در رسیدگی بر عرایش مردم بیطرف است و خود عارض منافع خودش خواهد بود و محکمه هم بهیچ وجه نظر خصوصی نخواهد داشت و دولت ناچار است در محکمه یک نماینده داشته باشد و اگر ما بگوئیم که مدعی العموم هم مدافع دولت باشد و هم مدافع کسانی که عارض هستند این چیزی است که تقریباً معنی ندارد و در اینصورت منظور به عمل نیاید مدعی العموم از طرف دولت باید باشد که اگر محکمه خواست منافع دولت را حفظ نکند او از طرف دولت دفاع نماید زیرا که محکمه راجع به عارض و مروض هر دو بیطرف است پس هیچ موقع ندارد که بگوئیم مدعی العموم هم از طرف دولت دفاع کند و هم از طرف مردم

حاج شیخ اسدالله - مدعی العموم دو وظیفه دارد یکی حفظ حقوق دولت است و دیگری حفظ قوانین مقرر در اینجا فقط باین مطالب منحصر شده است که مدعی العموم حفظ حقوق دولت را در محاکمه خواهد کرد ولی دیگر منحصر نشده است که حفظ قوانین مقرر از وظیفه کی و برعهده کیست مدعی العموم یک جنبه عمومی دارد و از نقطه نظر عمومی باید مدعی العموم مدافع قوانین مقرر باشد مثل اینکه در هدایه این مطلب از برای مدعی العموم معین و معزز است اینجا هم بهمان ترتیبی که در هدایه معمول است باید مدعی العموم همچنانکه حفظ حقوق دولت را میکند حفظ قوانین مقرر را هم بکند

اگر هر آینه بکنند پیشکار مالیه یا مأمورین دولت نسبت بقوانین مقرر با مالیاتهایی که مطابق قوانین مقرر وضع شده است مخالفی بنمایند آنوقت مطابق وظیفه که مدعی العموم دارد باید دفاع از آن قانون بکنند و در ضمن دفاعی که از آن قانون میکنند در واقع حمایت از آن عارض کرده پس مدعی العموم یک وظیفه اش حفظ حقوق دولت است ولی از نقطه نظر حفظ قوانین مقرر باید نظر بیطرفی داشته باشد و شاید یک موقع هم برسد که باید با دولت طرف شود بنا براین وظیفه او انحصار ندارد باینکه حفظ حقوق دولت را بکند بنده عرض میکنم باید این وظیفه را هم اینجا برایش معین کرد و دو قانون تصریح شود که در محاکمه نظر بیطرفی را داشته باشد

مخیر - اولاً اگر ماده ۳۴ ملاحظه میفرمودند این فرمایشات را نمیفرمودند زیرا تا یک درجه آن قسمت که راجع بعضی و اجرای قوانین مقرر است

منظور شده و این مسئله از وظیفه محکمه است و در ماده ۳۴ تصریح شده اما در باب مدعی العموم که گفته شد باید بیطرف باشد و همچنین در حفظ منافع دولت را میکند حافظ حقوق و منافع مردم هم باشد بنده این عقیده را تصدیق ندارم زیرا که هر مرافعه سه طرف دارد یکطرف کسی است که خودش عارض است و یکی هیشی است که معاکمه میکند و یکی طرف مقابل عارض است و محکمه مالیه آن هیشی است که حکم میکند باید تصور شود که این محکمه خودش نمیتواند از منافع یکطرف دفاع کند مگر در حدود یک قانونی که مقرر شده از طرف دیگر چنانکه در هر محکمه معمول است باید عارض یا وکیل او بتواند در محکمه از حق خودش دفاع بکند اگر مالیک مدعی العمومی که حافظ منافع دولت باشد (دو محکمه مالیه که مکلف است بیطرف باشد و نمیتواند دفاع از حقوق دولت بکند) معین نمیگردیم آنوقت یک طرف معاکمه لنگ میشود پس چون محکمه نمیتواند از حقوق دولت دفاع کند مدعی العموم مکلف است که از حقوق دولت دفاع کند مدعی العموم آن قسمتی است که از اشکالی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند بلی در هدایه همانصوری است که فرمودند ولی بنده یادآوری میکنم که معاکمات مالیه را نباید عیناً مثل معاکمات هدایه فرض کرد و نمیتوان آن اصولی را که در معاکمات هدایه ممکن است فرض کرد در اینجا هم حتماً فرض کرد همان اختیارات را که مدعی العموم هدایه دارد بدعی العموم مالیه هم داد خیر اینطور نیست آن محکمه محکمه مستقل ملکیتی است و مدعی العموم آن مأمور حفظ منافع امنیت اجتماعی است و این محکمه مالیه و محکمه اداری است پس محکمه اداری با محکمه ملکیتی خیلی فرق دارد علی الخصوص که عرض کردم در ماده ۳۴ این مسئله معین شده و این حق را کسی از محکمه سلب نکرده و مخصوصاً محکمه مکلف است در صورتیکه به بینما از طرف مأمورین مالیه تقضی از حدود قانون است آن مسئله را بوزیر مالیه رایوروت بدهد و بقامات لازم رجوع میکند و مقامی که ممکن است در این باب صلاحیت حکم را داشته باشد مجلس مشاوره عالی است و این مجلس مشاوره عالی همان محکمه جزائی است که در مقابل این محکمه حقوقی مقرر شده و این محکمه حقوقی اگر در ضمن رسیدگی تظلمی از قوانین ملاحظه بنماید آنوقت میتواند بوزیر مالیه رایوروت بدهد و وزیر مالیه باین مجلس مشاوره عالی مراجعه میکند و در آنجا رسیدگی میشود و مقرر به مجازاتی قانون معین نموده مجازات خواهد شد

رئیس - مذاکرات کافی است - پیشنهادی

است قرائت میشود اگر قابل توجه شد بکمیسیون قوانین مالیه فرستاده میشود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده ۲۴ چنین نوشته شود - مدعی العموم مأمور حفظ منافع دولت و طرفدار حق خواهد بود - مدرس

مدرس - عرض میشود این بیاناتی که آقای مخیر راجع بدعی العموم فرمودند صحیح است ولیکن مدعی هدیه دو قسم است یکی مدعی علیه خصمانه است و یکی مدعی العمومی است که طرف هست ولیکن هر طرف خصمانه و فرقی بین این مدعی العموم و مدعی العموم هدایه

نیست این مدعی العموم باید طرف باشد که جواب مدعی را بدهد اما جواب مدعی را دادن در تحوالت بکند که از روی حقانیت و واقع میشود جواب مدعی را بدهد و بکند که این است که حتماً ملزم باشد که طرف را الزام کند مدعی العموم در اینجا ملزم نیست که حتماً طرف را الزام کند بلکه باید ملاحظه حقانیت را بنماید که اگر واقفاً حق بجانب مدعی باشد تسلیم میکند نه اینکه ملزم باشد که تا نقطه آخر مبارزه و مخاصمه نماید در هدایه هم همین طور است پس اوقات است که اگر یک کسی ادعائی بکند بربک غیر عاقل یا بر صغیری مدعی العموم طرف واقع میشود نه طرف خصمانه بلکه طرفی که نگاه میکند به بیند در واقع حق با کیست بنا براین بنده پیشنهاد کردم که این لفظ اضافه بشود

نصرت الدوله - معاون وزارت هدایه - مدعی العموم دو قسم وظیفه دارد اولاً حفظ قانون یعنی وظیفه طبیعی مدعی العموم آن است که حفظ قوانین مقرر را بکند و در اینصورت ابتدا معاصم نیست و یا هیچ کس همراه نیست و مقصود از آن است که قوانین ملکیتی محفوظ باشد و در مواردیکه مدعی العموم یک وظیفه دیگری پیدا میکند یعنی وکیل دولت میشود بینه حال یک نفر وکیل خصوصی را دارد که از طرف مدعی یا مدعی علیه معاکمه میکند نباید گفت که مدعی العموم نباید خصمانه معاکمه کند این مذاکره در اینجا مورد نداشت هر وقت که یک کسی از طرف مدعی یا مدعی علیه وکیل و در یک محکمه برای دفاع حاضر شد اولین وظیفه او این است که طرف خود را ملزم کند خواه بست مدعی العمومی باشد و خواه بست وکالت بنده هیچ فرقی در اینجا نمی بینم

رئیس - مذاکرات گویا کافی است رأی می گیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست

نظام السطان - اولاً یک مقداری از عرایش بنده را هم آقای نصرت الدوله تصدیق کردند و هم سایرین بنده عرض می نمود که وظیفه مدعی العموم نسبت بمنافع دولت غیر از این است البته دولت برای منافع اداری خودش یک مدعی العمومی را معین می کند که تکالیف اداری را بدهد و حقوق و منافع دولت را حفظ نماید یا اینکه هر کسی نواقض اداری دید بخواهد آن نواقض را رفع کند البته مدعی العموم باید وظیفه خود عمل کند اما صحبت بنده بر این است که باید یک ملجائی و مرجعی هم از برای مردم پیدا شود اینکه فرمودند در ماده ۳۴ تکلیف را معین کرده اند اگر چنانچه آن ماده را پیدا کنیم و بخوانیم گمان میکنم که مقصود از عارض بنده درست معلوم شود ولی چون حالا آن ماده را نمی توانم پیدا کنم داخل در این مسئله نمیشوم البته تمام آقایان میدانند که تمام شکایاتی که مردم داشتند از اجرائیات بود دولت طبیعتاً هیچوقت نمیتواند ظالم و ما هم نمیتوانیم نسبت ظلم را بدولت بدیم و به ادارات دولت هم نسبت ظلم را نمیتوانیم ولی نسبت ظلم و تعدی را بسفراد نمیتوانیم بدیم مثلا اگر یک نفر مأمور یا امین مالیه از یکی از ولایات نسبت بچند نفر یک تعدی بکند میگویند مجازات اداری خواهد شد در صورتی که آن

مخالفت با مراد است بنده عرض این است که باید يك مبلغ مدعی از برای مردم قرار داد یا باید حکومت وقت را مدخلیت داد و یا نظر عدلیه را باید دخالت داد یا تشکیلاتی برای این کار معین کرد که هرگاه مردم شکایتی داشته باشند يك ظلمی به آنها شده باشد باین قسم بی سرو سامان نباشد و نیبخواستم عرض کنم که مدعی العموم غیر از این چیزی که نوشته شده است خصائصی دارد البته خصائص همین است و باید بوظایف خودش عمل نماید هر ایش بنده مراجع باینست که بود که عرض کردم

منتصر السلطان - پس از موضوع خارج شدید و برای این عقیده که اظهار میفرماید یکماده هیچجه لازم است در اینماده نیشود مذاکره کرد

منتصر السلطان - بنده گمان میکنم در اینجا نمایندگان محترم يك اشتباهی کرده اند میان مدعی العموم عدلیه که دارای دو وظیفه خصوصی است و مدعی العموم مالیه که دارای يك وظیفه خصوصی است این دو مطلب از هم تفکیک نکرده اند بجهت اینکه فضائی که در عدلیه معین میشوند و یا در محاکم مالیه معین میشوند این فضات همه حالشان یکسان است و عموم مردم خواه مدعی یا مدعی علیه در انتظار این فضاة مساوی خواهند بود ولی چیزی که هست اینست که اینجا تمام مردم با دولت طرفند یعنی یا مذاکراتی است که در خصوص خالصجات و یا مذاکراتی است که در باب اینکه مأمورین مالیه از مازادای گرفته و یا تمدنی کرده اند پس شخص مدعی یا دولت مستقیماً طرف میشود و در محکمه باید یک نفر از طرف دولت باشد که از حقوق دولت دفاع بکند و بگوید که مأمورین و نمایندگان من این ظلم و تعدی را نکرده اند مدعی العموم یعنی وکیل مثل وکیل های مردم که در عدلیه برای کار های شخصی خود انتخاب میکنند مدعی العموم نمی تواند در آن واحد دو وکالت بکند فقط باید حفظ حقوق دولت را بکند

پس مدعی العموم کسی است که ما برای دولت در پیش قضات نماینده قرار میدهیم و نمایندگان که پیشنهاد میکنند بگفتاری اشتباه فرموده اند اگر التفات بفرمایند این محکمه با محاکم عدلیه فرق دارد زیرا که مدعی العموم نمیتواند در آن واحد هم در کار شخصی و هم در کار دولت مداخله نماید و اینجا محاکمه انحصار بدو است و باید جواب دهاوی که هر فرد از افراد ناس نسبت بمالیات و املاک دولت بمنزله بدهند

لذا بنده این پیشنهاد را رد میکنم و مذاکرات را هم کافی میدانم

حاج شیخ اسدالله - اینکه می فرمایند این محکمه با محکمه عدلیه فرق دارد باینقدر فرق دارد که آن محاکمات مالیه است و آن محاکمات عدلیه و لیکن از حیث نظر عمومی یکی است و هیچ فرقی ندارد و اینکه آقای مخبر میفرمایند آن محکمه محکمه عمومی است و این محکمه محکمه اداری است و یک محکمه خصوصی است عرض میکنم محکمه اداری همان مجلس مشاوره عالی است و این محکمه محکمه حقوقی است و اینکه مطابق همین قانون در اینجا ذکر شد مدعی العموم باید دفاع از حقوق

دولت بکنند همین حق و مدعی العموم عدلیه هم دارد و همیشه باید در مقام مدعی که دفاع از حقوق دولت بکنند اینجا هم همان وظیفه را دارد و تصدیق دارم که در مقام مدعی که مثل یک نفر مدعی یا مدعی علیه در محکمه باید مدعی کند ولی آن نظر عمومی که نظارت در اجرای قوانین است مدعی العموم نباید هیچوقت از نظر خود دور داشته باشد بنده تصور میکنم که یکی از اهم وظایف مدعی العموم چه مدعی العموم محاکمات مالیه باشد چه مدعی العموم عدلیه دفاع کردن از قوانین مقرر است و هیچ مخالفتی ندارد که از طرف دولت یا یک کسی طرفیت داشته باشد یا اینکه در محکمه عدلیه از طرف یک نفر ضمیمه باشد هیچ فرق نیست آن نظر طرفیت در جای خودش محفوظ است در محاکمات مالیه هم آن نظر حفظ قانون باید مراعات شود و اینهم که گفته شد در محاکمات همیشه دولت طرف است اینطور نیست بلکه گاهی دولت طرف است و گاهی اشخاص دیگر طرفند - مثلا یک شخصی از امین مالیه یا از مأمورین مالیه شکایت میکند که بین تمدنی کرده اند و عایدی را که از من وصول کرده اند فقط بملخص خودشان بوده و چیزی که از من گرفته اند فقط به کسی مدعی خودشان رفته البته در اینجا دولت بهیچوجه طرف نیست و در این موقع مدعی العموم وظیفه اش اینست که حافظ قوانین مقرر باشد و باید حقوق هیچکس را از دست ندهد یکی از اهم وظایف مدعی العموم همان حفظ قوانین مقرر و جنبه عمومی است چه در عدلیه و چه در مالیه هیچ فرقی نمیتواند

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا - مدعی از آقایان که میفرمایند ملجائی برای مردم باید پیدا کرد و پیشنهادیکه آقای مدرس فرمودند که مدعی العموم طرفدار حق باشد تصور میکنم همان شاکس ها هم باید طرفدار حق باشند و خود محکمه امطر طرفدار حق باشد لازم نیست منتصر مدعی العموم کرد در همه جا می توان این کلمه را اضافه کرد اما آن قسمتی را که برای وظایف مدعی العموم می فرمایند تصور میکنم بمجرد لفظ و بواسطه اصلاح نشود وظایفی که در جای دیگر برای مدعی العموم معین میکنند در اینجا هم معین کرد این يك اصطلاحی است در عدلیه مدعی العموم اسم کسی را گذاشته اند که باید حافظ تمام قوانین باشد اینجا هم کسی را مدعی العموم گذاشته اند که حافظ حقوق دولت باشد و مدعی اینکه يك لفظی مشترك بود نباید تصور کنند مصداق که در جای دیگر دارد اینجا همان طور است پس در خود محکمه هم باید گفت آنقدره شرایطی که برای يك محکمه ابتدائی است لفظ محکمه در اینجا هست باید تمام آن شرایط را دارا باشد بنظر بنده این مذاکرات بواسطه اشتباهی که در لفظ مدعی العموم کرده ایم در حالیکه این کلمه در اینجا اصطلاحی است برای کسیکه باید حافظ دولت باشد و هیچ لازم نیست جميع وظایفی که بجهة مدعی العموم عدلیه است در اینجا ذکر شود

رئیس - حالا مذاکرات کافی است (جمعی گفتند)

کافی است) پیشنهاد آقای مدرس دو باره قرائت میشود رأی میگیریم (مجدداً قرائت شد)

رئیس - رأی میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده فبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای سلطان العلماء راجع ب ماده (۲۴) قرائت می شود (بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد مینمایم که ضمیمه نمایند که مدعی العموم حافظ تمام حقوق دولت و ملت بوده باشد بخصوص دولت یعنی مدعی العموم باید حفظ حقوق طرفین را بشاید

رئیس - آقای سلطان العلماء توضیحی دارید

سلطان العلماء - بنده عرض میکنم اداره محاکمات برای رفع تعظلمات و شکایات مردم است و مدعی العموم وظیفه اش آنست طرفدار عموم باشد چه راجع بدولت و چه راجع بسالت و الا اداره محاکمات معنی ندارد

رئیس - در این پیشنهاد رأی میگیریم آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده فبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد ماده ۲۶ (باین مضنون قرائت شد)

ماده ۲۶ - حقوق مدعی که مدعی علیه یا مدعی را در حین دادن عرض حال عارض بصندوق برداشته قبض صندوق را بر عرض حال خود ضمیمه میکنند ماده معنی در صورتی که عارض مطابق حکم قضای معنی در آمد با مسترد میشود از برای تجدید نظر اخذ نخواهد شد

رئیس - آقای مدرس مخالفتی در آخر مجلس - بلی مخالفت عرض میکنم در آخر ماده که متبوعه ربع مبلغ صدی پنج را بصندوق می بردارد مقتضی ندارد بجهت این که معنای این عبارت این است که اگر کسی شکایت کرد که امین مالیه فلان چهار هزار تومان بین تمدنی کرده است عرض حال که مدینه باید ربع مبلغ صدی پنج مدعی باشد و او قبلا بدهد و این مسئله در این مملکت معنایش اینست که هیچکس شکایت نکند و خیلی خوب بود که این مطلب در اینماده نوشته نشود والا بنده بعضی این که بخواهم بیایم شکایت بکنم که امین مالیه فلان جا هزار تومان بین تمدنی کرده حالا که بخواهند رسیدگی کنند بگویند يك پولی بدهید در صندوق بگذاریم تا این که شکایت شما را رسیدگی کنیم خوب نیست و بعقیده بنده خوب است از اول پول گرفتن را موقوف بنمایند بعد که رسیدگی کردند و دیدند حق میگوید یا نا حق میگوید اگر خواستند صدی پنج از مدعیه را بگیرند مسئله نیست والا در اول بخواهند چیزی از عارض بگیرند این معنایش اینست که کسی ابتدا شکایت نکند و خوب است اگر بخواهیم این محاکمات که صدقات عادل است موقوف نشود پول گرفتن را از اول موقوف کنیم

مخبر - بنده مترسم اگر یکصدری عملی تر بشویم این عمل را پیش از آنکه بلند شود خفه کنیم

صحیح است که برای رفاه حال مردم مجلس دولت مصمم شده اند و يك ملجائی معین کردند که مردم بتوانند شکایات خود را اینجا رجوع بکنند ولی اگر ما همین درجه اکتفا کنیم و وسایل سهولت جریان امور را فراهم بکنیم تصدیق نخواهد فرمود که علاوه بر این که رفع شکایات مردم نخواهد شد يك فدوی هم بر شکایات مردم افزوده خواهد شد و علاوه بر این نفاذ ایران يك محکمه میباشد بنده هم باین عقیده هستم که عارض يك ربع از صدی پنج مبلغ پنج مصلحتاً بپردازد ولی اولاً ملاحظه فرمایند این مبلغ چقدر است حق مدعی که سالی پنج است ربع صدی پنج را بعنوان حق الضمانه باید بدهد و این مبلغ برای جرمی خواهد بود و اگر عارض بهیچوجه معذور بيك حدی نباشد عده عارضین بقدری زیاد خواهند شد که این محکمه که در امر کزنشکیل میشود ابتدا وقت این را نخواهد داشت که رسیدگی بشکایات مردم بکند باز همان قیل و قالها و همان شکایات که داشته اند رفع نخواهد شد سهل است از خود محکمه هم شاکس خواهند شد و خواهند گفت عجب محکمه تشکیل داده اند که یکسال نمی گذرد و رسیدگی بشکایات مردم نمی کنند زیرا که هر کسی نظر بشکایت خود دارد و هیچ نظر ندارد باین که قبل از او هم عده زیادی شکایت کرده اند و يك محکمه فرصت و وقت رسیدگی بین همه شکایات را ندارد پس باید برای اینکار يك کاری کرد که بنده که عارض هستم فکر این را بکنم که علاوه بر آن يك ورق کاغذ که امضاء میکنم يك مبنی هم باید بدهم که آن مبلغ ضامن حق کوئی من باشد و باین واسطه شکایت بی مأخذ زیاد نشود و محکمه وقت رسیدگی بشکایات بی مأخذ را داشته باشد این است که عارض در موقع دادن عرض حال ربع از مبلغ صدی پنج مدعیه را که در واقع يك چیز خیلی خیلی مختصری است ضمیمه بعنوان ضمانت بدهد و اگر این کار را بکنیم می ترسم همانطور که عرض کردم این صدای عدالت خفه شود و محکمه نتواند انجام وظایف خود را بدهد

ناصر الاسلام - بنا بر این خیالی که آقای مخبر فرمودند تقریباً نتیجه اینماده این خواهد بود که جلوگیری از کثرت شکایات متظلمین بشود اگر اینطور است لازم نیست که از اینماده این منظور را در نظر بگیریم خوب است بگوئیم اصلا این محکمه تشکیل نشود زیرا وقتی که محکمه نباشد دیگر عارض عرض حال نخواهد داد و اظهار نظری نخواهد کرد پس غرض این مطلب نیست و بطوری که آقای مدرس فرمودند بنده این مطلب را مضمر که می دانم سهل است بلکه خیلی هم مفید می دانم زیرا آن کسی عرض حال می دهد قبلاً در نظر می گیرد که آن عرض حال را که میدهد اگر بی اساس باشد موقوف نخواهد شد و بواسطه مخارجی که برای گرفتن و بیل و توقف در اینجا لازم است نمی آید در يك موضوع بی - اساسی که امید بعاقبت خود نداشته باشد دارا شود پس هر عارضی که تظلم میکند البته می خواهد رفع این تظلم بشود و البته اول احقاق حق خودش را در نظر می گیرد و بعد تظلم میکند و حالا ابتدا از او بيك مبلغی درخواست کردن اگر حقیقتاً مضرت نداشته باشد خیلی سوء اثر میکند

عدل الملك - بنده تصور می کردم که توضیحات آقای مخبر بقدری کافی بود که مجدداً توضیح لازم نداشت بکریب از صدی پنج که بعنوان حق الضمانه از عارض دریافت و در صندوق توفیق می شود اگر محکوم نشود اخیراً بار داده خواهد شد و بالنسبه بجهت این امور داخلی خودمان داریم می دانیم که هر کس برای طرفه از پیش آمد خود بکراه فراری پیش بینی میکند گمان می کنم که این مبلغ يك چیز خیلی کوچکی است و برای این است که دعاری و آمی و حرفهای بی اساس در محکمه اظهار نکنند و قبلا پیش خود فکر کنند که خود را معنی می دانند شکایت کنند علاوه بر اینم بقدری کوچک و خفیه است که گمان میکنم تعجب فوق العاده بکسی نشده باشد علاوه بر این مقدار در سایر دولایر برای الصاق تمبر و بایبست عنوان دیگر گرفته می شود

حاج شیخ اسدالله - آقایان باید بدانند که این محکمه فقط در مرکز است و باشخاصی که در اقصی بلاد تمدنی میشود باید برگزینند و در اینجا تظلم کنند و یا اینکه بواسطه يك وکیل و مخارج فوق العاده که برای آنها تحویل شود بتواند داخل در محاکمه بشوند بعد از اینکه بيك شخص از اقصی بلاد اینجا آمد و يك مخارج فوق العاده هم کرد وقتی که میخواهد تظلم خودش را در محکمه اظهار کند ابتدا نباید دست دراز کرد و گفت يك مبنی بده بلی در عدلیه این ترتیب است ولی عدلیه ترتیب دیگری است و محاکم عدلیه در تمام ولایات است و این محکمه فقط در مرکز است در این هم بنده اساساً مخالف نیستم که بعد از اینکه محکوم شد از او چیزی گرفته شود تا این مسئله بيك مجازاتی باشد و اسباب تجری دیگران نشود و بیخود اوقات محکمه را ضایع نکنند این مطلب اساساً خوب است ولی نه او را که عرض حال میدهد بعنوان خرج محکمه ربع از صدی پنج از او مطالبه شود اگر چه میفرمایند این چیز قبلی نیست هر چه هم ناقابل باشد ابتدا عارض باید اظهار این مطلب را کرد علاوه باشخاصی که ظلم شده است ابتدا نباید از آنها مطالبه پولی کرد و بجهت پیش بینی و اینکه اسباب زحمت نشوند و يك عراض و آمی اظهار نکنند همین قدر پس است که صدی پنج بعد از محکومیت از آنها دریافت شود بنده باین مطلب خیلی اهمیت میدهم و لازم میدانم قسمت آخر را حذف کنند و همان صدی پنج قناعت شود و بعد از محکومیت دریافت کنند دیگر ابتدا لازم نیست چیزی گرفته شود

سردار معظم مخبر - بنده تصور میکنم آقای حاج شیخ اسدالله با دلائل و بیانات وافی که اظهار فرمودند لازم بود که ایشان موافق باشند زیرا اظهار داشتند که مردم برای اینکه احقاق حقشان بشود از نقاط دور دست می آیند و مخارجی میکنند و دیگر نباید بيك تعظلمات فوق العاده متحمل شوند حالا بخواهیم به بینیم این بيك تعظلمات فوق - العاده است یا نیست اگر ایشان میفرمایند که نباید هیچ گرفته شود پس باید تمام محاکمات عدلیه معنای باشد اما وقتیکه ایشان معتقد هستند که باید صدی ه بعد از محکوم شدن گرفته شود پس تفاوت معامله این است که چنه روز زودتر یا دیرتر شود کسی

که این همه خرج را متحمل میشود و برای احقاق حق خودش بمرکز میاید اگر مدعی بهزار تومان باشد البته ۱۲ تومان ه قران را میتواند بدهد تا اینکه شروع بمعاضه بشود و این اساس اساس تازه نیست و همینطور که آقای عدل الملك فرمودند این مسئله در تمام ممالک منعقد است وقتی که کسی میخواهد بعدلیه عرض حال بدهد چه میکند ابتدا بيك مبلغی از کسبه خود پول بصندوق دولت میدهد یعنی بانها از همین ربع صدی ه باید تمبر بگیرد بر عرض حال خود الصاق کند باین این عرض میکنم این نظر تازه نیست وقتی که متعلقه شده که پس از آنکه محکوم شد باید صدی ه محکمه بدهد شاکس باین قدری زیاد خواهد شد که آن تصدوی که در نظر است عملاً حاصل نمیشود و گرفتاری محکمه بقدری زیاد خواهد شد که نمیتواند جواب عارضین را بدهد البته در اینصورت بهتر اینست که عارضین را مقید بيك قیدهای کوچکی بکنیم که قبل از آنکه می خواهند عرض حال بدهند پیش خود فکر کنند که آیا حقیقتاً معنی هستند یا نه پس از آن عرض حال خودشان را بدهند و این بهیچوجه صدمه وارد نمیکند و اینکه آقای ناصر الاسلام فرمودند جنو احقاق حق مردم گرفته میشود بنده عرض میکنم بهر وسیله که ممکن باشد جلو اظهارات عارضین که حرفشان اساس ندارد گرفته شود بهتر است

(ماده ۲۷ - بعضیون ذیل قرائت میشود)
ماده ۲۷ - مدعی العموم و مأمورین مالیه دولت از دادن خرج محاکمه از هر قبیل که باشد معافند

ارباب کبیر - قسمت دوم این ماده را بنده زیاد می دانم بجهت اینکه اگر مأمورین مالیه شخصاً تمدنی کرده باشند و برای آنها مجازاتی قرار داده خواهد شد در اینصورت جمله مأمورین دولت از دادن خرج محاکمه باز هر قبیل که باشد معافند این را بنده هیچ لازم میدانم و فقط همین کافی است که در موقع مجازات تکلیف آنها معین شود

سردار معظم مخبر - گویا اینجا مقصود این باشد که از مجازات معاف هستند و نمیشود این را حذف نمود بجهت اینکه در ماده که گذشت تصریح شده است که حقوق محاکمه از محکوم علیه اخذ میشود و ممکن است محکوم علیه در بعضی مواقع مأمور دولت باشد آنوقت پس اگر این قسمت را برداریم مثل این میشود که محکوم علیه اهم از این که مأمور دولت باشد یا نباشد صدی ه را باید بدهد ولی در اینجا مقصود این نیست و البته اگر معین شده که تصدیق کرده اند در مجلس مشاوره مالی رسیدگی شده و مجازات خواهند شد

حاج شیخ اسدالله - محاکماتی که میشود در این محکمه دو قبیل است یکدفعه این است که دولت طرف است یعنی عارض تظلم میکند که دولت بواسطه مأمورین خودش بین تمدنی کرده است بيك دفعه دیگر این است که مدعی علیه معینی دارد یعنی عارض میگوید امین مالیه شخصاً نسبت بین فلان تمدنی را کرده است و ابتدا وارد بصندوق دولت هم نشده اما در صورتی که طرف در واقع دولت باشد مأمورین مالیه باید از حق محاکمه معاف باشند اما

در صورتی که مأمورین ماله شخصاً خودشان طرف باشند برای چه از خرج معاف باشند آنها هم مثل اشخاص عادی ملاحظه خواهند شد و پس باید آنها هم خرج معاصمات را بدهند اگر کسی فرمایت مطابق معاصمات اداری برای آنها یک مجازاتی معین شده است این راجع به اجازات اداری و ترتیبات اداری است ربطی به خرج معاصمات ندارد شخص مدعی و مدعی علیه در صورتی که دولت طرف نباشد در عرض هم هستند و يك حال دارند همچنين حكم عارض و مدعی باید خرج معاصمات را بدهد مدعی علیه هم در صورتیکه دولت طرف نباشد باید خرج معاصمات را بدهد و هیچ تفاوت نمیکند لهذا بنده تقاضای من کنم که ماده اینطور نوشته شود (مدعی العموم و مأمورین ماله از دادن خرج معاصمات معاف هستند در صورتی که مدعی به صندوق دولت داده شده باشد) این را اگر آقای معبر قبول دارند در کمیسیون اصلاح کنند

سرشار معظم مخبر - در این مسئله همیشه دولت طرف است هیچ ممکن نیست يك شخص معسوس طرف باشد بجهت اینکه همان کسی هم که شکایت میکند ماله فلان محل پولی گرفته است و بصندوق دولت وارد نشده است همان امین ماله اینکار را در موقعی کرده است که مأمور دولت بوده و در واقع سوء استفاده از مأموریت خود کرده است و بر فرض تعدی کردن در موقعی تعدی کرده است که مأمور دولت بوده پس ابتداء باید این مسئله را تفکیک کرد که آیا حقیقتاً این تعدی را که صورت گرفته است برای دولت کرده است یا برای منافع خصوصی پس از اینکه معاصمات معاف شد و مأمور شد آن مأموری که برای جلب منفعت خودش يك همچو کاری کرده است و بنام دولت دزدی کرده است دیگر دولت آن دزد را نگاه نمیدارد و او را مجازات خواهد کرد و از خدمت خودش خارج خواهد نمود پس تا وقتی که داخل در خدمت دولت است دولت طرف است پس از آنکه از خدمت دولت خارج شد يك شخص عادی خواهد بود و آنوقت معاصمات دولتی عادی را معاصمات ماله صلاحیت ندارد بنماید آنوقت بمعاصمات عدلیه رجوع میکند و خسارت خود را از او میگیرد پس در هر صورت تا وقتی که این معاصمات صلاحیت حکم را دارد همیشه دولت طرف است.

علل الملك - خرج معاصمات یا سایر چیزهایی را که بر مردم تحمیل میکنند برای این است که مقید کنند اگر يك ضرری برده میشود این ضرر را رفع نمایند صحیح است که مدعی العموم کلیتاً در دعوی که برای حفظ منافع دولت و با عوام مبتدیان از خرج معاصمات معاف باشد اما مأمورین ماله و کسانی که امتناع ماله هستند وقتی که آنها ضرری بر مردم وارد مینمایند هیچ فرقی با دیگران ندارند که از خرج معاصمات معاف باشند و بنده تصور میکنم که بایست این ماده اینطور اصلاح شود مدعی العموم از دادن مخارج از هر قبیل که باشد معاف است ولی امتناع ماله و موافق همان نظری که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند از مخارج معاصمات معاف باشند در صورتی که مدعی به صندوق دولت عاید شده باشد اگر خودش يك تعویب کرده باشد و بصندوق دولت عاید نشده باشد نباید مخارج معاصمات را بدهد.

رئیس - مذاکرات در این ماده کافی است (پیشنهاد اینکه آقای اوباب کبیسرو کرده اند رأی میگیریم)

ارباب کبیسرو - در صورتیکه آن پیشنهادی را که آقای حاج شیخ اسدالله کرده اند و آقای علل الملك هم تأیید نموده اند قبول شود بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم.

رئیس - خیلی خوب - چند دقیقه تنفس داده می شود بعد در پیشنهاد رأی میگیریم (در این موقع حضار برای تنفس خارج شده و پس از بازگشت دقیقه مجدداً جلسه منعقد گردید)

رئیس - دو فقره پیشنهاد است یکی از طرف آقای علل الملك و یکی دیگر از طرف اوباب کبیسرو - (پیشنهاد آقای عبدالملك بمضمون ذیل فرمایت شد) بنده پیشنهاد میکنم که ماده (۲۷) اینطور اصلاح شود (مدعی العموم از دادن خرج معاصمات از هر قبیل که باشد معاف است و مأمورین ماله نیز معاف خواهند بود در صورتیکه مدعی به صندوق دولت پرداخت شده باشد)

رئیس - رأی می گیریم در قابل بودن این پیشنهاد آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اگر ارباب کبیسرو نپذیرد رأی گرفت ماده ۲۸ قرائت می شود)

(بمضمون ذیل قرائت گردید)

ماده ۲۸ - در صورتی که پس از مراجع بمقامات مربوطه رفع شکایات متظلمین نشود میتوانست تقاضای معاصمات نماید در این صورت این تقاضا با تصدیق مدعی معاصمات کتیباً بوزارت ماله داده میشود

محمد هاشم میرزا - عقیده بنده اینست که این ماده باید قبل از وظایف معاصمات نوشته شده باشد اینجا مؤخر نوشته شده است (در صورتی پس از مراجع بمقامات مربوطه رفع شکایات متظلمین نشد آنوقت تقاضای معاصمات نمایند)

اینجا خیلی بی موقع است حتماً باید این ماده مقدم باشد

مخبر - بنده مقصود ایشان را درست تفهیم میکنم اگر میفرمایند در ضمن مواد راجع به معاصمات باید مقدم نوشته شود اینطور نیست بواسطه این که موادی که گذشت راجع به شکایات معاصمات بود و از حالا شروع می شود بوظایف معاصمات باین لحاظ اول شکایات معاصمات نوشته میشود و وظایف معاصمات

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم که باید يك مدتی برای اینکار قرار داد مثلا اینجا نوشته شده است که ابتداء عارضین باید بمقامات مربوطه رجوع کنند معلوم است با اداره تشخیص عایدات یا اداره معاصمات مطابق این تشکیلاتی که معین شده است رجوع می کنند اگر رفع شکایات آنها شد دیگر شکایتی ندارند و بمعاصمات رجوع نمیشود اگر رفع شکایات آنها نشد باید معلوم شود تا چه مدت می توانند شکایت کنند و بشکایات آنها رسیدگی میشود بنده تصور میکنم باید ضرب الاجل بشود يك مدتی برای این کار معین شود که پس از آنکه مثلا با اداره تشخیص عایدات رجوع کردند و رفع شکایات

آنها نشد اقلاً يك مدتی معین باشد که بعد از چند سال تکوید من بماند جا رجوع کردم رفع شکایت من نشد و اگر مدت معین نباشد اسباب زحمت خواهد شد بنده پیشنهاد میکنم که برای اینکار يك مدتی معین بفرمایند

مخبر - در این ماده نیشود مدت معین کرد خصوص در باب شکایات که معاصمات نمی داند چه نوع شکایات را باید بپذیرد در صورتی که ماده بعد را اگر ملاحظه بفرمایند تصریح شده است که وظایف معاصمات رسیدگی بوظایف معاصمات است اگر معاصمات رسیده است اما اگر معاصمات رسیده است در حق عارض این حکم را بکنیم این کار را کرده ایم و گفته ایم که اگر بمقامات مربوطه مراجعه کردند و رفع شکایات آنها نشد آنوقت می توانند تقاضای معاصمات بکنند و این طور که نوشته شده است برای اینست که در هر موقع برای هر مطلب جزئی محتاج بانقاد مجلس و معاصمات نشود باین ملاحظه گفتیم پس از اینکه رفع شکایات شاکي نشد و خود شاکي از وزیر ماله تقاضای معاصمات کرد وزیر ماله مكلف است حکم بانقاد معاصمات نماید پس تصور میکنم از هر دو نقطه نظر مقصود حاصل شده است و تکرارش زیاده است

ناصر الاسلام - همانطوریکه آقای محمد هاشم میرزا اظهار کردند آن ماده در اینجا موافقت ندارد باید بعد از مواد دیگر راجع به شکایات معاصمات نوشته شده ذکر کنند زیرا یکی از مقامات مربوطه وزیر ماله است تصور میکنم که اگر در بدو امر عارض بوزیر ماله اظهار بکند و احقاق حق نشود آنوقت دیگر نمیتواند از راجع بمعاصمات نماید پس بر حسب موقع باید جایش مبدل شود و مقدمه شود یعنی بعد از شکایات معاصمات نوشته شود

علل الملك عرض میکنم اگر ماده ذیل را بخواهند تصدیق خواهند فرمود که لزومی ندارد ماده ذیل بمبوسه (دعوی مفصله ذیل در معاصمات ماله پذیرفته نخواهد شد)

در فقره دوم بنویسد (شکایات مالیاتی که در ظرف دو سال از روز وقوع شکایات از طرف مالیات بده بوزارت ماله اظهار شده است) در اینجا باید فقط يك اصلاح عبارتی بشود که در موقع عرض خواهم کرد و این مسئله که میفرمایند در بند دوم ماده ۳۱ پیش بینی نشده است

محمد هاشم میرزا - بنوری که آقای معبر فرمودند اول تشکیلات معاصمات نوشته میشود و بعد وظایف معاصمات پس در آن ماده که قبلاً خوانده شده وظایف معاصمات ابتداء نوشته شده است گرفتن حقوق معاصمات که صدی پنج و این حقوق صدی پنج وظایف معاصمات است عقیده بنده اینست که همانطوریکه آقای ناصر الاسلام هم فرمودند این ماده را تبدیل نمایند و مقدم بمانند

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد ماده ۲۹ خوانده میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۹ - وظایف معاصمات رسیدگی به نظراتی است که افراد مردم از تجاوزات ادارات و مأمورین ماله مینمایند

رئیس - در ماده ۲۹ مغالطی هست یا نیست اظهاری نشده ماده ۳۰ بمضمون ذیل قرائت گردید

ماده (۳۰) طریق مجاز که موافق نظامنامه است کاز طرف وزارت ماله تهیه شده و از تصویب کمیسیون قوانین ماله مجلس خواهد گذشت

رئیس - در ابتداء مغالطی نیست - مخالفتی نشد خوب حالا آقایان وزراء تشریف آورده اند آقای رئیس الوزراء میخواستند بوزارت را معرفی نمایند بعد از معرفی ایشان مشغول میشویم

رئیس الوزراء - نظر بوجهی که در هفته گذشته بهیئت محترم نمایندگان مجلس شورای ملی برای تشکیل هیئت دولت عرض کرده بودم امروز آقایان وزراء برای معرفی حاضر شده اند امیدوارم انشاء الله با همان نظریاتی که نمایندگان محترم نسبت بمن داشته بوزارت هم همان نظر را داشته باشند و امیدوارم بواسطه همان نظر اعتدالی که بمن داشته هیئت دولت با اتفاق نمایندگان محترم بتواند در خدمت دولت و ملت با کمال مجاهدت سعی باشند و امیدوارم انشاء الله خداوند موفقت بدهد که باین آرزو نائل شویم و پروگرام را هم تا چند روز دیگر حاضر کرده بمجلس تقدیم می نمایم (آقایان وزراء باین ترتیب معین شده اند)

شاهزاده فرمانفرما وزیر داخله
آقای حاج معتمد السطنه وزیر امور خارجه
آقای سردار منصور وزیر عدلیه
آقای حاج امیر نظام وزیر ماله
آقای مؤبد السطنه وزیر پست و تلگراف و نوایده

آقای حکیم الملك وزیر معارف و اوقاف
وزارت جنگ را هم خود بنده يك نظری خواهم کرد تا در موقع وزیرش را معین کرده و برض مجلس شورای ملی برسانم

رئیس - آقایان نمایندگان محترم باید از آقای رئیس الوزراء شنیدی بشنوند که بنا آنوقت و اشکالاتی که در پیش بود در ظرف دو سه روزه خانم به بجزان داده هیئت وزاری خودشان را بمجلس معرفی فرمودند خاطر آقایان معسوق است چند روز قبل تا ایلات خود مان را نسبت با آقای رئیس الوزراء با اتفاق آراء معلوم کردیم و بعد همه قسم مساعدت هم دادیم حالا که موافق شدند و کاپیبه خودشان را معرفی کردند امیدواریم همان موافقت نظریکه بنا بوده است در کار باشد باشد امور بروقی مرام انجام بگیرد (مجدداً شروع بنماد که قانون تشکیلات ماله شد و ماده (۳۱) بمضمون ذیل قرائت کردند)

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۳۱) دعوی مفصله ذیل در معاصمات ماله پذیرفته نخواهد شد (۱) دعوی که قبل از تصویب این قانون در ادارات وزارت ماله ختم شده است (۲) شکایات مالیاتی که در ظرف دو سال از روز وقوع شکایات از طرف مالیات بده بوزارت ماله اظهار شده است

رئیس - در ماده ۳۱ مغالطی هست
مدرس - گمان من اینست که يك لفظ (سبب) در اینجا میخواید که وقوع سبب شکایات نه خود شکایت

مخبر - خود شکایات بهتر است

علل الملك - یاد آوری میکنم آن مسئله را که آقای حاج شیخ اسدالله برای مدت میخواستند در ماده ۲۸ ذکر شود آن ماده این ماده (۳۱) است که باید در اینجا ذکر شود شکایاتی که مقصود ایشان بود همین است که در اینجا نوشته شده است شکایات مالیاتی که در ظرف دو سال از وقوع آن شکایات بوزارت ماله اظهار نشده دیگر رسیدگی نخواهد شد ولی این عبارت که در اینجا قید شده است شکایات مالیاتی را از مستثنیات قرار داده اند بنده این کلمه مالیاتی و از آنجا میدانم برای اینکه شکایات ممکن است مالیاتی باشد و ممکن است راجع بخاصه باشد بنده عقیده ام این است اینطور اصلاح شود بهتر است یعنی کلیه شکایاتی که از عارضین میشود يك مدتی داشته باشد و معدود باشد

مخبر - این مسئله را که میفرمایند نه این است که کمیسیون قوانین ماله در نظر نداشت ولی معین بود و اینطور فرار داد بجهت فرض بفرمایند اگر يك کسی يك دعوی غیر از شکایات مالیاتی داشته باشد با يك اختلاف حدودی با املاك خاصه پیش بیاید در این صورت ما نمیتوانیم معدود کنیم و بگوئیم پس از انقضای این دوسال دیگر حق شکایت نداشته باشد شاید در يك موقعی شکایت کرد و احقاق حق او بعمل نیاید آنوقت چکنند پس برای آنکه حق آن آده از میان نرود بخواهیم معدود کرده باشیم يك قسمت از دعوی مرده از حیت معدود کردن مدت یا مانع میشود بنا بر این مدت را فقط بدعوی که راجع به مالیات معدود کردیم یعنی دعوی که خارج از مالیات باشد بهیچوجه معدود نیست و همه وقت نمیتواند اظهار خودش را بنماید مثلا اگر شخصی با دولت دعوی ملکی داشته باشد ممکن است در ظرف ده سال ویست سال یا بیشتر شکایت خودش را بمعاصمات اظهار کند

حاج شیخ اسدالله - این نکته را که آقای مدرس فرمودند معبر التفات فرمودند که در ظرف دو سال از روز وقوع شکایات و حال آنکه ممکن است بعد از آن تعدی که بان شخص شده است یکسال دیگر شکایات خود را اظهار کند مقصود سبب شکایات است یعنی برای اظهار شکایات مالیاتی دو سال وقت هست اما ابتداء این دوسال از چه روزی است آیا از روزی است که این تعدی بان شخص شده است یا بعد از آن این را باید آقای معبر درست بفرمایند که معلوم شود

مخبر - بنده در این مورد مجبور هستم وظایف خودم را به آقای معبر کنم یعنی دو آن مورد باید يك قدری ملاحظه حال مردم را کرد بجهت اینکه ممکن است يك کسی برای توضیح حق دیگری سبب شکایت را وسیله فرار بدهد ولی این که میگوئیم از روز وقوع شکایات برای اینست که مردم برای اظهار شکایت زیادتر وقت داشته باشند و اگر بنویسیم سبب شکایت وقت را کمتر میکنند (ماده ۳۲ بمضمون ذیل قرائت گردید)

ماده (۳۲) - معاصمات مزبور پس از رسیدگی بشکایات رایورت خود را بوزیر ماله میفرستد رایورت های مزبور پس از امضای وزیر ماله قطعی شده

بوقع اجرا گذاشته میشود

رئیس - در ماده ۳۲ مغالطی نیست (اظهاری نشد) (ماده ۳۳ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۳۳) - وزیر ماله مطابق نظر خود و با موافق عقیده مدعی العموم نمیتواند حکم تجدید نظر را بدهد در این صورت همان معاصمات در تحت ریاست وزیر ماله با معاون او تجدید نظر در رایورت نموده رأی خود را اظهار میدارد و آن رأی قطعی و لازم الاجرا است

رئیس - مغالطی هست

محمد هاشم میرزا - در صورتی که دایره معاصمات خیلی تنگ است و يك معاصمات است که هیچ استنباط هم برایش قابل نشده ایم این تجدید نظر هم بنظر مدعی العموم و وزیر ماله گذاشته شده است و بجهت شخص معاصمات هیچ حق استنباط و حق تجدید نظر باقی نگذاشته اند و بنظر بنده طرف دولت ملاحظه شده است و طرف ملت ملاحظه نشده است بجهت اینکه اگر آن شخص معاصمات شد حق ندارد تقاضای تجدید نظر بکند همانطوریکه مدعی العموم که مأمور صرفه جویی دولت است حق تجدید نظر ندارد همانطور هم باید شخصی که شاکي است و معاصمات شد باید حق تجدید نظر داشته باشد اما از باب تجدید نظر هم که عین همان اشخاص خواهند بود که اول معاصمات کرده اند بنظر بنده این هم خیلی ناقص است بجهت اینکه باید اقلاً دو نفر دیگر اضافه شود که يك قضایای دروای و افکار آن عده اولی بکنند والا اگر همان عده تجدید نظر بکنند گمان میکنم چندان فایده منصور نباشد باین جهت بنده پیشنهاد کرده ام و تقدیم مینمایم (پیشنهاد بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بجای ماده ۳۲ اینطور نوشته بشود وزیر ماله در موارد ذیل حکم به تجدید نظر میدهد

(۱) مطابق عقیده خود
(۲) موافق پیشنهاد مدعی العموم
(۳) بر حسب تقاضای معاصمات معاصمات در این صورت همان معاصمات اضافه و در نظر از اعضای ماله به تعیین وزیر در تحت ریاست وزیر یا معاون او تجدید نظر نموده رأی خود را اظهار میدارد و آن رأی قطعی و لازم الاجرا است

مخبر - باز هم مجبور هستم جهانی را که در یکی از مواد عرض کردم تکرار نمایم و بطور صریح عرض میکنم و اطمینان میدهم اگر بمعاصمات حق بدهیم که تقاضای تجدید نظر بکنند کار معاصمات دو مقابل خواهد شد بجهت اینکه هر کسی که معاصمات شود ولو اینکه خودش هم بداند که هیچ فرقی در رأی معاصمات پیدا نخواهد شد قطعاً تقاضای تجدید نظر خواهد کرد و در این صورت امر دائر است باینکه این معاصمات عوض يك کار دو کار بکنند و نخواهد توانست از همه تمام شکایاتی که بانها رجوع شده است بر آید از طرف دیگر ماده ۳۲ و ۳۳ وقتی بهم مربوط کنیم نه این است که در ماده ۳۲ بکلی هیچ راه احقاق برای معاصمات باقی نماند باشد اینطور نیست اگر ما میگوئیم که حکم معاصمات بدون امضای وزیر اجرا میشود مدعی العموم فقط برای حفظ منافع دولت

تقاضای تجدید نظر بکند آن وقت اشکال شاهزاده وارد بود در ماده گذشته ما اجرای رایوت محکمه را به امضای وزیر مالیه موکول کردیم در ماده بعدش که نوشته ایم وزیر مالیه موافق عقیده مدعی العموم حکم به تجدید نظر مینماید یعنی چه چون در یکی از مواردیکه گذشت گفتیم مدعی العموم مأمور حفظ منافع دولت است یعنی در آن جایی که منافع منافع شده باشد مدعی العموم که رسماً و مستقیماً مأمور حفظ منافع دولت است تقاضای تجدید نظر را خواهد کرد و اینکه این حق تجدید نظر که بوزیر مالیه داده شده است برای همین است که اگر بنده بدون حق و بدون جهت محکوم شده باشم بروم پیش وزیر مالیه و این مظالم را بگویم و استنادی که در دست دارم بیاورم و مدعی العموم تقاضای تجدید نظر کنم آنوقت او با منافع خواهد شد یا منافع نخواهد شد اگر منافع نشد که باز نباید محکوم خواهد شد ولی اگر منافع شد آنوقت حکم به تجدید نظر خواهد کرد و برای محکمه هیچ فرقی نخواهد کرد حق من ادا شده است منتهای از مجرای وزیر مالیه پس در اینجا وقتی که ما به مدعی العموم وزیر مالیه هر دو حق دادیم که تجدید نظر بکنند که امتیاز اینست که برای مردم من منافع دولت تجدید نظر شده است

آصف الملک - با اینکه مخبر خودشان میفرمایند که بوزیر مالیه حق داده شده است حکم به تجدید نظر بنماید بنده هیچ منتهای تئوریکم که این حق بعارض من داده شود و قید شود که بر حسب تقاضای عارض هم وزیر مالیه حکم به تجدید نظر خواهد کرد

مخبر - عرض کردم در مسئله تجدید نظر اگر حقوت محکوم ثابت بود آنوقت وزیر مالیه حتماً به تقاضای او حکم به تجدید نظر خواهد کرد بنده تقاضا میکنم این پیشنهاد ما را مراجعه بکمسیون فرمایند تا در آنجا مذاکره شود و صاحبان پیشنهاد متقاعد شوند

رئیس - ارجاع میشود بکمسیون (ماده ۳۴ بهضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۴ - اگر محکمه مالیه در ضمن رسیدگی خود تخلفی در اجرای قوانین و نظامنامههای راجع به مالیه مشاهده کند و یا بپسندد که مأمورین مالیه برای جلب منفعت شخصی تمسکی کرده یا مرتکب تقصیر و خیانتی شده اند مراتب را بوزیر مالیه رایوت میدهد **رئیس** - در ماده ۳۴ مخالفی هست (اظهاری نشد)

اگر تصویب میکنید آقایان جلسه را ختم میکنیم و جلسه آینه بماند برای روز یکشنبه فردا ۲ ساعت بطرف مانده دستور هم بقیه همین قانون و دو فقره اعتبارنامه یکی راجع به میرزا عیسی خان و دیگری راجع به حاج اعتبار السلطنه خواهد بود (مجلس تقریباً یکساعت و نیم از شب گذشته ختم گردید)

جلسه ۳۳

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۷ شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۳

مجلس تقریباً دو ساعت و یک ربع قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل و صورت مجلس قبل قرائت گردید

غائبین بدون اجازه - آقایان: حاج امام جمعه حاج سید اسدالله قزوینی - حاج میرزا شمس الدین - حاج معین التجار

غائبین با اجازه - آقایان: هنر الملک سردار سپهر - نظام السلطان

رئیس - در صورت مجلس مخالفی هست یا نیست (مخالفی نبود) صورت مجلس تصویب شد دستور امروز قانون تشکیلات مالیه است از ماده (۳۵) و رسیدگی بامتیاز نامه های آقایان حاج اعتبار السلطنه و میرزا حسین خان است قبلاً در اعتبار نامه های رأی می گیریم - پیشنهادی رسیده است و باز در نظر از نمایندگان امضاء کرده و تقاضا نموده اند رأی مغنی گرفته می شود

(بهضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی ما اعضا کنندگان ذیل تقاضای کمی که در اعتبار نامه نمایندگان قمر - آرد - رأی مغنی گرفته شود

محمد حسین خوانساری - عیسی کرمانی - سید امان الله - اورنگ شرازی - محمد علی - شیخ دولت - شیخ محمد حسن - مدرس - حاج شیخ یوسف - احقر محمد نجفی - الاقل فاضل التوسوی الکاشانی - شیخ اسدالله - محمد حسین - حاج شیخ حبیب الله - شریعتدار

رئیس - مراد است که از طرف آقای حاج اعتبار السلطنه رسیده قرائت می شود

(بهضمون ذیل قرائت شد)

مقام منبع مجلس شورای ملی شهادت ارکانه نظر باینستکه بقدر قوه موفق بخدمتی برای نوع و منسک شده باشد پس از آنکه از طرف وزارت داخله و مجلس مقدس اطلاع دادند که بسبب نمایندگی بم انتخاب شده با کمال افتخار برای انجام خدمات ملی حاضر گردیده و منتظر بود که از طرف شعبه مأمور رسیدگی اعتبارنامه اظهار عقیده بشود حال که شعبه صحت نمایندگی این بنده را تصدیق نموده است و جدا نمیشود نمیکند گرسوی و کات را اشغال نمایم و در خارج اسباب سوء تفاهم نباشد لهذا بر حسب این مرضه از نمایندگی هم استعفا دارد امید است که مجلس مقدس قبول فرماید عنای حال بخدمتی که رجوع شود حاضر است (العبد اسمعیل اعتبار السلطنه)

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا راجع بچه مضاب است

محمد هاشم میرزا - راجع به همین موضوع است استعفای ایشان مانع از رسیدگی نیست ما او را وکیل نمیدانستیم که استعفا کرده اند باید رسیدگی بشود

رئیس - صحیح است در نظامنامه اینطور نوشته شده است ولیکن نماینده دماوند که استعفا دادند رسیدگی نشده بود حالا هر طوط صلاح باشد ما بطور خواهیم کرد

محمد هاشم میرزا - عرض میکنم عنای حال موضوع در این است که بپسندیم استعفای ایشان از روی چه قاعده است بنده تصور میکنم استعفا پروکالت است ما که او را وکیل نمی دانستیم حالا اگر رسیدگی نشود باید بفهمیم که آیا در آنجا باید تجدید انتخاب شود یا اینکه بطور دیگر خواهد شد چون این اشکال برای بنده باقی است تقاضای

میکند باین مسئله رسیدگی شود حال مجلس رأی می دهد یا نمیدهد نبدانم

رئیس - ممکن است بگویند مقصود از رسیدگی رسیدگی در شعبه است و شبیه هم رسیدگی نموده حالا میخواهید این مطلب را رجوع بکمسیون میکنیم که رأی خود را در جلسه آینه عرض مجلس برساند آن وقت هر طوط شد قرار شد همانطور رفتار شود (بعضی گفتند صحیح است) حالا بایست که بگوریم در اعتبار نامه آقای میرزا عیسی خان

منتصر السلطان - چون تقاضای از مجلس مقدس شده بود که این مسئله بشعبه چهارم رجوع شود بدو سببش رسیدگی کنند ولی شعبه چهارم بواسطه گرفتاری که داشته متعقد نشد و تاکنون نتوانسته اند باینست رسیدگی کنند

رئیس - بانزده روز است که این مطلب مجدداً بشعبه رجوع شده است و گمان میکنم چون جزه دستور است رأی بگوریم و تکلیف معلوم شود بهتر است حالا رأی بگیریم که آقایان که نمایندگی آقای میرزا عیسی خان را تصویب می کنند مهره سفید خواهند داد و آقایان که تصویب نمیکنند مهره سیاه بدهند

محمد علی السلطنه - آقای مبصر الملک مخالف بودند خوب است مخالفت خودشان را اظهار کنند بعد رأی گرفته شود

رئیس - کسی اظهار مخالفت نکرد حالا اگر کسی مخالف است بگوید

مبصر الملک - بنده مخالف بودم حالا عرضی ندارم

(در این موقع اخذ آراء شد و آقایان حاج عز الملک و حاج میرزا حسین خان مهرهای آراء را احصا نموده و بطریق ذیل نتیجه حاصل گردید)

مهره سفید علامت قبول ۵۸ مهره سفید علامت قبول ۲۱ مهره سیاه علامت رد ۳۷

رئیس - آقایان که رأی داده اند (۵۸ نفر مهره حصار (۲۲) مهره قبول (۲۱) رأی مهره رد (۳۷) پس رد شد - قانون تشکیلات مالیه از ماده (۳۵) قرائت میشود (بهضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۵ - کمسیون تطبیق حوالات مرکب است از پنج نفر که مجلس شورای ملی از میان بانزده نفر که دولت پیشنهاد میکند با اکثریت تمام انتخاب مینماید در صورتی که دو دهمه اکثریت تمام حاصل نشد دهمه سوم اکثریت نسبی خواهد بود

رئیس - در این ماده مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مخالفی نیست

ماده ۳۶ - (بهضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۶ - برای عضویت کمسیون مزبور شرایط ذیل لازم است

(۱) تابعیت ایران

(۲) لااقل داشتن سی سال

(۳) اطلاع از اوضاع مالیه و اداری مملکت و ایاق

رئیس - در ماده ۳۶ ملاحظاتی هست

ناصر الاسلام - در این که نوشته شده است اعضاء کمسیون نباید لااقل سی سال داشته باشند بنده مخالفم زیرا که ممکن است

بعضی از اشخاص تحصیل کرده با اطلاع نشان (۲۵) (۲۶) سال باشد و خیلی اشخاص پنجاه و شصت ساله ممکن است اطلاعات کامل نداشته باشند بنده عقیده ام این است که لااقل (۲۵) سال نوشته شود

مخبر - بلی البته ممکن است اشخاص تحصیل کرده باشند که (۲۵) سال داشته باشند ولی اگر آقایان از شرایطی که در اینجا ذکر شده است قبول فرمایند آنوقت جمع کردن هر دو یک قدری مشکل میشود زیرا خیلی کم میشود یک جوان بیست و پنج ساله علاوه بر تحصیلات اطلاعات اداری هم داشته باشد برای اینکه هر دو جمع باشند کمی لااقل سی سال داشته باشد بجهت اینکه ۲۵ سال که تحصیل کرده باشد سه چهارم سال دیگر هم خدمت بکند و اطلاعات اداری و وسایل اداره کردن را بداند باین جهت حد اقل سی سال قرار دادیم ولی برخلاف نظر عقیده آقایان نظر خود بنده این بود که چهل سال بشود و سی سال را هم کم میدانم بجهت اینکه اعضاء این کمسیون ممکن است بواسطه اطلاعات و تجربه یک کمک بزرگی برای دولت باشند و برعکس هم بنظر ممکن است بواسطه عدم تجربه برای دولت تولید زحمت بکند چون تمام حوالات مرده تولید بصورت این کمسیون برسد و اشخاصی که مطلع از اوضاع مملکت نیستند ممکن است در بعضی موارد تولید اشکالات کنند و برعکس ممکن است در موافقی که باید اشکالاتی داشته باشند هیچ حرف نزنند بنا بر این هر دو شرط که گفته لازم است یعنی هم اطلاع علم لازم است و هم تجربه

ناصر الاسلام - عرضی متأسفانه که نمیتوانم بعضی مسائل را در مجلس عرض کنم اینکه گفته می شود اطلاع و تجربه یعنی داشتن هم اداری و آگاه بودن از جریان امور اداری آن وزارتخانه لازم است متأسفانه تاکنون در ایران اشخاصی که در خدمت تحصیل بوده اند بنده ام در وزارتخانه های این مقامات رسیده باشند جز کمند قلی و اشعاعی که تاکنون در وزارتخانه ها بوده اند فقط سرمایه ای که داشته اند یک تجربیات بی اساس بوده که هیچ وجه مطابقت با اساس حاضر نداشته بنده متوانم باطمینان عرض کنم که بعضی از جوانان تحصیل کرده با داشتن سن کم داخل در ادارات شده اند و در این مدت قبیل که وارد بعضی جریان امور بوده اند بصورتی امتحان مردمان شصت ساله رانده اند اگر اسم بیرم باعث ریاست ولی عرض میکنم پس آقای معین الدوله که یکی از جوانان تحصیل کرده است در وزارت مالیه در همان وظایفی که موقت بوده است یک نحو امتحانی داده است که موجب رضایت تمام اعضاء آن وزارت خانه شده است و بنده نمیتوانم تصدیق کنم که یک جوان تحصیل کرده درستی نتواند وظایف چهل ساله را که دارای معلومات نباشد بجا آورد در این باب بنده پیشنهاد میکنم و اگر آقایان رأی دادند بکمسیون رجوع شود

مخبر - بنده بدون اینکه بتوانم از تحصیلات و اطلاعات موسی خان تکذیب کنم عرض میکنم با یک کل بهار نمیشود

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد) (ماده ۳۷ بهضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۷ - اعضاء مجلس شورای ملی و سنا و اشخاصی که دارای مشاغل دولتی هستند با تصدیق مالیات دولتی میباشند نمی توانند عضو کمسیون مزبور باشند مگر اینکه بعد از انتخاب از شغل اولی خود استعفا دهند

رئیس - در این ماده (۳۷) ملاحظاتی هست یا نیست (مخالفی نشد) (ماده ۳۸ بهضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۳۸) کمسیون مزبور بکنفر رئیس و یک نایب رئیس از میان خود انتخاب خواهد کرد و بقدر لزوم منشی و اجزاء خواهد داشت

رئیس - در این ماده حضور ایرادی هست (گفته شد خیر) (ماده ۳۹ بهضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۳۹) - مدت مأموریت اعضاء کمسیون مزبور یک سال است پس از انقضای مدت مزبوره در صورت صحت من امتحان همان اشخاص را میتوان مجدداً مطابق ماده ۳۵ انتخاب کرد

رئیس - در ماده ۳۹ ایرادی هست یا نیست (اظهاری نشد) (ماده ۴۰ قرائت میشود)

(بهضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۴۰ - در صورت فوت یا استعفا یا انفصال دائمی از اعضاء کمسیون مجلس شورای ملی بر حسب پیشنهاد وزارت مالیه و عضولازم و از میان عده که سه ماهی بدهد لازم باشد انتخاب میکنند

مخبر - امض (یکی) از قسم افتاده است باید نوشته شود (یکی از اعضاء کمسیون)

رئیس - در این ماده ایرادی هست یا نیست (ایرادی نشد) (ماده ۴۱ بهضمون ذیل قرائت می شود)

ماده ۴۱ - در صورتی که مدت مأموریت اعضاء کمسیون در قیاب مجلس شورای ملی منقضی بشود تا زمان انعقاد مجلس جدید همان اعضاء در مأموریت خودشان باقی خواهند بود

رئیس - در ماده (۴۱) هم گویا مخالفی نیست (گفته شد خیر) (ماده ۴۲ خوانده میشود)

(بهضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۲ - در صورت فوت یا استعفا یا انفصال دائمی یکی از اعضاء کمسیون در قیاب مجلس شورای ملی از عده کارزمین آن ها انتخاب شده است کسیکه اکثریت نسبی دارد بجای عضو مستعفی و یا متوفی و یا منقضی معین میگردد

آریاب کیخسرو - اینجا بنده از آقای مخبر توضیح میخواهم این که نوشته شده است بجای عضو مستعفی و یا متوفی آن کسی بر قرار میشود که اکثریت نسبی داشته است اگر آن شخصی که بعد از او اکثریت داشته مسافرت اختیار کرد و یا اتفاق دیگری افتاد برای اوچه پیش بینی شده است برای اینکه ممکن است تا مدتی که این شخص مستعفی یا منقضی است آن شخص هم مأموریتی حاصل کرده باشد یا فوت کرده باشد پس برای این مسئله چه پیش بینی شده است

مخبر - بلی ممکن است همچو اتفاقی بیفتد بجهت این که از یک طرف ما انتخاب اعضاء کمسیون را واگذار کردیم ب مجلس شورای ملی البته در زمانی

که مجلس هست بر حسب ماده که گذشت معین است عرض او را انتخاب خواهد کرد اما در غیبت مجلس - شورای ملی هیچ راهی ندارد جز این که همان نظریه را که مهم تر است منظور بداریم یعنی بگوئیم کسیکه بعد از آن شخص دارای اکثریت است معین شود و این مطلب برای اینست که خود دولت مختار در انتخاب افراد کمسیون نباشد و اولاً اگر همچو اختیاری بدولت داده میشد آن وقت وجود این کمسیون با اعضاء کدولت معین میکرد لغو بود حالا این مسئله را که میفرمایند اگر یک همچو اتفاقی برای آن ها پیدا شود هنوز پیش بینی نشده است

حاج شیخ اسدالله - بنده هم یک توضیحی میخواهم که آیا در کمسیون پیش بینی شده است که هر گاه در دهمه دوم در کمسیون اکثریت حاصل نشد و در دهمه ثالث اکثریت نسبی حاصل خواهد شد حالا ممکن است در مرتبه اول و ثانی و ثالث اکثریت نسبی تفاوت کند آن وقت در این صورت کمسیون چه نظر دارد آن انتخابی که اول شده یا ثانیا یا ثالث شده کدامیک را منوط اعتبار مینماید

مخبر - البته در این صورت اکثریت نسبی که در انتخاب ثالث حاصل میشود منوط خواهد بود

رئیس - ماده (۴۳) قرائت میشود (بهضمون ذیل خوانده شد)

ماده (۴۳) - اعضاء کمسیون در هیچیک از معاملات دولتی نباید دخالت نموده یا واسطه واقع شوند

رئیس - کسی مخالف نیست (اظهاری نشد)

ماده (۴۴) خوانده میشود (بهضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۴۴) - در کمسیون اکثریت آراء مناط اعتبار است

رئیس - در اینجا هم مخالفی نیست - ماده ۴۵ قرائت میشود

(بهضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۵ - وظائف کمسیون تطبیق حوالات شرح ذیل است

۱ - تطبیق حوالات مستقیم و اعتباری با بودجه ها و اعتبارات مصوبه و تصدیق آنها قبل از رسیدن بامضای وزیر مالیه

۲ - رسیدگی بحساب ادارات صاحب جمع نقدی و اجناس که در حکم نقدی است

۳ - رسیدگی بحساب وزارتخانه ها و کمپانیها و اشخاصی که مطابق قراردادها باید حق بدولت بدهند یا منفصل معین میگردد

آقا سید فاضل - اینجا اصل حوالات را معین نمیکند و معلوم نیست کی حوالات میدهد و کی حواله را صادر میکنند

مخبر - صدور حواله در اینجا نباید معین شود در این ماده وظایف کمسیون تطبیق حوالات معین اگر ما بخواهیم هر کلمه که در اینجا اسم برده می شود برای او تکلیف معین کنیم آنوقت قانون خیلی مخلوط خواهد شد

آقا سید فاضل - چون یکی از وظایف مهم در وزارت مالیه اصدا حواله است او را اینجامعین نشده است که اصدا این حواله وظیفه کیست باید در تشکیلات مرکزی بیان کنند که دادن حواله با کیست

حاج عزالمالک - همان طوری که آقای

مخبر اظهار فرمودند این ماده مربوط بصورت حواله نیست این ماده وظایف تطبیق حوالجات را معین میکند برای استحضار خاطر آقای آقا سید فاضل لازم است توضیحاً عرض کنم صحت حوالجات همه یکجور نیست معین است حوالجات یا راجع بخود وزارت مالبه یا بوزارتخانه های دیگر است همینطوریکه تا بحال معمول بوده درخواست مالبه که صادر میشود در اداره محاسبات کل مالبه رسیدگی میشود و حواله صادر میشود بعد از آنکه حواله صادر شد کمیسیون تطبیق حوالجات قبل از آنکه بامضای وزیر برسد موافق این ماده بوظیفه خودش عمل میکند حالا فرضاً اگر یک ترتیب دیگری برای صدور حواله لازم باشد مربوط باینجا نیست آنرا باید در نظامنامه های دیگر معین کنند

آقای سیدفاضل - این جواب عرض بنده نشد

برای اینکه اصداً حواله يك مطلب مهمی است که اینها همه تابع حواله است صحیح است کمیسیون تطبیق حوالجات حواله را ملاحظه میکند بعد به امضای وزیر میرسد ولی باید به یقین که کی حواله را صادر میکند تا بعد کمیسیون تطبیق حوالجات رسیدگی کند و بعد بامضای وزیر برسد

مجلس الدوله - تصور میکنم حواله از طرف

وزیر مالبه صادر میشود و برطبق درخواست هر وزارتخانه و این يك کارهای عملی و ابتدائی است که در اداره محاسبات خواهد شد اداره محاسبات وظیفه اش جمع آوری بودجه و تهیه بودجه و ترتیبی است که جزو وظیفه اداره محاسبات قرار دارند و همینطور صدور حواله یعنی نوشتن يك کفندی مطابق درخواست وزارتخانه که مطابق مسئولیتی است که دارند و باید محاسبات خودشان را بر طبق بودجه بدهند این حواله را هم که نوشتن و تحریر يك کفندی است می نویسند و در کمیسیون تطبیق حوالجات معاینه میشود و بعد بامضا میرسد تحریر حواله یعنی نوشتن حوالجات یکی از وظایف اداره محاسبات است و این هیچ اهمیت ندارد که بگوئیم حوالجات را کی خواهد نوشت

رئیس - اگر اینطور صحبت بشود همچوقت تمام نخواهد شد ماده (۴۶) خوانده میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۶ - کمیسیون میتواند هر نوع اطلاعات راجع به عیادت و مخارج دولتی را که لازم بدانند از ادارات و دوائر مالبه مستقیماً و از ادارات دیگر بتوسط وزارت مالبه بخواهد و تمام آنها مکلف در دادن این اطلاعات هستند

رئیس - مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد)

مخالفی نیست ماده ۴۷ قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۷ - اگر کمیسیون در ضمن اجرای وظایف خود نقش در اجرای قوانین و نظامنامه های راجع بمالبه مشاهده کند رایورت آنرا بوزیر مالبه میدهد در صورتی که از طرف وزیر مالبه اقدامی در جلوگیری نشود کمیسیون مزبور می تواند در آن بایستقیم به مجلس شورای ملی و دوغاب مجلس بهیئت وزراء رایورت بدهد

رئیس - در این ماده مخالفی هست

حاج شیخ یوسف - اینجا نوشته شده است (اگر کمیسیون در ضمن اجرای وظایف خود نقشی در اجرای قوانین و نظامنامه های) عقیده بنده اینست اگر لفظ نفس را تبدیل بلفظ مانع کنیم گویا بهتر باشد

رئیس - پیشنهادی دارید بنویسید بدهید

رای بگیریم

حاج شیخ یوسف - بله پیشنهاد میکنم

رئیس - ماده ۴۸ خوانده میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۸ - هرگاه کمیسیون در ضمن رسیدگی بحساب تقب و خیانتی مشاهده کند بوزیر مالبه اطلاع میدهد که اقدام مقتضی را بعمل آورد

رئیس - در ماده ۴۸ ملاحظاتی هست

ارباب کیخسرو - بنده اینجا از آقای مخیر توضیحی میخواهم که مقصودشان از جمله (اقدام مقتضی) چیست - چون برای ما موزون در موقع تقب و خیانت بعضی مجازاتها در نظامنامه معین میشود و بواسطه این لفظ که اینجا نوشته میکنم است وزیر مالبه بیل خود صرف نظر از آن مجازاتها بکند بنا براین بنده عرض میکنم که باید حتماً مطابق آن نظامنامه آنچه مجازات برای آنها نوشته شده است باخائنین رفتار شود

مخیر - عرض میکنم وقتی که يك همچو

رایورتی بوزیر مالبه رسید خودش در صدر میاید يك تحقیقاتی میکند اگر تحقیقات او مطابق واقع شد و خود وزیر مالبه هم تصدیق کرد آنوقت به مجلس مشاوره عالی رجوع میکند و در آن محکمه رسیدگی میشود و آن اشخاص مجازات می شوند و اگر معلوم شد کمیسیون تطبیق حوالجات اشتباه کرده است آنوقت دیگر کسی مقصر نخواهد بود

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور می کنم

وزیر مالبه خودش شخصاً نمی تواند داخل در این نوع عملیات بشود اینرا بنظر وزیر مالبه موکول نمودند که خودش تحقیقاتی بکند و اگر فهمید که کمیسیون تطبیق اشتباه کرده است آن وقت آنرا مسکوت نه گذاشتن صحیح نیست بعد از آنکه کمیسیون تطبیق حوالجات همانطوریکه آقای ارباب کیخسرو فرمودند يك تقب و خیانتی را فهمید و به وزیر مالبه رایورت داد وزیر مالبه باید مکلف باشد که مطابق این قانون هیئت مشاوره عالی تشکیل داده محاکمه کند و مطابق قانون آنها را مجازات نماید و الا نظر شخص وزیر را در محاکمات و رسیدگی دخالت دادن بنده هیچ مناسب این قانون نمی دانم

رئیس - آقای ناصر الاسلام موافقید ؟

ناصر الاسلام - غیرمخالفم

رئیس - چون دیگر موافقی نیست بفرمائید

ناصر الاسلام - من منظوریکه آقای ارباب

کیخسرو اظهار فرمودند اینجا نوشته شده است (هرگاه کمیسیون در ضمن رسیدگی بحساب تقب و خیانتی مشاهده کرد بوزیر مالبه اطلاع می دهد که اقدام مقتضی را بعمل آورد) اقدام مقتضی در این ماده چنین مینماید که هر نوع اقدامی را بیل خودش

میتواند بعمل آورد بنده تصور میکنم در پیشنهادی که آقای ارباب کیخسرو در این ماده خواهند کرد رای گرفته شود بهتر است (ماده ۴۹ باین مضمون قرائت شد)

ماده ۴۹ - تصویب و تصدیق کمیسیون رفح مشورتی

از وزیر مالبه نمیکند

رئیس - در این ماده ایرادی هست (اظهاری

نشد) مخالفی نیست ماده ۵۰ قرائت میشود (ماده

(۵۰) بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۵۰ - تصویبات اداری اعضاء کمیسیون مزبور در مجلس مشاوره عالی رسیدگی می شود

ولی رایورت مجلس مشاوره عالی در صورت محکومیت اعضاء کمیسیون بققرات ۳ و ۵ و ۶ ماده ۶۲ پس از تصویب مجلس شورای ملی و در غیاب مجلس پس از تصویب هیئت وزراء بوقع اجرا گذارده میشود

رئیس - ایرادی هست - مخالفی نبود (ماده ۵۱

بمضمون ذیل قرائت میشود)

ماده ۵۱ - در آن واحد زیاده از يك عضو کمیسیون را نمیتوان موقتاً منفصل نمود و در صورت محکومیت عضو دیگر بانفصال موقتی تا انقضای مدت انفصال اولی حکم ثانوی مسکوت عنه میباشد

رئیس - مخالفی هست - گفته شد خیر ماده ۵۲

خوانده میشود (باین مضمون قرائت شد)

ماده ۵۲ - اعضاء کمیسیون تطبیق حوالجات موظف خواهند بود

رئیس - در این باب مخالفی هست ؟ (مخالفی

نبرد و ماده ۵۳ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۵۳ - پس از تشکیل دیوان محاسبات کمیسیون تطبیق حوالجات منحل خواهد شد

رئیس - در اینجا هم ملاحظاتی نیست پیشنهادی

است از طرف آقای حاج شیخ یوسف قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۴۷ لفظ (نفس در اجرای قوانین) تبدیل بلفظ (مانع در

اجرا) شود بملاحظه اینکه بعد نوشته شده که از طرف وزیر مالبه اقدامی در جلوگیری بشود

مخیر - مقصود مانع نیست مقصود تلفظ است

اگر مانع نوشته شود مقصود فرق میکند

رئیس - آقای حاج شیخ یوسف توضیحی

دارید بفرمائید

حاج شیخ یوسف - اینکه عرض کرده ام

را بجای کلمه نفس در قانون بنویسند برای این بود که اجرا قابل نفس نیست بجهت اینکه بعد نوشته شده است که (رایورت آنرا باید بوزیر مالبه بدهد که اقدامی در جلوگیری بنماید و در صورتیکه از طرف وزیر مالبه اقدامی در جلوگیری نشود کمیسیون

مزبور میتواند در آن باب مستقیماً بحسب شورای ملی رجوع کند) در اینصورت که کمیسیون میتواند این کار را بکند پس معلوم می شود که يك مانعی در اجرای قوانین و نظامنامه های مذکوره مشاهده کرده است باین جهت پیشنهاد کردم که بجای کلمه نفس مانع نوشته شود

محمد شاهشیرزا - کلاً از این ماده وهم

از سابق و لاحق آن معلوم می شود که مقصود نفس است و همان مقصودی را که آقای حاج شیخ یوسف دارنده تصور میکنم همین کلمه نفس برساند مسلم

است کمیسیون چنانچه تخلفی در اجرای مواد قانونی دیده باید بوزیر مالبه رایورت بدهد و همینطور که نوشته شده است افسح از مانع است ماده بدش را اگر ملاحظه بفرمائید خواهند دید که مقصود در اینجا تلفظ است و نفس باید نوشته شود

رئیس - رای میکنیم در پیشنهاد آقای حاج

شیخ یوسف آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (هده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد - پیشنهاد آقای ارباب

کیخسرو واجح بناده (۴۸) قرائت می شود (باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۴۸ چنین نوشته شود (بوزیر مالبه اطلاع میدهند تا رسیدگی

نموده و در صورت ثبوت تقب یا خیانت بوسیله نظامنامه مواد مجازات را در مورد آن شخص اجرا نمایند)

مخیر - بنده يك قسمت از این پیشنهاد را

بمیلیدم اگر آن کلمه نظامنامه را حذف کنند و بنویسند بحسب مشاوره عالی محول کنند بهتر است علی ای حال تقاضا میکنم بکمیسیون ارجاع فرمائید در آنجا اصلاح شود

رئیس - بکمیسیون ارجاع می شود - ماده

(۵۴) خوانده میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

مجلس مشاوره عالی

ماده ۵۴ - مجلس مشاوره عالی مرکب است از وزیر مالبه بامعاون او و چهار نفر از رؤسای ادارات

مذکوره در فقرات ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ ماده (۱) بدعوت وزیر مالبه

رئیس - آقای معین الدوله مخالفی

بودم گمان میکنم این کلمه را که در اینجا نوشته شده درست توجه نشده و باید معاون بامدیر کل وزارتخانه نوشته شود بجهت اینکه نمیتوان مجلس مشاوره را بی وزیر گذاشت در صورتیکه ریاست این مجلس بوزیر بامعاون او است اگر چنانچه معاون نداشته باشد و مدیر کل داشته باشد مدیر کل میتواند بجای وزیر در مجلس بیاید

مخیر - اصل مطلب خیلی صحیح است ولی

بنده تصور میکنم از کثرت وضوح این مطلب نوشته نشده است بجهت اینکه در ماده (۱) نوشته شده است معاون بامدیر کل امر دائر است بر اینکه در وزارت مالبه بامعاون باشد بامدیر کل اگر معاون نباشد البته مدیر کل خواهد بود پس وقتیکه مدیر کل بود آن وظائفی که برای معاون معین شده برای او هم خواهد بود و تمام کارهای او را خواهد داشت بنابراین چون خیلی واضح است کلمه مدیر کل نوشته شده است

ماده ۵۵ - مجلس مشاوره عالی در تحت ریاست

وزیر مالبه بامعاون او تشکیل میشود

رئیس - کسی از آقایان مخالف هست (اظهاری

نشد) مخالفی نیست - ماده ۵۶ خوانده میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۵۶ - رئیس اداره که متشکی عنه رئیس باجزه آن اداره است جزو هیئت مشاوره عالی نمیتواند باشد ولی برای دادن توضیحات دعوت میشود

مخیر - عبارت باید طوری خوانده شود که

اشتباه نشود

رئیس - عبارت اینجا اگر سلیس نباشد ممکن است برای شور تانی اصلاح شود - در اصل مطلب ایرادی هست یا نیست (اظهاری نشد) (ماده ۵۷ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۵۷ - در مجلس مشاوره عالی اکثریت آراء منط اعتبار است

ارباب کیخسرو - در اینصورت که اکثریت

آراء را منط اعتبار قرار داده اند بنده سابق اجازه خواسته بودم موقع گذشت حالا عرض میکنم البته ترتیبات آن در نظامنامه داخلی معین خواهد شد ولی قبل از آنکه نظامنامه مرتب شود ممکن است از پنج نفر سه نفر حاضر نشوند آنوقت اکثریت با دو نفر است آیا آنرا منط اعتبار قرار دادن صحیح است یا خیر بنده تصور میکنم در موارد مهم این اکثریت را نتوان منط اعتبار قرار داد مگر آنکه آن اکثریت افزا از آراء چهار نفر باشد

مخیر - مقصود از اکثریت همان اکثریت

رای پنج نفر است و برای مزید اطلاع آقای ارباب عرض میکنم که این مجلس يك مجلس دائمی نیست و فقط در بعضی مواقع خصوصی است که وزیر مالبه این روسا را دعوت میکند البته همه حاضر خواهند شد بنابراین معلوم است که مقصود از اکثریت ۵ نفر است

ارباب کیخسرو - بنده خیلی خوشوقت شدم

که آقای مخیر این توضیح را دادند ولی خوب است نوشته شود

(پس از آنکه مجلس منعقد شد) چون کرارا دیده شده است که بعضی مجالس که فراهم آمده است اگر یکی دو نفر غائب بوده اهمیت نداشته اند باین ملاحظه بود که بنده عرض کردم که لازم است که يك ترتیبی برای تعیین اکثریت داده شود و اگر اینها يك کلمه بیفزایند و معلوم کنند که مقصود از این اکثریت آراء پنج نفر است و معین واضح است و بیترجمت تر هم هست

محمد شاهشیرزا - بنده تصور میکنم وقتی

که بنویسیم مجلس مرکب است از ۴ یا پنج باهفت یا هشت نفر چنانچه در سایر محاکم هم نوشته شده است البته اگر عدد بآن اندازه که نوشته شده نباشد اطلاق محکمه بر آن نمیشود همینطور این مجلس مشاوره عالی که مرکب از پنج نفر است اگر بکنفر یا دو نفر او غائب باشند مجلس مشاوره عالی بر او اطلاق نمیشود بنده تصور میکنم عبارت کافی است و اضافه چیزی در اینجا لزومی نداشته باشد

رئیس - ماده ۵۸ خوانده میشود (بمضمون

ذیل خوانده شد)

ماده ۵۸ - رایورت مجلس مشاوره عالی پس از امضای وزیر مالبه بوقع اجرا گذارده میشود

رئیس - در این ماده مخالفی نیست -

ماده ۵۹ قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۵۹ - در صورت عدم موافقت با رایورت مجلس مزبور وزیر مالبه می تواند حکم تجدید نظر کند و پس از رسیدگی ثانوی رای مشاوره قطعی و لازم الاجراست

آقای سیدفاضل - گویا اینجمراد عدم موافقت

وزیر است خوب بود عبارت قدری سلیس نوشته میشد و بهتر شد (بموافقت وزیر)

مخیر - بعد لفظ وزیر هست و مطلب معلوم است

رئیس - سلامت عبارت يك چیزی است که

ممکن است بکمیسیون رجوع شود ماده ۶۰ خوانده می شود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده (۶۰) در موقع تجدید نظر مجلس مشاوره عالی مرکب خواهد بود از کبه روسای ادارات مذکوره در ماده (۵۴) با استثنای رئیس اداره متشکی عنه

رئیس - در اینجا ایرادی نیست (مخالفی نشد)

ماده ۶۱ خوانده میشود (ماده ۶۱ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۶۱ - رسیدگی بتصویبات اداری و روسای ادارات مالبه در مرکز و ولایات و اعضای محکمه مالبه برعهده مجلس مشاوره عالی است

رئیس - آقایان در این ماده ایرادی دارند

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم که اگر بعد از تصویبات اداری لفظ (خیانتها) اضافه شود بهتر است بجهت اینکه بساعت مأمورین و روسای مالبه خیانتی میکنند که خیانت اداری نیست و تقب شخصی است آراء هم باید هیئت مشاوره عالی رسیدگی کند و حکمش را بدهد

مخیر - تصور میکنم نشود گفت يك خیانت و يك

تقبی در يك اداره پیدا شود که جز تصویبات اداره شمرده نشود ولی تصویبات فیهاداری غیر از این موضوع است در حکم سایر مقصرین است

ماده (۶۲) مجازاتهایی که برای محکومین مجلس مشاوره عالی مقررات بقرار ذیل است

(۱) اخطار کتبی بدون درج درورقه خدمت

(۲) اخطار کتبی بارج درورقه خدمت

(۳) کسر نك حقوق از یکماه الی ۴ ماه

(۴) تنزل رتبه

(۵) انفصال موقت از دو هفته الی ۶ هفته

(۶) انفصال دائمی

تبصره - هرگاه در ضمن رسیدگی در مجلس مشاوره عالی مشکوف شود که متشکی عنه مرتکب خیانتی شده مجلس مشاوره قرار انفصال موقتی او را داده مراتب را بدین مأموم علیه اطلاع میدهد

رئیس - در این ماده هم گویا مخالفی نباشد

ماده ۶۳ خوانده میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۶۳ - محکومین بانفصال موقتی برای مدت انفصال حق اخذ حقوق را ندارند

رئیس - البته مخالفی ندارد - ماده ۶۴

خوانده میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۶۴ - مفاد ماده (۶۲) راجع بستمین خارج تا اندازه اجرا خواهد شد که مخالف مدلول کثرت آنها نباشد

رئیس - اینهم مخالفی ندارد (گفته شد مخیر)

ماده (۶۵) خوانده میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۶۵ - برای عضویت مجلس مشاوره عالی حقوق داده نمیشود

رئیس - در این ماده هم البته مخالفی نیست ماده

۶۶ قرائت میشود

(بعضون ذیل قرائت شد)
دایره پرسنل و مزایات)

ماده ۶۶ - وظایف دایره پرسنل و مزایات وزارت مالیه مطابق نظامنامه مخصوص وزارتخانه معین میشود

رئیس - در اینجا مخالفی هست

(اظهاری شد و ماده ۶۷ بعضون ذیل قرائت شد)

ماده ۶۷ - وظایفی که در این قانون برای مستخدمین مالیه مقرر است شامل تمام مستخدمین داخلی و خارجی خواهد بود این نکته در ضمن کتکرات مستخدمین خارجی قید شد و الا آن کتکرات از درجه اعتبار ساقط است

رئیس - در اینجا هم مخالفی نیست ماده ۶۸ قرائت میشود

(بعضون ذیل خوانده شد)

ماده ۶۸ - این قانون پس از تصویب مجلس شورای ملی و رسیدن بصدقه های دولتی به وقوع اجرا گذارده میشود

رئیس - در اینجا هم مخالفی نیست - شورایی قانون تشکیلات خدمت قانونی کاراجع به تشکیلات ولایات بود در کمیسیون حاضر شده است یا غیر

سر دادر معظم - خیر هنوز حاضر نشده شاید تا پنجشنبه حاضر شود و مجلس تقدیم کنیم

رئیس - قانون پستی چطور

مبصر الملک - قریب بانجام است برای روز پنجشنبه بمجلس خواهد آمد

رئیس - چون کار دیگری نداریم اگر مخالفی نباشد جلسه را ختم میکنیم و جلسه آتی میماند

برای روز پنجشنبه سه ساعت بطرف ماندن ناصر الاسلام - پیشنهادی که بنده کرده بودم در قابل توجه بودنش رأی نگرفته بود

رئیس - هیچ پیشنهادی اینجا باورده اند ممکن است بکمیسیون ارجاع کنید در شور دوم مذاکره شود در اینکه جلسه آتی روز پنجشنبه باشد مخالفی هست (گفته شد غیر) (مجلس یکساعت قبل از غروب ختم شد)

جلسه ۳۳

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه بیست و یکم شهر جمادی الثانیه ۱۳۳۳

مجلس تقریباً دو ساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز یکشنبه ۱۷ قرائت شد

غائبین بدون اجازه - آقایان طباطبائی - مرآت السلطان

فائزین با اجازه - آقای حاج میرزا اسدالله خان رئیس - در صورت مجلس مخالفی هست یا نیست (اظهاری شد) مخالفی نیست - صورت مجلس تصویب شد در جلسه گذشته برای امروز دستور معین نکرده بودیم بعلم اینکه قانون تشکیلات مالیه آنچه را که بر کمر بود شور اولش تمام شده بود و آنچه را که بر ولایات بود هنوز شور آن در کمیسیون تمام نشده بود و یکی دو فقره قانون مهم هم که کابینه سابق پیشنهاد کرده بود مدتی است بکمیسیون فرستاده ایم از جمله قانون راجع بدخانیات است که هنوز در اولش

بمجلس داده نشده است لذا قانون پستی که از کمیسیون گذشته بود دیروز طبع و توزیع شده است اگر آقایان ایرادی نداشته باشند جرح دستور امروز بشود

سر دادر معظم - جهت حاضر شدن قانون تشکیلات مالیه ولایات این بود که کمیسیون در نظر داشت که هیئت دولت در آن خصوص تجدید نظری بکند و تصمیم خودش را بمجلس پیشنهاد نماید

و اما علت اینکه موافق نشد لایحه دخانیات یا مستغلات را بمجلس تقدیم کند هیئت که متأسفانه یکی دو جلسه است تمام اعضاء کمیسیون قوانین مالیه حاضر نشوند و باین واسطه میخواستم در جلسه رسمی از آقایان تنها کس که تمامشان در مواقع مقرر حاضر شده و طوری کنند که آن لوائح زودتر از کمیسیون بگذرد و بکنفر هم کمیسیون قوانین مالیه کسر دارد خوب است مقرر فرمایند آن بکنفر را انتخاب کنند

رئیس - بسیار خوب اعلام میشود و امروز انتخاب خواهد شد ولی از قراریکه بنده شنیده ام گفته شده بود که قانون تشکیلات مالیه از کمیسیون نگذرد در سایر قوانین که فرستاده اند شور میکنند اما بنده به آقایان اعضاء کمیسیون عرض میکنم که حق تقدم و تاخر قانون راجع بخود مجلس است کمیسیون باید از تمام قوانین که بانها رجوع شده است نظریات خود را نموده و راپورت بدهد آن وقت مجلس هر یک را بخواند جرح دستور فراری دهد حالا در اینکه امروز در قانون پستی شور بشود ایرادی هست یا نیست گفته شد غیر پس مذاکرات در کلیات قانون است

حاج شیخ اسدالله - قوانینی که در هر مملکت وضع میشود باید تمام مناسبات آن مملکت را با آن قانون بسنجند و آنوقت آن قانون را از برای آن مملکت وضع کنند قانون پستی در شب به بنده رسید و یک نظر اجمالی در آن کردم اگر چه نتوانستم کاملاً در این قانون وقت نظر بکنم ولی آنچه را که بطور اجمال بنظر رسید بجهت مطلب است که در نظر گرفته عرض میکنم این قانون گویا یک ترجمه است از قوانین خارجه و درست مناسباتش را با مقتضیات مملکتی نسجید اند مثلا در این قانون حمل و نقل مسافری و بنه آنها را بداره پست انحصار میدهد بعد در آخر آن می نویسد این انحصار در صورتی است که اداره پست خانه در سهولت کاملاً فراهم کرده باشد بدون اینکه این انحصار را که در این قانون مینویسد در ضمن آن یک حقوقی هم از برای این مسافری و حمل و نقل معین بکند فقط مینویسد حمل و نقل مسافری و بنه آنها منحصراً است بداره پستخانه اولاً آقایان خوب میدانند که اداره پستخانه تا بحال موفق نشده است که یک خطی را ولو از اینجا تا قزوین یا قم هم باشد خودش مستقیماً مال بپندد و حمل و نقل مسافری را خودش اداره بکند بلکه یک کمیونی را مینویسد و با او کتیرانی می بندد که امانات و آن اشیا می که از پستخانه حمل و نقل میشود بر حسب کتیرانی که با او بسته است آن کمیونی آنها را حمل و نقلی نماید و با وجود اینکه خود پستخانه تا کنون یک

همچو تأسیس در هیچ خطی از خطوط ایران نکرده و برای حمل و نقل اشیا پستخانه محتاج است که با کمیونی دیگری کتکرات ببندد و معذرت یک همچو قانونی بمجلس نباید میخواند انحصار حمل و نقل مسافری را بآن اداره بدهند بدون اینکه از برای آن در قانون میزانی معین کرده و حق معین شده باشد که این حمل و نقل از روی چه زمینیه و از روی چه مآخذی باشد و فرسخ چند از مسافری و یا از هر منی چند بگیرد این یک چیزی غریبی است که شاید بعداً اسباب زحمت مردم بشود بنده عرض میکنم قانونی که نوشته میشود باید طوری نوشته شود که اسباب آسایش و رفاهیت عامه باشد بطوری که وقتی از مجلس گذشت تمام افراد مردم وظایف خودشان را بدانند و تکلیفشان معین باشد که اگر کسی بخواند از این جا بقم حرکت و مسافرت نماید خود را با درشکه یا کالسکه یا گاری یا دلیجان بداند که باید برود در اداره پستخانه و اداره پست خانه هم لوازم مسافرت حمل و نقل او را کاملاً مهیا کرده و میزان قیمت کرایه هم در دستش هست و میدانند از روی چه میزان کرایه بدهد اگر بنا باشد این قانون بطور اجمال از مجلس بگذرد و امتیاز حمل و نقل مسافری را بمجلس به اداره پستخانه بدهد بدون اینکه در این قانون معین کند که اجرت حمل چقدر و از روی چه مآخذ است مثلا در درشکه از قرار فرسخی چقدر و با دلیجان یا گاری چقدر و کرایه محمولات از روی چه مآخذی باشد آنوقت ممکن است یک اختلافی ما بین اداره پستخانه و سایر مردم تولید شود مثلا مسافری می بیند اگر بخواند یک درشکه از اینجا تا قزوین از غیر اداره پستخانه کرایه کنند ممکن است به ۴۰۰ یا پنجاه تومان کرایه کنند و از اینجا بقزوین مسافرت کنند در صورتیکه انحصار اداره پستخانه باشد ممکن است بگوید من صد تومان یا صد و پنجاه تومان میکنم و بیکمقدار بی مآخذ و بی اندازه بگیرد آنوقت تکلیف این مسافری و علمه مردم چیست و ناچار آن بیچاره مجبور هستند که هر چه اداره پستخانه بانها تمیل کند اطاعت نمایند و این خلاف رویه است که باید مجلس شورای ملی اتخاذ کند و مجلس باید طوری قانون وضع کند که اسباب آسایش عامه را فراهم نماید اما راجع مراسلات و مکتوبات هم یک چیزهایی در این قانون نوشته شده است که تصور میکنم مردم بواسطه آنها خیلی دچار زحمت خواهند شد زیرا وقتی که ارسال پاکت و مکتوبات بداره پستخانه منحصر شد اگر یک کسی بخواند از اینجا یک کاغذ معمولی یک نقری در قم و یا یک تجارتخانه بنویسد چه راجع بکارهای شخصی باشد یا کارهای نوعی نمیتواند در این قانون برای مخالفت کننده بعضی جریمه ها معین شده این هم در واقع بنظر بنده خیلی غریب میآید و اندک مناسبت با وضع و مقتضیات مملکت ما ندارد حالا دیگر داخل در آن مواد بشویم و وقتی که داخل در مواد شدیم نظریات خود را عرض میکنم و حالا همین قدر عرض میکنم که بنده این قانون را از این نقطه نظر که از برای مسافری و بنه آنها یک میزانی معین نکرده ناقص میدانم خوب است که در اینجا یک زمینیه معین نمایند و در قانون مطرح شود اجازه نماده امروز که این قانون نوشته می شود و

که از قرار فرسخی چند و هر من چقدر کرایه باید داده شود تا مردم تکلیف خود را با اداره پست بدانند و اسباب زحمت آنها فراهم نشود

مبصر الملک مخبر کمیسیون - اولاً اینکه آقای حاج شیخ اسدالله ایراد کردند که این قانون ترجمه از قانون خارجه و بی ربط است بنده عرض میکنم این قانون ترجمه قانون خارجه نیست بلکه این همان قانونی است که دوره دوم تقنینیه مجلس شور اولش شده و از آنوقت تا بحال معمول است و نمیتوان گفت که این قانون ترجمه از قوانین خارجه است شاید بعضی مواد آن از قانون خارجه ترجمه شده باشد ولی عموماً بمقتضای اوضاع مملکتی نوشته شده است

نابیا - راجع بانحصار که فرمودند در صورتی که حمل و نقل منحصر به پستخانه باشد باید میزان کرایه کاملاً معلوم باشد بنده عرض میکنم امروز ما نمیتوانیم از برای حمل و نقل یک میزانی معین نمایم زیرا یک وقتی باید از برای کرایه میزانی معین نمود که اداره پست در تمام طرق و شوارع ترتیبی اتخاذ کرده و از ترتیب کار های خودش یک میزانی بدستش آمده باشد که چه مبلغ از برای کرایه حمل و نقل می تواند معین نماید و تا اداره پست یک اداره دائر نکند و لوازم حمل و نقل تهیه ننماید و میزانی در دستش نیاید نمی تواند این کار را بکند و تا آنوقت این قبیل مطالب در نظامنامه ها معین می شود که از هر کس چه میزان حقوق دریافت کند و بعلاوه تمام نقاط مملکت هم یک شکل نیست که بتوان امروز میزان کرایه را معین کرد که از دلیجان چقدر و از کالسکه یا سب چه مبلغ باید گرفت در هر نقطه از مملکت کرایه تفاوت دارد میزان عریق تفاوت دارد خرابی و آبادی راهها تفاوت دارد و نمی توان از روی یک میزان کرایه را معین نمود و اداره پست در هر خطی که اسب و دستکاه حرکت میکند میزان بدستش نباید و بهمان ترتیب و از روی آن میزان کرایه حمل و نقل را معین میکنند و اما در خصوص اینکه فرمودند اگر کسی غیر از پستخانه بخواند درشکه یا پنجاه تومان کرایه کند در صورتی که اداره پست دو برابر کرایه خواهد گرفت اداره پست مانع خواهد شد عرض میکنم اینطور نیست و این انحصار که اداره پست می خواهد فقط راجع به اشخاص است که بتوسط پست یعنی بطور چاپاری میخوانند حرکت کنند و از برای عموم نیست بلکه همه مردم مجاز مختار هستند که بهر وسیله بخوانند حرکت نمایند و اداره پست فقط از اشخاص مانع خواهد شد که بخوانند بترتیب پستی در تمام طرق و شوارع مال بپندند و بترتیب چاپاری مسافری را حرکت بدهند این ترتیب را اداره پست انحصار بخود میدهد و اگر کسی بخواند برخلاف آن رفتار کند مانع خواهد شد و البته اداره پست از برای پیشرفت کار خودش و آسایش مردم هیچوقت قانونی وضع نمیکند که مردم مجبور شوند بایست مسافرت نمایند و سکه بداره پست وارد شود بلکه برعکس همه قسم اسباب تسهیل امور را فراهم خواهد کرد و اینکه تا امروز اداره پست نتوانسته است این کار را بکند بواسطه این بود که دخل پستی بود و چه مملکتی اجازه نماده امروز که این قانون نوشته می شود و

مواد هم مذاکره شد ولی اگر در بعضی مواد اساسی ایرادی داشته باشند میتوانند اظهار کنند زیر امکان است یک قانون معین احتیاج باشد و در بعضی مواد اساسی آن ایراد داشته و غلط بدانند در انصورت بتمام آن لایحه یا قانون ایراد خواهند داشت پس این ایرادات راجع بکلیات است آقای ناصر الاسلام و نظام السلطان موافقت (کنند)

حاج شیخ اسدالله - بنده هم عاجزاً در کلیات دیگر عرض نمیکند و نظریات خود را در مواد عرض خواهم کرد

رئیس - رأی میکنیم که داخل مواد بشویم یا نه آقایانی که تصویب میکنند داخل در مواد بشویم قیام نمایند (عده کتیری قیام نمودند)

وزیر پست و تلگراف - آقای محاسب الملک را بسمت معاونت پست و تلگراف و قوائمه عامه بمجلس مقدس شورای ملی معرفی میکنیم

رئیس - امیدوارم برای دفاع از قانون هم حاضر باشند (فصل اول از راپورت کمیسیون پست و تلگراف راجع بقانون پستی بعضون ذیل قرائت شد) فصل اول - اداره پست مکلف است که اولاً مسافری و بنه آنها را با پستهای مقرر و پستهای فوق العاده حمل نماید

نابیا - اشیا مفصلاً ذیل را در تمام مملکت قبول و حمل و توزیع نمایند

پاکت معمولی - پاکت و سایر اشیا سفارشی و پاکتی که حاوی وجوه بیده شده هستند امانات پستی سریع السیر - امانات پستی بطی السیر - کارتهای پستی - جرائد و مطبوعات - مستوره های مال التجاره - اوراق کار - مراسلات راجع بدارای دولتی که معائنات حمل و نقل میشود

نابیا بروانی (مانند پست) بدهد که در دفاتر پستی داخله مملکت تأدیبه شود

رئیس - در فقره اول ماده اول مخالفی هست محمد هاشم میرزا - بنده عقیده ام این است که چون پاکت جمع فلفلی است پاکت ها نوشته شود

رئیس - راجع بانجا نبود مذاکره در فقره اول است

حاج شیخ اسدالله - در این فقره مینویسد اداره پست مکلف است که اولاً مسافری و بنه آنها را با پستهای مقرر و فوق العاده حمل نماید بنده عرض میکنم قانون که وضع میشود برای اینست که اجراء شود و برای اسم نیست که مجلس شورای ملی قانون وضع کرده است الا آن خود اداره پستخانه تصدیق دارد که در هیچ خطی مسافری و بهابری را با بنه آنها نمیتواند کاملاً حمل و نقل نماید و یک همچو اداره هنوز تأسیس نشده و لوازم آنها مهیا نیست باین حال در اینجا مینویسد اداره پست مکلف است یعنی باید حمل بکند چه وقت باید حمل بکند بعد از اینکه این قانون از مجلس شورای ملی میگردد البته باید قابل اجرا باشد تا بتوان اداره پست را مکلف نمود و حال اینکه قابل اجراء نیست و شاید چند سال دیگر هم نتواند این قانون را بموقع اجراء بکند بنده عقیده ام اینست که تکلیفی است میکنند در حالتی

که خودشان تصدیق دارند که نمیتوانند.

معاون وزارت پست و تلگراف - چون گمان میکنم که بعد از این در مواد این قانون به مشکلاتی برخوردیم لذا یک توضیحی عرض میکنم که بعد ما در مشکلات، محفوظ بمانیم این قانون قسمت - هائی دارد در وقت قسمت اداره پست را مکلف میکنند و در قسمت دیگرش مقرر میکنند اگر باین قانون رجوع فرمایند بنویسند اداره پست در موقتی که بخواهد ترتیب حمل و نقل را در وقت خطی مرتب کند قبلاً نظامنامه راجع بکرایه حمل و نقل و ترتیب آن نگاشته منتشر میکند و بعد از وضع این قانون اداره پست مکلف خواهد بود ولی در راهها بیکه اداره پست نتوانسته است لوازم حمل و نقل را مرتباً تهیه نماید البته بطوریکه امروزه معمول است رفتار میشود و این قانون از برای این وضع میشود که اداره پست نتواند مرتباً اسباب حمل و نقل را فراهم نماید و دستها را با راههای صحیح بفرستد.

رئیس - در ندرت اول فقره ثانای ابراری نیست.

محمد هاشم میرزا - عرض کردم یک اصلاح برتری لازم است چون پاکت جمع غاضبی است باید پاکت ها نوشته شود.

رئیس - اصلاح عبارتی در کمیسیون میشود فعلاً باید در اسباب مطابقت ملاحظه کرد در جزء سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم فقره دوم مخالفی است (مخالفی نشد فقره سوم مجدداً قرائت شد)

رئیس - در این فقره مخالفی هست.

ناصر الاسلام - چون بنده وقت کم است خوب است توضیح بدهند که مقصود از پروات چه چیز است وجه خواهد بود.

مخبر - این تقریباً بانگی است که در اداره پست دائر میشود مثلاً یک صرافخانه است که هر کس هر چه احتیاج داشته باشد میرود از اداره پست برات میگیرد و البته ترتیبی خواهد داد که نسبت بصرافها و بانکها اسباب سهولت کار مردم بیشتر فراهم شود و صرفه مردم هم در آن باشد و این پروات در دستگاه تادیب خواهد شد.

رئیس - فصل دوم خوانند میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

فصل دوم - اداره پست امتیاز ذیل را بطریق انحصار دار است

اولاً - حمل و نقل منظم و مقرر مسافری و بنه مسافری و حمل و نقل آنها توسط دستگاههای پستی فوق الامده در شوارع مملکت بوسیله دستگاهها یا کاروانهای که بقوه حیوان حرکت میکنند و منزل منزل ممالایشان هوش میشود.

رئیس - در اینجا ابراری هست یا نیست.

محمد هاشم میرزا - فقط منحصر بدستگاه است یا اسبهای جایار هم هست که خیلی از جاها معمول است در اینجا منحصر بکالسکه و درشکه کرده است میخوام به بین منحصر به این دستگاهها است که باید منزل منزل مال عوض کنند یا بوسیله دیگر هم حمل و نقل خواهد کرد.

مخبر - البته آقا میدانند که امروز فقط در

طریقیکه حمل مسافری میشود بقوه دستگاهها و کاری است و اسبهای جایاری امروز معمول نیست که مسافری را حرکت بدهد و در کتب جائی هست که مسافری را با اسب حرکت دهند و همه بتوسط دستگاه است باین جهت دستگاههای پستی نوشته شده است.

حاج شیخ اسدالله - این امتیاز و انحصاری را که در این ماده اداره پست میدهد در اینجا ظاهر عبارت است که حمل و نقل مسافری را بطریق پستی باین قسم که منزل منزل مال عوض کنند انحصار میدهد در ماده دیگر میگوید مواردیکه از این قانون واز این امتیاز خارج است اشخاصی هستند که با درشکه و کالسکه و لوازم شخصی خودشان یا بواسطه مالهای مکاری حرکت میکنند دیگر بدون استثناء هر قبیل مسافرت را با اداره پست منحصر میکنند و این ماده بحسب ظاهر با آن ماده مخالفت دارد زیرا که اگر هر آینه امتیاز اداره پست باین قسم باشد که منزل منزل مال عوض میکنند و باین ترتیب کسی حق مسافرت نداشته باشد دیگر بتوسط اداره پستخانه باید آن ماده بعد اصلاح کند بجهت اینکه اگر بکنفر بخواهد درشکه کرایه کند و منزل منزل برود مطابق این ماده نمیتواند پس آن ماده باید اصلاح شود یا این ماده اگر چه بنده بکلی بانحصار و امتیاز دادن اداره پستخانه مخالفم.

معاون وزارت پست و تلگراف - گمان می کنم اگر درست ملاحظه فرمایند این دو ماده با هم مخالفت ندارند و هر ماده لازم است که در اینجا باشد توضیحاً عرض میکنم که مقصود از این ماده که در اینجا نوشته شده (حمل و نقل منظم و مقرر و هوش کردن مال منزل منزل) برای توضیح است که هیچ کس حق ندارد بکلی خود دستگاه جایاری در شوارع و شوارع راه بیندازد البته تمام تصدیق خواهند نمود که اگر این حق بدیگری داده شود خسارات زیاد وارد میشود پس مقصود از این ماده اینست که کسی نتواند بصورت جایاری دستگاهی راه بیندازد و کرایه بدهد و الا فرض میکنم یک شخص دارای یک دستگاهی است که میخواهد فوراً از اینجا بقم حرکت کند می تواند چهار اسب ببندد و نوکر خودش را جلو برسد بکلی آباد و در آنجا مالهایش را هوش کند اگر چه این شخص بصورت پستی رفته است ولی این شخص کسی نیست که منزل منزل مال بکنند و بصورت پستی اسباب مردم و پست را حرکت بدهد البته اینطور مسافرت با وسائل شخصی آزاد است مقصود از این ماده اینست و مقصود آن ماده آن بود که بنده بنده در این قانون لازم است.

ناصر الاسلام - این ماده میگوید حمل و نقل مسافری بتوسط دستگاههای پستی فوق الامده بدین شرح میدهد دستگاههایی را که برای حرکت مسافری و اسباب آنها فراهم میکنند همین طور که یکی از آقایان اظهار کردند این عبارت بکلی غلط است برای این که در قسمتهای مملکت ما هیچ طریق حرکت کاری یا کالسکه ممکن نیست باید آنرا در نظر بگیریم و انحصار بدین واز این ماده هیچ مفهوم مر شود کسانی که با اسب جایاری حرکت میکنند متنوع الحرف هستند و اگر یک پستی با مال حرکت

بکند گویا حرکت پستی محبوب نمیشود پس این انحصار بکلی غلط است.

مخبر - این انحصار در موقتی خواهد بود که اداره پست تمام وسائل را فراهم کرده باشد آنوقت انحصار است وقتی که فراهم نکرده باشد بکلی از انحصار خارج است و هر کس می تواند بصورت پستی یا غیر پستی حرکت کند اینجا نوشته اند کسی نمیتواند حرکت کند.

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور می کنم آقای معاون عرض بنده را ملتفت نشدند و جواب مطابق سؤال نمادند بنده عرض نکردم در خصوص مسافری که خودشان مال دارند واز خودشان شخصاً دستگاه دارند و بخواهند مسافرت کنند این ماده با ماده بعد با هم مخالفت دارد بنده اینطور عرض نکردم بنده عرض میکنم این ماده با ماده بعد با هم مخالفت دارد باین قسم که در اینجا امتیاز میدهد به اداره پست به اینطور که در اینجا میگوید که هر گاه مسافری بخواهد مسافرت بکند بطور پستی منزل منزل مال عوض کند یعنی شبانه روز حرکت کند نمیتواند و این قسم حرکت منحصر با اداره پستخانه است ظاهر این ماد اینست که اگر بخواهد یک درشکه از غیر اداره پست کرایه بکند بوسیله این ماده میتواند زیرا پستی نیست که منزل منزل مال عوض کند و روز بروز حرکت میکند ولی ماده بعد چند مورد را خارج میکند و انحصار باقی دیگر را با اداره پست واگذار میکند اگر میخواهد ماده را بخوانم در اینجا بنویسند (فصل سوم فقرات ذیل از امتیاز انحصاری پست خارج است اولاً حمل و نقل مسافری و بنه آنها در صورتی که با وسایل شخصی یا کاروان یا با راه آهن یا با وسایلی که امتیاز آنها قبل از وضع این قانون داده شده مسافرت میکنند و محل مسافری و بنه آنها در طریقیکه حالیه عرایه رو نیستند و همچنین حمل مسافری و بنه آنها بوسیله دستگاههای کرایه که بقوه حیوانی در شهرها و نقاط پر جمعیت و اطراف آنها حرکت و حمل مسافری میباشد) اینطور که در اینجا نوشته شده ظاهرش اینست که هیچ قسم نمیتواند یک کالسکه یا درشکه از غیر اداره پست کرایه کند ظاهر آن فصل اینست که میتواند این دو فقره را عرض کردم با هم ضدیت و مخالفت دارند در اینجا باید توضیح بدهم که مرادشان کدام یک از این دو فقره است آیا بقیه دستگاه شخصی خودش و غیر از دستگاهی که از پست خانه اجاره کرده نمیتواند حرکت کند یا در صورتی که منزل منزل بخواهد برود میتواند از کسی دیگر کالسکه یا درشکه کرایه کند.

معاون - در این فصل که نوشته شده (حمل و نقل منظم و مرتب توضیح اینست که منزل منزل مال عوض کند بعد آن فصل که میفرمایند مخالف است بنویسند (حمل و نقل مسافری و بنه آنها در صورتی که با وسایل شخصی آن چیزی است که بتواند منزل منزل مال تهیه کند و حرکت کند تهیه مال در هر منزل انحصار است و در فصل سوم بعضی چیزها را از انحصار مجزی میکنند بنویسند که هر کس با مال شخصی و درشکه یا کرایه بطوریکه

منزل منزل مال نگذاشته باشد بتواند حرکت نماید.

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد فقره دوم قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ثانیاً - حمل و نقل منظم و مقرر مسافری و بنه مسافری بوسیله مکانیکی در طرق یری و بحری مملکت که این وسایل وجود نداشته باشد و اداره پست آنها را تأسیس نماید.

تیسره - انحصار حمل و نقل مسافری و اشباه آنها موقوف بر این خواهد بود که اداره پست تمام لوازم حمل و نقل را بقدر احتیاج و راحت مسافری کاملاً تهیه نموده باشد.

رئیس - در فقره نایه با تبصره ابراری هست یا نیست.

حاج شیخ اسدالله - مکانیکی را بنده نمی فهمم خوبت همین کنند و همان معنی را که میفرمایند بنویسند.

مخبر - مکانیکی یعنی از قبل اتومبیل جراثقال از این قبیل چیزها است.

حاج شیخ اسدالله - بهر جهت فارسی بنویسند بنده نمی فهمم.

مخبر - خیلی خوب در کمیسیون یک معنی فارسی از برای این لفظ فکر میکنم بنویسیم.

رئیس - در شور تانی اصلاح میشود (فقره ناکه بمضمون ذیل قرائت شد)

ثالثاً - حمل و نقل مراسلات اعم از اینکه سر بار باشد یا سربسته.

رئیس - در اینجا مخالفی هست یا نیست.

حاج شیخ اسدالله - حمل و نقل مراسلات کلیه مراسلات اجباری است و مجبور هستند بتوسط دستگاهها بفرستند یا اینکه بنده که آدم از این جا بقم میرود حق دارم بتوسط او یک کاغذی به بکنم دوست خود بنویسم و بفرستم و آیا این حق را دارم یا نه.

مخبر - عرض میکنم اگر این حق بر مردم داده شود بکلی اداره پست باید تعطیل کند زیرا عموم مسافری که حرکت میکنند هر کدام پنجاه یا صد عدد کاغذ در جیب خودشان میگذارند و حرکت میکنند آنوقت اداره پست باید دوش را به بنده و مسلم است این مطالب متنوع خواهد بود.

حاج شیخ اسدالله - بنده منتظر همین فرمایش آقای مخبر بودم بنا بر این میخواهند بکلی تمام اختیارات مردم را سلب نمایند میفرمایند اگر چنانچه این کار را نکنند آنوقت اداره پستخانه کار نمیکند در هیچ کجای از مملکت معمول نیست که بروند اشخاص را در بین راه تقبیل میکنند به بنده آیا کاغذ همراهش هست یا نیست آنوقت آدم بنده که از اینجا مسافرت بقم کرده باید او را تقبیل کنند و در تحت محاکمه و استحقاق بیاورند ملاحظه فرمایند این مسئله چند اسباب زحمت برای مردم خواهد شد عرض کردم قانونی که وضع میشود باید متناسب با او را با وضع مملکت سنجید این قسم فشار آوردن و این نوع سختی کردن بر مردم صلاح نیست مردم باید در ارسال و مراسلات شخص خود آزاد باشند بنده باید آزاد باشم که کاغذ خود را بدمم او هم ببرد مجبور نیاشم که مخصوصاً به پستخانه بدمم که اگر غیر از آن باشد مجازات بشود این را بنده هیچ صحیح

نمیدانم و تصور میکنم سلب اختیار و آزادی مردم شده است.

معاون - اینجا باز گمان میکنم یک مطلبی اشتباه شده است زیرا مطلب این طور نیست که آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایند اگر آنطور باشد حق با ایشان است ولی در فصل اول که حمل مراسلات با اداره پست انحصار داده میشود مقصود مراسلات پستی است یعنی بشرطی که اداره پست برای حمل و نقل کاغذهای پستی اتخاذ نموده مراسلات را حمل و نقل خواهد نمود و البته آقای حاج شیخ اسدالله هم تصدیق میفرمایند که این مسئله الان هم معمول است و اداره پست نمیخواهد حمل و نقل کلیه پاکت را در هر نقطه انحصار بخودش بدهد و همانطور که فرمودند اگر مثلاً بخواهند پاکتی به آدم خودشان بدهند ۲ روز یا سه روز بقم میرود کسی معانت نمیکند اینجا مقصود حمل و نقل پاکت است بطور پستی البته حمل و نقل پاکت باید انحصار با اداره پست باشد چنانچه الان هم هست گمان می کنم باین توضیح رفع اشتباه آقای حاج شیخ اسدالله میشود.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله رفع اشتباه شد.

حاج شیخ اسدالله - خبر بدبختانه مخالفت منحصر بشخص بنده شد ولی چاره ندارم باید نظریات خودم را در اینجا عرض کنم که بعد از این که این قانون وضع شد و از مجلس شورای ملی گذشت معلوم شود که یک نفر این عقیده را داشت میفرمایند بطور پستی بطور پستی یعنی یک نشانه دارد یک علامتی بر آن نصب میشود خصوصاً کتندارد بنده یک جزئی مطلبی که نشانه این مطلب باشد تصور نمیکند مثلاً بنده آدمم را از اینجا با کمال عجله روانه قم میکنم برای یک مطلب فوری فوری از اینجا حرکت میکنند در طرف یک شبانه روز بقم میرسد زودتر از پست هم میرود آیا این پستی هست یا نیست اگر مطلب فوری فوری خودم را به اداره پست بدمم شاید به آن زودی برسد پس در اینصورت اگر تمام مجلس اتفاق کنند که این ماده صحیح است بنده عرض می کنم که قانون با پستی مناسب با مقتضیات مملکت ما باشد و این ماده متناسب با مقتضیات مملکت ما نیست و یک اسباب زحمتی برای مردم تولید خواهد شد و تصور میکنم در این باب شکایت زیادی از اهالی بشود که خود اداره پستخانه از این کار پشیمان شود.

حاج عزالممالک - گمان میکنم که آقای حاج شیخ اسدالله فصل سوم را ملاحظه فرموده اند و الا چنانچه مطالعه کرده بودند باین قسمت این ماده اینطور ضدیت نمی کردند در فقره سوم تصریح میکنند که مراسلاتی که اشخاص مختلفه بتوسط کماشکان خود برای یکدیگر میفرستند آزاد است فقره چهارم میگوید مراسلاتی که اشخاص مختلفه حامل آنها هستند و راجع بامور شخص خود آنهاست از این انحصار خارج است این دو قسمت را اگر ملاحظه فرمایند می بینند که صریحاً اجازه میدهد که مردم توسط کماشکان خود برای دولت خودشان کاغذ نوشته ارسال نمایند و در این موارد هیچکس تقبیل نخواهد کرد و گمان میکنم از این واضح تر نمیتوان

قانون نوشت گویا آقای حاج شیخ اسدالله هنوز فصل سوم را مطالعه نکرده ایراد نمینمایند.

حاج شیخ اسدالله - بدبختانه این فقراتی را که آقای حاج عزالممالک خواندند بنده مقرر خواندم مطالب شخصی را بکنار میگذارم راجع بکتابت شخصی همینطور است که میفرمایند در مطالب نوعی بجهت دلیل سلب اختیار از عام مردم میکنند که نتوانند بواسطه غیر پست یک مراسله بجایی بفرستند بنده در اینجا یک نظری دارم و عرض می کنم صلاح نیست یک همچو قانونی وضع شود و قانون باین سختی از مجلس بگذرد.

معلل الدوله - بنده تصور میکنم حالا که آقای حاج شیخ اسدالله تنها و منحصر بفرموده این ماده مخالف هستند مجلس میتواند تصدیق کند که این ماده صحیح است و بگذرد چه بسا اتفاق می افتد که برای اشخاص واحدی یک اشتباهی رو میدهد که هر قدر هم توضیح بدهند رفع آن اشتباه نمیشود و قبول نخواهد کرد و الا این ماده اگر درست دقت شود هیچ اشکالی ندارد بجهت اینکه ما داریم قانون پستی را میگذرانیم و برای سهولت و صرفه و اصلاح امور مردم این قانون وضع میشود و برای این که امور مردم در جریان بیفتد و اشخاصی که نوکر های تصور ندارند بتوانند کاغذ های آنها را از شهری شهری ببرند یک اداره منظم مرتبی برای حمل و نقل مراسلات و معمولات مردم تشکیل شده و متداول هم شده است اینکه قابل انکار نیست پس حمل و نقل کاغذهای عامه مردم انحصار با این اداره خواهد بود و اشتباه میکنند که میگویند کاغذهای پستی نوشته اند برای اینکه نوشته اند برای اینکه ممکن است که اگر لفظ انحصار نداشته باشد یک شخص در یک بلای قاصدی راه بیندازد که کاغذهای امروزین را بگیرد و یک ترتیب پستی برای خودش تهیه کند و همین مامله را که پست میکنند او بکنند بهین طریق از مردم حقوق بگیرد البته او را منع میکنند یکی از جهت صرفه دولت و یکی اینکه این کار در تحت نظر دولت باشد و دولت در نظرات آن اداره نظر داشته باشد چون ممکن است بعضی اشخاص پیدا شوند و مراسلات و امانات مردم را قبول کنند بعد اسباب زحمت و خسارت مردم شود پس گمان میکنم آقای حاج شیخ اسدالله اگر درست دقت بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود که این کار را که به اداره پست انحصار میدهند برای اینست که مشابه بعمل پست دیگران حق نداشته باشند اقدامی بکنند و اسباب زحمت فراهم کنند.

رئیس - گویا مذاکرات کافی است.

حاج شیخ اسدالله - یک عرض دیگری هم دارم.

رئیس - شما پنج شش دهمه نطق فرمودید - جز چهارم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت می شود) را با حمل و نقل کلانهای که عنوان مطالب پستی روی آنها نوشته باشد (کارتهای پستی).

رئیس - در اینجا گویا مخالفی نیست -

(مخالفی نشد) (و فقره پنجم بمضمون ذیل قرائت شد)

خامساً حمل و نقل جرایم و امانات و اوراق اختیاریه و تهره نامه بصورت قیمت اشباع و اوراق از هر قبیل در صورتی که اسم گیرنده در روی آنها نوشته شده باشد.

رئیس - در این قسمت هم ایرادی نیست (جزه ششم بهضون ذیل قرائت شد) سادساً - حمل و نقل منظم و مرتب مرسله های سر بسته از هر قبیل که وزنتان از ۲ تن تریز تجاوز ننماید .

(این قبیل بسته ها امانات رستی نامیده میشود) (در این فقره هم مخالفی نبود - جزه اول فصل سوم بهضون ذیل قرائت شد)

فصل سوم - فقرات ذیل از امتیاز انحصاری اداره است .

اولاً حمل و نقل مسافرین و امانات آنها در صورتی که با وسائل شخصی یا با کاروان و یا باره آهن و یا با وسائلی که امتیاز آنها قبل از وضع این قانون داده شده مسافرت می نمایند و حمل مسافرین و بینه آنها در طرفی که حالیه مرابرو هستند همچنین حمل مسافرین و بینه آنها بوسیله دستگاههای گریه که بوقه حیوانی یا مکانیکی در شهرها و نقاط پر جمعیت و اطراف آنها حرکت و حمل مسافر می نمایند و مالیات را نیز می پردازند .

نیستند بقدر از زمان حاضر گنجه و مسافرین را حمل و نقل کند می کند ولی اگر نتوانست و صرفه دولت نباشد نمیتواند این مسئله را بعهده بگیرد .

حاج شیخ اسدالله - اینجا گریه کردن غیر رستی را در شهرهای پر از جمعیت و اطراف آن از این انحصار خارج مینماید مثلاً میگوید هرگاه کسی بخواهد دستگاهی از قبیل درشکه و کالسکه و داجان برای مسافرت از غیر اداره است در شهرهای پر جمعیت مثل طهران و اطراف آن گریه کند می تواند مثل اینکه از اینجا درشکه بعضرت عبدالعظیم یا شیران گریه میدهد گریه کند و غیر از این موقع را عموماً داخل در این امتیاز انحصار مینماید و این ماده اینطور مبرسانه و آن ماده پیش منقذش غیر از این است اگر این است که اینجا نوشته شده باید آن ماده را درست توضیح کنند و اگر آنست که در آنجا نوشته شده و مطمح نظر همان است این جا باید بگذردی توسعه بدهند چون محل نظریه همین ماده بود که الان مطرح مذاکره است گریه کردن دستگاه غیر رستی را منحصر بشهرهای پر جمعیت و اطراف آن مینماید و غیر از شهر های پر جمعیت دیگر اجازه نمیدهد و داخل در امتیاز می شمارد مثل اینست که اگر یک کسی بخواهد از اینجا یک درشکه برای نم از غیر اداره دستگاه گریه کند و منزل بمنزل برود و مطابق این ماده نمیتواند **مخبر** - بنده گمان میکنم همین لفظ کاروانی که اینجا نوشته شده است از برای وسائل غیر رستی که منزل بمنزل حرکت میکنند کافی است و در صورتی که مقاصد نشوند ممکن است این جمله اضافه شود و نوشته شود یا وسائل شخصی یا دستگاههای غیر رستی که بطور منزل بمنزل حرکت میکنند در این صورت رفع اشکال خواهد شد

حاج مهندس آیدوله - در انحصار اداره است تمام مردم مثل حالت حالیه خواهد بود

خانهدر این فقره اول از فصل سوم صحبت شد که اشخاصی که میخواهند بتوسط کالسکه یا درشکه گریه مسافرت کنند آیا باید مجبور باشند که از دستگاه گریه کنند یا از غیر دستگاه هم ممکن است در صورتی منزل بمنزل مال هوش نکنند گریه کنند بعد توضیح دادند که مراد از انحصار مسافرت بعنوان است است باین معنی که اگر چنانچه شخصی بخواهد با درشکه شخصی خودش یا با درشکه گریه مسافرت بکند ممکن است باز در مقام توضیح گفتند کاروان شامل درشکه گریه هم هست این سفر که در خدمت آقایان و کلا از شیراز میآیدیم دراصفهان اداره است خانه میگفت امتیاز گریه درشکه باینستگاه است و اگر بخواهد از غیر دستگاه در شکه گریه کنید باید مرد درشکه یک مبلغی با اداره دستگاه بدهد در این صورت اگر امتیاز و انحصار باینستگاه است دولت و مجلس هیچ صلاح میدانند که امتیاز یک قسم از تجارت یعنی درشکه و کالسکه گریه دادن با دولت باشد یکمطلبی است و اگر چنانچه مراد از مسافرت بطریق رستی است یعنی بآن طریق که در ماده اول ذکر شده است که بتوسط دستگاههای رستی باشد باید در اینجا یک توضیحی بدهند باینکه این قسم از مسافرت که بتوسط درشکه گریه است از این انحصار خارج کنند

مخبر - چنانچه سابقاً عرض کردم ممکن است در اینجا گنجانیده که مقصود دستگاههای شخصی و گریه است پس اگر میخواهند بر گریه بکنند پس در اینجا اصلاح میشود

رئیس - آقای حاج اسدالله پیشنهاد داده اند فرستاده میشود بکمیسیون

(فقره ثانی بهضون ذیل قرائت شد)

ثانیاً - بانکها یا مرولاتی که توسط بعضی از ادارات عمومی حمل میشود تعیین شرایط و حدودش با دولت است

رئیس - در فقره ثانی مخالفی نیست (مخالفی نبود (فقره ثالثه بهضون ذیل قرائت شد)

ثالثاً - مرولاتی که اشخاص مختلفه توسط گماشتگان خود برای یکدیگر میفرستند و مرولاتی که مردم به دستگاه میبرند یا از دستگاه میگیرند

رئیس - در فقره ثالثه ایرادی هست

ارباب کیخسرو - میخواستم توضیح بدهم اینکه نوشته مرولاتی که اشخاص مختلفه توسط گماشتگان خود برای یکدیگر میفرستند آیا غیر از گماشتگان ممکن نیست یک کسی اگر گماشته نداشته باشد توسط غیر فرستد و دیگر آنکه آیا از شهری شهری میتوانند فرستند یا مقصود داخله شهر است عبارت بعد چنین میسراند که مقصود داخله یک شهری است چون اینجا مینویسد مرولاتی را که به دستگاه میبرند و باز دستگاه میگیرند خوب است آقای **مخبر** توضیح بدهند که مقصود چیست

محمد هاشم میرزا - در بعضی از نقاط هست که اداره است است ولی اگر بخواهند بتوسط اداره است بفرستند خیلی مصلحت میشود ۷ و ۸ روز میسرند در صورتیکه اشخاص معمولی نصف آنست و مردم از آن مقصود میکنند دارند باز ممانند زیرا خیلی از نقاط است که خود آقای **مخبر** مسبق هستند که تا از هر طرف کاغذها در دستگاه جمع شود چندین روز طول میکشد و حال این که اگر بتوسط اشخاص معمولی بفرستند در نصف آنست خواهد رسید بهتر این است که بی اندازه باینستگاه را باینستگاه منحصر نکنیم و باینستگاه میکنند در تقاطعی که بتوسط اشخاص معمولی زودتر میرسد امتیازش با است نباشد که مردم بتوانند مرولات خود را زودتر برسانند

معدل الدوله - عرض میکنم که در این ماده اگر یک دقتی بشود مینماید که یک فائده از این ماده در نظر داشته اند و اینست که در اینستگاه کرده اند یا گماشته ای که بتوسط گماشتگان فرستاده میشود هم است از هر شهری شهری یا داخله هر شهر و مقصود از گماشته هم منحصر بنوعی شخصی نیست کسی است که از طرف دیگر فایده است و کاغذهای خصوصی او را میبرد و آنجا را که اشتباه کرده است چون اداره است منظورش تعمیم است زیرا غالباً دستگاهها در مرکزشان در یک شهر یا یک فضا واقع است از دهات اطراف کاغذهایی میآورند که با اداره دستگاه بدهند از آن مرکز فرستاده شود و ممکن است از یک قریه بزرگی رزی صد یا دویست یا یک جمع کنند و بدهند که مرکز است برساند البته از این شخص که حامل این یا گماشته است جلوگیری نمی شود زیرا این شخص یک عملی کرده است که با اداره است کمک بوده پس در این صورت اگر درست دقت کنیم باینست که این چیزی است که از برای عامه مردم اسباب راحت است و گمان نمیکند تا زمانی در آن باشد

رئیس - گویا مذاکرات کافی است - فقره چهارم قرائت میشود - (بهضون ذیل قرائت شد)

رابعاً مرولاتی که اشخاص مختلفه حامل آن هستند راجع بامور شخصی آنها است

هیچ هیچ مقصودی در اینجا نیست

نظام السلطان - توضیحی که آقای معاون فرمودند خود این یک عیب بزرگی است میفرمائید بعد از آنکه از یک مقام رسمی راپورتی رسید آن شخص را تفتیش میکنند بعد از آنکه معلوم شد متعلق بامور شخصی است آنوقت مذاکراتی نخواهد شد در صورتیکه همانطور که آقای ارباب کیخسرو فرمودند اگر اداره است بخواهد یا یک مردم را باز کند و تفتیش نماید این حق را دارا نخواهد بود و اگر بخواهند تفتیش نکنند از کجا خواهند فهمید که راجع بامور شخصی است یا نه بخلاف آنکه میشود فهمید بنده گمانم اینست اگر این کله امور شخصی را بکلی از اینجا بردارند بهتر است و این ماده سلیس تر میشود

مخبر - این ماده که در اینجا ذکر شده چون بعضی نوشتجات هست که حامل آنها بعضی اشخاص مختلفه هستند و این نوشتجات سرباز هستند ولی عنوان دارد و چنانچه ملاحظه میفرمائید کاغذهای سرباز یا سربسته از انحصار اداره است خارج کرده اند ممکن است که یک شخص یک یا گماشته راجع بشخص خودش باشد و سرش هم باز باشد و در جیبش باشد در اداره مأمورین است ببینند و بگیرند اینجا این مسئله را مستثنی کرده که اگر یک کسی یک کاغذی داشته باشد و سر او باز باشد راجع بامور شخصی او باشد متعرض او نخواهد شد

رئیس - مذاکرات کافی است (فقره پنجم بهضون ذیل قرائت گردید)

خامساً - بازنامه و صورت حسابهای سربازی که تجار به راهی مال التجاره خود میفرستند و شامل مطالب دیگری جز اطلاعات راجعه بتعویل دادن مال التجاره نیست

رئیس - در اینجا ایرادی هست یا نیست

سردار سهیل - بنده گمان میکنم که باین ترتیب این انحصار خیلی اسباب زحمت مردم بشود مثلاً اینجا ذکر میکنند که جز مضرب راجع بمال التجاره نباشد ممکن است یک کسی مال التجاره بتوسط مال شخصی یا مکاری بنقطه میفرستد چهار کاغذ با آنها میفرستد که دارای مطالب شخصی است چه طور اداره است میتواند این مسئله را تفتیش بکند و معلوم نماید

مختصر السلطان - در قانون راجع به است اگر دقت نشود و انحصار آن محفوظ باشد از برای دولت تولید اشکال خواهد نمود و خیلی خسارت به دولت وارد خواهد شد و دولت که یک اداره تاسیس میکند اگر قانون آن دقت نشود موفق با صلاحات و جریان امور نمیشود باین معنی که اگر ما بخواهیم هر کسی را آزاد کنیم که بتواند صورت حساب مال التجاره مکاتب شخصی را بچاپ یا شمت عدد همراه خودش بردارد ببرد و بگوید راجع بمال التجاره است و فقط باظهار یک چنین بیانی آزاد باشد و اگر از این قبیل امور جلوگیری نشود ابتدا آنست که در امور است پیدا خواهد شد و مانع بعضی چیزهایی را میتوانیم از این قانون اشتباه کنیم مثل اینکه فلان تاجر صورت حساب یا بازنامه خودش را اگر بتوسط مکاری بخواهد فرستد آزاد باشد و اینکه آقای سردار سعید فرمودند چند پاکت اگر داشته باشد

منوع است بله متنوع است باید او را بگیرند و یک جریه هم از حامل بکنند که چرا مرتکب خلاف قانون شده است فقط احوق دارد که صورت محاسبه مال التجاره را عمل کرده و متعلق بفلان تاجر است همراه خودش ببرد و سرش هم باز باشد آنهم یک توصیه راجع به تسهیل امور شخصی خودش است که اگر در راهی اتفاقی از برای او بیفتد فلان تاجر یا فلان عامل با او همراهی کند و مال التجاره او را عبور بدهد این قبیل توصیهها را می توان عمل کند آنهم در پاکت های سرباز و اگر ما بخواهیم حق بدهیم که هر کس بعضی نوشتجات یا پاکت سر بسته با خودش ببرد آن وقت هر مسافری که حرکت می کند دو بار پاکت توی خورجین همراه خودش حمل میکند مثل ایام قدیم که یک قاصدی از فلان شهر میآید و بیست روز در کرجه ها میبود کمین قاصد فلان شهر هر چه کاغذ دارید بدهید که من بدهم و کاغذهای مردم را می گرفت و بعد از ۲ ماه میرفت بفلان شهر و قسمت می کرد اگر ما بخواهیم همان ترتیبات سی سال پیش از اینرا اجرا کنیم یک چیز خیلی بدی است و الا دستگاه مجبور است که از این ترتیبات جلوگیری کند و چون انحصار با دولت است از این قبیل امورات باید مانع باشد و هیچ هرج و مرج و عدم انتظامی روی نمینماید

رئیس - گویا مذاکرات در اینجا کافی است فقره ششم خوانده می شود

(بهضون ذیل قرائت شد)

سادساً - اوراق راجعه بسایر ادارات حمل و نقل عمومی که با وسائل حمل و نقل خودشان فرستاده می شود

رئیس - در فقره ششم مخالفی نیست (مخالفی نبود) (فقره هفتم بهضون ذیل قرائت شد)

سابعاً - مرولات متبادله فیما بین دول خارجه و نمایندگان آنها (از قبیل سفرا) و وزراء و قونسولها کدر مملکت ایران بهست رسمیت متمکنند و در خورجین های سفارتی بموجب قرار داد دولت حمل و نقل می شود

رئیس - در فقره هفتم مخالفی نیست (اظهاری نشد) (فقره هشتم بدین مصون قرائت گردید)

ثامناً - مرولاتی که از نقطه بنقطه ارسال می شود که در آنجا دستگاه نباشد

رئیس - در فقره هشتم ایرادی نیست

محمد هاشم میرزا - بنده در فقره هشتم مرضی دارم و پیشنهادی هم کرده ام

رئیس - پیشنهادی آقای محمد هاشم میرزا نموده اند که یک جزه برای نامه الحاق شود (بهضون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم یک ماده جزء این فصل سیم اضافه شود (در فاصله تقاطعی که مسافرین معمولی غیر رستی زودتر از است میرسانند)

محمد هاشم میرزا - عرض می کنم کلیه مقصود از انحصار است خانه آنست که کاغذها را زودتر از اشخاص معمولی برسانند و غالباً در بعضی نقاط اتفاق افتاده است که یک مطالبی که بتوسط است بیک محل دیگری میرسد دوبرابر آنقدریکه یک مسافر معمولی طول میدهد طول میکشد مثلاً از سبزوار به بجنورد ۳۰ فرسخ است مسافرین سه روز میروند کاغذ باید بشهد برود و روز هفتم برود به بجنورد یا از نیشابور

تا ترشیز ۷ فرسخ است بتوسط پست پنج روزه کافت میرسد لهذا این نقاط مثل همان نقاطی است که واقعاً پست ندارد زیرا که مقصود از پست زود رساندن کافت است اگر بنا باشد بیشتر معطل کند بنده انحصار را غلط میدانم و عقیده ام نیست فتره نهم را که بنده پیشنهاد کردم اضافه شود .

معاون وزارت پست و تلگراف - فرمایشی که میفرمایند احتمال دارد و ممکن است یک همچو جایی باشد ولی نمیتوان باین جهت یک قانونی وضع کرد گمان میکنم اگر یک همچو معنی باشد میتواند از اداره پست تقاضا کند پستی برقرار کند زیرا در اداره پست یک همچو قانونی هست که اگر یک معنی بتواند مخارج یک نفر مأمور و خرج آن آدمی که کافتجات و معمولات را بآنجا میرسد بعهده پستی است در آنجا دائر میکنند در این صورت بهتر این است از اداره پست تقاضا بکنند و در این قانون استثناء نکنند .

محمد هاشم میرزا - آقای معاون عجب دلبلی فرمودند ممکن است در بعضی نقاط در تمام ماه پنج کافت یاده کافت باشد حمل شود و بستخانه نگذارند باشند و دخل کفایت مخارج را بکنند البته هر وقت بستخانه گذارند شد انحصار هم همراه او خواهد بود بنده راجع باین مطلب عرض میکنم عرض میکنم بعضی جاهای است که مسافران منزل منزل زودتر از پست میروند مقصود بنده اینست که در هر چه نقطه که پست در تر از مسافران معمولی میرسد مردم مجبور نباشند کافت خودشان را ببستخانه بدهند در صورتی که مسافران معمولی بدون هیچ زحمتی نصف آن مدت بنده از این جوابها قانع نمی شوم و پیشنهاد خودم عقیده دارم و تقاضا میکنم رای گرفته شود .

منصور السلطان - این فرمایشی که شاهرزاده محمد هاشم میرزا فرمودند وقتی مامورین قائل شویم که از نقطه نظر تجارتی اهمیتی داشته باشد از نقطه نظر خصوصی و شخصی نمیشود قبول کرد در شهری که اهمیت تجارتی آن با اندازه باشد که بستخانه بتواند ماهی سی تومان تور برای حمل امانت بفرستد و غیره بفرستد که یک فاسد و مأموری آنجا نگاه بدارد البته فوراً در آنجا پست دائر خواهد شد و اگر هر مجلسی در هر ماه معادل سی تومان حمل تجارتی نداشته باشد آن اهمیت و ندارد که مابک ماده قانونی در اینجا بکنند اگر یک و یک هرج و مرجی در قانون پستی تولید کنیم که هر کس بگوید من باین نظر پاکت را فرستادم ام و اداره پست نتواند جلوگیری و تقصیرات خودش را بکنند این معنی را که اسم آوردند اگر اهمیت تجارتی دارد و معادل ماهی سی تومان نمیر فروخته میشود اداره پست مکلف بلکه مجبور است فوراً پست در آنجا دائر کند و اگر اینطور نیست برای پنج یاده پاکت نمیشود قانون طوری نوشت که اسباب هرج و مرج فراهم شود چه بب دارد پاکت احوال پرسی دو روز دیرتر برسد .

رئیس - باید رای بگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهادی که در واقع فتره نهم میشود - آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلیایی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - فصل چهارم قرائت می شود .

فصل چهارم - فتره نهم - فتره نهم در آنجا که وارد بکنی از بنادر میشود بادر حین عبور در آنجا لتنگر میاندازد باید مراسلات و سایر اشیاء راجه بامتياز انحصاری پست را که در گذشته موجود است بنزدیک ترین دفتر پست تحویل بدهد ولی اشیاء ذیل از این قانون مستثنی است .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - اگر پیشنهادی راجع اصلاح عبارت دارید بنویسید بفرستید بکمیسیون فصل - قرائت می شود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

محل ایرات خطر برای اجرا باشد یا اینکه مراسلات پستی را کذب و ضایع کند

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

آزاد بودند یولهائی که در حساب جاری بود فوراً بگیرند و مجلس شورای ملی برای مردم معین کرد همین مورهم شده تصور میکنم که مجلس می تواند یک قانونی بگذارد که مسکوکات طلا و نقره مملکت را حفظ کنند که پس از ۲ ماه اگر مردم خواستند عوض بلیطهای بانک مسکوکات طلا و نقره بگیرند لاقلاً آنچه که امروز در داخله مملکت موجود است در دستشان باشد والا ممکن است در ظرف ایشدت هر چه طلا و نقره هست از مملکت خارج شود و از میان برود و ما آنوقت در مقابل اسکا اسکا فقط ضمانت داشته باشیم هر چند این خودش خیلی گاهی است و بواسطه این ضمانت امروز تازه اسکناسها معتبر شده اند و اطمینان کامل پیدا شده است ولی در هر صورت این یک اعلان باشد که دولت میکند که مسکوکات طلا و نقره خارج نشود بنده پیشنهاد میکنم که همین امروز رای گرفته شود و اگر مجلس تصویب نمود بدولت اخطار کند و اعلان بکنند که مسکوکات طلا و نقره بعنوان مال التجاره و کلی بستان از سرحدات مملکت خارج نشود و مانع شود که آقای سردار معظم اظهار فرمودند اگر بخواهیم این را از مجرای قانونی بکنیم بیون مینکرات فرستیم بعد باید این جا و به ترتیب قانونی سیر بکنند و همه بیشتر طول میکشد و مقصود محاصل نمی شود .

رئیس - بنده مأمور حفظ نظامنامه داخلی مجلس را بنمایم رایبند رعایت نظامنامه بشود ماده ۳۰ و ۳۴ برای اطلاع آقایان قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۴ همچنان برنماید میتواند طرحی را ولو اینکه مذاکره آنرا ۱۵ نفر تصویب نکرده باشند بتوسط رئیس بکمیسیون مینکرات بفرستد ولی رایورت کمیسیون در باب آن طرح وقتی مطرح مذاکره در مجلس خواهد شد که افزا ۱۵ نفر از نمایندگان حمل میشود جای گیری نمایند

ماده ۳۵ - پس از آنکه پانزده نفر مذاکره طرحی را تصویب نمودند اگر طرح مزبور بکمیسیون مینکرات رجوع شده رایورت آن کمیسیون باید اقلاً بیست و چهار ساعت قبل از مذاکره طرح و توزیع شود و در گناه بکمیسیون مینکرات رجوع نشده باشد دوازده ساعته منوط بر قرارداد مجلس است و باید اقلاً بیست و چهار ساعت قبل از آن طرح طبع و توزیع شده باشد

رئیس - این پیشنهادی که کردم باید طرح قانونی است و باید به ترتیب قانونی بگذرد موافق نظامنامه بنده مجاز هستم که بکمیسیون مینکرات بفرستم ولی امروز هم نمیشود در این باب رأی گرفت موافق ماده ۳ روزش را باید مجلس معین کند حالا اگر آقایان صلاح میدانند روز شنبه در این باب مذاکره شود جزء دستور روز شنبه معین شود ولی باید الان کمیسیون قوانین مالبه منعقد شود و فردا که روز جمعه است رایورتش طبع و توزیع شود که پس فردا بتوانیم رای بگیریم مخالفی هست

سلیمان میرزا - بنده کاملاً موافقم ولی همین قدر بفرمایید کمیسیون قوانین مالبه منعقد شود و رایورت را حاضر کند

رئیس - کمیسیون قوانین مالبه بعد از جلسه

محل ایرات خطر برای اجرا باشد یا اینکه مراسلات پستی را کذب و ضایع کند

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

محمد هاشم میرزا - اینکه نوشته اند مورت شورش و فتنه یا مخالف قوانین مذهب باشد شورش یک عنوان معینی ندارد و ممکن است این عبارت را وسیله کنند و در یک مواقعی اشیاء مردم را توقیف نمایند

چه ضروری دارد که لفظ شورش را بردارند

رئیس - اگر این مطلب را بخیر در کمیسیون توضیح بدهند بهتر است چون اشیاء چراغ برق ندا هم اگر مخالفی نیست خوب است چنانچه ختم کنیم ولی قلاً یک پیشنهادی شده است قرائت میشود بعد جلسه را ختم میکنیم (بمضمون ذیل قرائت شد)

نظر باینکه از طرف دولت بیانک شاهنشاهی اجازه داده شده است که در ظرف دو ماه تبدیل اسکناس را بسکوک نقره محدود بحدود قانون مصوبه مجلس شورای ملی بنماید و این اقدام بواسطه کمی نقره در معاملات محل ضرورت شده است لهذا این بنده پیشنهاد میکنم که از طرف مجلس شورای ملی بهیئت دولت اخطار شود که فدرین انانید تا اول اسد ۱۳۲۳ اداره گمرک از خارج شدن مسکوکات نقره و طلا که بطریق مال التجاره و با کلی بستان بخارج از ایران حمل میشود جای گیری نمایند

امضاء (سلیمان میرزا و چند نفر از نمایندگان)

رئیس - راجع به همین مطلب جمعی از تجار هم عرضیه نوشته اند ولی این مطلب یک چیزی نیست که با پیشنهاد از مجلس بگذرد قانون لازم دارد یا باید از طرف دولت قانونی در این خصوص پیشنهاد شود یا اگر از طرف آقایان پیشنهاد میشود باید بکمیسیون برود و از آنجا باین قانونی مجلس را بنماید

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

رئیس - در آنچه که قرائت شد مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) مستثنیات قرائت میشود .

باید منتظر شود و باین کار رسیدگی کند حاج ملا شمس الدین تلگرافی از عراق مخابره نموده اند و از نمایندگی استعفا داده اند قرائت می شود .

(بعضیون ذیل قرائت شد) توسط جناب اجل آقای حاج سهرالدک نماینده محترم عراق مقام متبوع مجلس مقدس شورای ملی شریانه ارکانه .

بواسطه اصرار اعالی در اقامت و بعضی امورات شخصی از نمایندگی مجلس مقدس استعفا مینمایم و از خداوند تعالی مستثنا مینمایم که آنچه از قدرت خود میدانم از خدمت باساس مقدس و حفظ آسایش خانه آتی غفلت نکنم - شمس الدین الحسینی

رئیس - آقایان قبل از اینکه تشریف ببرند بکنفر بجای آقای سردار منصور بعضیون که بیرون دولتین مالیه و بکنفر بجای آقای حاج امیر نظام برای کمیسیون نظام معین خواهند فرمود دو نفر ناظر هم الا آن بقره معین میشود

(آقایان سیدان میرزا و حاج شیخ محمد حسین استرآبادی بحکم قرعه معین شدند)

رئیس - دستور روز شنبه مذاکره در طرح قانونی راجع بفتح خروج مسکو کتک طلا و نقره و بقیه قانون راجع به است معافی است

مختصم السلطنه - بنده عریضه ایست که اگر تصویب فرمایند قانون تشکیل وزارت مالیه هم برآورد شور دوم بجنس بیاید چونکه وضع مالیه خیلی بی ترتیب است و اگر این قانون زودتر از مجلس بگذرد بهتر خواهد بود

سردار معظم مخبر - کمیسیون قوانین مالیه برای روز شنبه نخواهد رسید

رئیس - چون میدانستم حاضر نیست از این جهت جزء دستور عرض نمیکرده از آقایان خواهش دارم در موقع افتتاح جلسه سر وقت حاضر شوند (مجلس تشریفاتی سه ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۴۴ صورت مشروح مجلس روزی شنبه ۳۳ شهریور جمادی الثانیه ۱۳۳۳ مجلس تقریباً دو ساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مومنان الملك تشکیل و صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۱ قرائت شد

(قرعه اول از فصل هفتم بعضیون ذیل قرائت شد) فصل هفتم - اداره پست در حمل و نقل اشیاء ذیل مجبور نیست

اولا اشیاء شکستنی و اشیائی که بعضی دست خوردن جزئی سایع میشود رئیس - در این فقره مخالفی هست یا نیست (اظهاری نشد) (قرعه دوم بعضیون ذیل قرائت شد) ثانیاً اشیائی که بار کردن و محافظت آنها مشکل است

حاج شیخ اسدالله - بعد از آنی که اداره رستخانه امتیاز را میگیرد و حمل و نقل اشیاء بطور یستی منحصر با اداره پست میشود آنوقت برای بعضی چیزهایی که حمل آن زحمت دارد عذر بیارود و بگوید حمل آن مشکل است و نمیتوان حمل کنم تصور میکنم این مطلب برای مردم خالی از اشکال نباشد باینکه باید مردم کلیتاً آزاد باشند از اینکه اشیاء خود را پست بدهند یا نه باینکه وقتی اداره پست انحصار پیدا کرد آنوقت بگوید حمل فلان چیز مشکل است معلوم است حمل کلیه اشیاء مشکل است باید اداره پست که حمل اشیاء را منحصر به خود میکند اسباب آسایش مردم را فراهم کند و بجز از آن چیزهایی را که در فقرات ذیل مصرح است رد کردن باقی امانات را به عنوان اینکه مشکل است بنده صلاح میدانم

مخبر - آقایان میدانند بسیاری از اشیاء هست که اداره پست نمیتواند حمل و نقل آنها را قبول کند فرضاً یک تختخواب یا یک چرخ اتومبیل با اداره پست میدهد که آنها را حمل و نقل نماید البته حمل آنها از برای اداره پست خیلی مشکل است و وسایل حمل و نقل آنها را ندارد بنا بر این اداره پست مردم را آزاد میکند که بهر وسیله میتوانند این قبیل اشیاء را حمل و نقل کنند و اداره پست مجبور نیست آنها را حمل کند

رئیس - آقای سردار سید محمد هاشم - میرزا موافقت سردار سعید - اینکه نوشته اند اشیاء شکستنی . . .

رئیس - مذاکره در فقره نانی است - حاج شیخ اسدالله - اما اینکه میفرمایند حمل پسته عرض میکنم این یک چیزی است که ممکن است آنرا قسقه قسقه کرد و حمل نمایند و اینکه میفرمایند حمل و نقل بعضی اشیاء دیگر از برای اداره پست مشکل است و لوازم حمل آن برای اداره پست موجود نیست اگر بقره چهارم رجوع فرمایند تصریح دارد باینکه اشیائی که وسایل حمل و نقل حاضر برای حملشان آسانی نیست اداره پست در حمل آن مجبور نخواهد بود اما اینجا بطور اجمال می نویسد اشیائی که حمل و محافظت آنها از برای اداره پست مشکل است بنده ایشان را یک چیز غریبی میدانم که اداره پست حمل بعضی اشیاء را از خود خارج بکنند بگوید اداره مجبور به حمل آنها نیست در اینصورت هر چه اداره پست بدهند و میباید نباشد حمل کند بگوید

رئیس - آقای سردار سید محمد هاشم - میرزا موافقت سردار سعید - اینکه نوشته اند اشیاء شکستنی . . .

حاج شیخ اسدالله - اما اینکه میفرمایند حمل پسته عرض میکنم این یک چیزی است که ممکن است آنرا قسقه قسقه کرد و حمل نمایند و اینکه میفرمایند حمل و نقل بعضی اشیاء دیگر از برای اداره پست مشکل است و لوازم حمل آن برای اداره پست موجود نیست اگر بقره چهارم رجوع فرمایند تصریح دارد باینکه اشیائی که وسایل حمل و نقل حاضر برای حملشان آسانی نیست اداره پست در حمل آن مجبور نخواهد بود اما اینجا بطور اجمال می نویسد اشیائی که حمل و محافظت آنها از برای اداره پست مشکل است بنده ایشان را یک چیز غریبی میدانم که اداره پست حمل بعضی اشیاء را از خود خارج بکنند بگوید اداره مجبور به حمل آنها نیست در اینصورت هر چه اداره پست بدهند و میباید نباشد حمل کند بگوید

رئیس - در فصل هفتم ملاحظاتی هست یا نیست (مخالفتی نشد و فصل هشتم به این مضمون قرائت شد) فصل هشتم - اداره پست با تصویب دولت عهد و میثاق وظایف پست خانه هارا تعیین نموده ترتیب برداشتن مراسلات و از جبهه های یستی و اذعان و توزیع آنها مقرر میدارد

حمل آن مشکل است و این یک چیزی است که هر چه بخوانند و سمت بدهند میتوانند بنا بر این فقره که در در اینجا نوشته شده زیاد است

محمد هاشم میرزا - آن قسمتی را که آقای حاج شیخ اسدالله در اول فرمودند بنده تصور می کنم میگردم بخوانند بفرمایند باینکه پست در این موارد حمل اشیاء را قبول نمی کند چرا انحصار داده اند چنان که آقای مخبر فرمودند بنده نیز عرض میکنم که ممکن است آن گونه اشیائی که حمل آن از برای اداره پست مشکل است بوسیله دیگر حمل نمایند ولی آن قسمتی که میفرمایند اداره پست میتواند بیل خودش از قبول حمل بعضی اشیاء امتناع نمایند بنده تصور نمیکنم که اداره پست بتواند بیل خودش از حمل بعضی اشیاء امتناع نماید این یک چیز مشکلی نیست البته اداره پست چیزی را که بتواند حمل میکند و بجهت همین مطلب اداره دایر کرده است در اینصورت چه طور امتناع خواهد کرد

رئیس - سایر آقایان موافق هستند معلوم میشود مذاکرات کافی است

(قرعه ناک بعضیون ذیل قرائت شد) ثالثاً - اشیائی که بعلت حجم یا وزن یا طریقه افاق بندی حملشان توسط پست اشکال دارد

رئیس - در این باب مخالفی نیست اظهاری نشد (قرعه چهارم بعضیون ذیل قرائت شد) رابعاً - اشیائی که وسایل حمل و نقل حاضر برای حملشان کافی نیست

رئیس - در فقره چهارم ملاحظاتی هست یا نیست - (مخالفتی نشد و فصل هشتم به این مضمون قرائت شد)

فصل هشتم - اداره پست با تصویب دولت عهد و میثاق وظایف پست خانه هارا تعیین نموده ترتیب برداشتن مراسلات و از جبهه های یستی و اذعان و توزیع آنها مقرر میدارد

رئیس - در فصل هشتم ملاحظاتی هست (اظهاری نشد)

فصل نهم - دولت بر طبق قانون اساسی بوسیله قرار داد های بین المللی ارتباطاتی یستی را با مالک خارج محکم نموده و حقوق یستی که از این باب در مملکت ایران باید دریافت شود تعیین مینماید

رئیس - در فصل نهم ملاحظاتی هست

دادهایی که با سایر دول می نمایند چیزی هست که در تمام نقاط دنیا باید در تحت یک قانون قبول شود و اداره پست ناگزیر است که موافق همان قرارداد های که آنها میدهند و مطابق قراردادهای کنگرس که هر چند سال یکبار در یکی از پایتخت های دنیا تشکیل میشود و نمایندگان تمام دول در آنجا میروند مجبورند آن قراردادها را با حضور نمایندگان دول بپذیرند و اجراء بکنند و این چیزی نیست که بشود بمجلس پیشنهاد کرد

لینا باید بمجلس مقدس این اختیارات را با اداره پست بدهد که در موقع لزوم بتواند آن قرار داد ها را بپذیرد

مدرس - ما ابتدا بهیچ کدام از ادارات خودمان اطمینان نداریم که با دول دیگر قرارداد میبندیم و هیچ اختیاراتی با آنها نمیدهیم و بنده این مطالب را جدأ می گویم میخواهند بدهند نمی خواهند ندهند

معدل الدوله - اگر این قراردادی گذر این ماده ذکر شده فقط قراردادی بود که از طرف اداره پست و از طرف دولت ایران با یک دولت دیگری بسته میشد البته همینطور که آقا میفرمایند لازم بود که مجلس نظریات خودش را در آن قرارداد بگذرد و مصالح امور مملکتی را در نظر بگیرد و آن قرار داد را تصویب کند و لیکن باید فهمید که این قرار داد با دول خارجه و تمام دول روی زمین است و این قرار داد مطابق روابط مشترک بین المللی است که باید در تحت یک مواد مشترک بین المللی محفوظ بماند اگر درست دقت بکنیم میبینیم که از برای ما خیلی صلاح است که خود را با ممالک تمدنه ارتباط بدیم و در منافع عمومی اشتراک بنماییم همینطور که ما متوقع هستیم تقریباً در این مملکت و در تمام دنیا و اقطار عالم جاری باشد باید یک قرارداد کلی مشترک همه که تمام دول بر طبق آن پست مخصوص قرارداد دهند نظر داشته باشیم و شرکت بکنیم و نظریات و دقت در آن قرار داد بکنیم از اختیار شخصی اداره پست خارج است و مربوط به آن هیئت و آن اشخاص است که از طرف تمام دول نمایندگی دارند و آن قرار داد در تحت قوانین بین المللی بسته میشود و چیزی نیست که بر ضرر ما بسته شود زیرا معامله بین دولتی و در دولت نیست بلکه قرارداد تمام دول نوشته شده کافی است

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم یک سوء تفاهمی شده است بنده هم تصدیق دارم قرارداد های بین المللی یک مطلبی است از اختیار اداره پست و مجلس خارج است و مملکت ایران بایستد روابط اداره پستیش با تمام دول دنیا محکم و بر قرار باشد - اما صلاح در این است که داخله مملکتی باید مقدار حقوق دریافتی امانات و کفدهائی کرد و بمل میشود موافق قرارداد داخلی خود آن مملکت باشد مثلا ممکن است در داخله مملکت ایران یک قراردادی از برای حقوق یستی باشد که در مذاک دیگر کمتر یا بیشتر بگیرند این یک قراردادی نیست که یک دولتی یا دولت دیگر داخل مذاکره

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم یک سوء تفاهمی شده است بنده هم تصدیق دارم قرارداد های بین المللی یک مطلبی است از اختیار اداره پست و مجلس خارج است و مملکت ایران بایستد روابط اداره پستیش با تمام دول دنیا محکم و بر قرار باشد - اما صلاح در این است که داخله مملکتی باید مقدار حقوق دریافتی امانات و کفدهائی کرد و بمل میشود موافق قرارداد داخلی خود آن مملکت باشد مثلا ممکن است در داخله مملکت ایران یک قراردادی از برای حقوق یستی باشد که در مذاک دیگر کمتر یا بیشتر بگیرند این یک قراردادی نیست که یک دولتی یا دولت دیگر داخل مذاکره

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم یک سوء تفاهمی شده است بنده هم تصدیق دارم قرارداد های بین المللی یک مطلبی است از اختیار اداره پست و مجلس خارج است و مملکت ایران بایستد روابط اداره پستیش با تمام دول دنیا محکم و بر قرار باشد - اما صلاح در این است که داخله مملکتی باید مقدار حقوق دریافتی امانات و کفدهائی کرد و بمل میشود موافق قرارداد داخلی خود آن مملکت باشد مثلا ممکن است در داخله مملکت ایران یک قراردادی از برای حقوق یستی باشد که در مذاک دیگر کمتر یا بیشتر بگیرند این یک قراردادی نیست که یک دولتی یا دولت دیگر داخل مذاکره

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم یک سوء تفاهمی شده است بنده هم تصدیق دارم قرارداد های بین المللی یک مطلبی است از اختیار اداره پست و مجلس خارج است و مملکت ایران بایستد روابط اداره پستیش با تمام دول دنیا محکم و بر قرار باشد - اما صلاح در این است که داخله مملکتی باید مقدار حقوق دریافتی امانات و کفدهائی کرد و بمل میشود موافق قرارداد داخلی خود آن مملکت باشد مثلا ممکن است در داخله مملکت ایران یک قراردادی از برای حقوق یستی باشد که در مذاک دیگر کمتر یا بیشتر بگیرند این یک قراردادی نیست که یک دولتی یا دولت دیگر داخل مذاکره

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم یک سوء تفاهمی شده است بنده هم تصدیق دارم قرارداد های بین المللی یک مطلبی است از اختیار اداره پست و مجلس خارج است و مملکت ایران بایستد روابط اداره پستیش با تمام دول دنیا محکم و بر قرار باشد - اما صلاح در این است که داخله مملکتی باید مقدار حقوق دریافتی امانات و کفدهائی کرد و بمل میشود موافق قرارداد داخلی خود آن مملکت باشد مثلا ممکن است در داخله مملکت ایران یک قراردادی از برای حقوق یستی باشد که در مذاک دیگر کمتر یا بیشتر بگیرند این یک قراردادی نیست که یک دولتی یا دولت دیگر داخل مذاکره

حاج شیخ اسدالله - بنده تصور میکنم یک سوء تفاهمی شده است بنده هم تصدیق دارم قرارداد های بین المللی یک مطلبی است از اختیار اداره پست و مجلس خارج است و مملکت ایران بایستد روابط اداره پستیش با تمام دول دنیا محکم و بر قرار باشد - اما صلاح در این است که داخله مملکتی باید مقدار حقوق دریافتی امانات و کفدهائی کرد و بمل میشود موافق قرارداد داخلی خود آن مملکت باشد مثلا ممکن است در داخله مملکت ایران یک قراردادی از برای حقوق یستی باشد که در مذاک دیگر کمتر یا بیشتر بگیرند این یک قراردادی نیست که یک دولتی یا دولت دیگر داخل مذاکره

روزنامه رسی کشور شاهنشاهی ایران

شود و یک حقوقی از برای پست خودش مینماید بکنند و اداره پست نمیتواند خودش مستقیماً تعیین آن حقوق را بکند و بموجب آن قرارداد بین المللی حقوق یستی را خودش مینماید کند زیرا در آن قرارداد بین المللی این مطلب معجز نیست اگر معجز باشد دیگر لازم نیست اختیار فوق العاده با اداره پست بدیم بلکه همینقدر اجازه میدیم که همان قرارداد بین المللی معمول و مجری باشد و اینکه اظهار میشود در اجراء پست است که میباید حقوق یستی را که در مملکت ایران باید دریافت شود تعیین نماید تعیین این حقوق باید در ضمن موادی باشد که از تصویب مجلس میگذرد و این طور نوشته شده است

رئیس - نوشته شده است بر طبق قانون اساسی اگر قانون اساسی اجازه میدهد که دولت بدون اجازه مجلس این کار را بکنند میباید و اگر قانون اجازه نمیدهد که بمجلس خواهند آورد

حاج شیخ محمد جواد - بنده بخوانم عرض کنم بعد از آنکه درک میخواند بر طبق قانون اساسی قراردادی بنده رجوع بقانون اساسی میکنم تا هر اندازه که قانون اساسی با اجازه داده است آن کار را میکند و اینکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند که مقصود تعیین حقوق است و باید حقوق یستی در مجلس معین شود بنده عرض میکنم حقوق در وقت است یک حقوق برای داخلی مملکت معین میشود و همین است که در آن قانون نوشته شده است و یک حقوقی است راجع به مراسلاتی که باید بخارجه برود آن حقوق بموجب قرارداد بین المللی خواهد بود

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد - در فصل هشتم آقای سردار سید پیشنهاد کرده اند که فقره نانی و ناک یکی شود و گمان میکنم محتاج برای نباشد زیرا اصلاح عبارتی است (پیشنهاد مزبور بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم دو فقره نانی و ناک در فصل هفتم قانون یستی یکی نوشته شود با بشرط (اشیائی که بار کردن و محافظت آنها مشکل است بعلت حجم یا وزن یا طریقه افاق بندی حملشان منتع باشد)

مخبر - دو کمیسیون اصلاح میکنم رئیس - رجوع میشود بکمیسیون فصل دهم قرائت میشود (اینطور خوانده شد)

فصل دهم - اداره پست مجاز است که برای احداث پست مقرر یستی فیما بین مملکت ایران و نواحی ماوراء البحر با اشخاص مختلفه قرارداد مخصوص بگذارد

سردار معظم - بنده تصور کنم اگر بمداز لفظ جمله (در حدود مقرره قانون) نوشته شود بهتر باشد یعنی اگر لازم شد نظر وزیر پست و سایر مقامات مربوطه دیگر در بین باشد و الا مطلقاً بنویسیم اداره پست مجاز است خوب نیست

مخبر - عیبی ندارد در کمیسیون اضافه می شود

رئیس - دیگر مخالفی نیست - فصل یازدهم خوانده میشود (بعضیون ذیل قرائت شد)

روزنامه رسی کشور شاهنشاهی ایران

فصل یازدهم - اداره پست مجاز است که مراسلات غیر قابل توزیع را باز نماید تا بتواند اطلاعات لازم را از محتویات آنها بدست آورد مراسلات مذکوره با اشیاء و اسناد قیمتی که در جوف آنهاست بصاحبانش برساند این افتتاح در اداره مرکزی پست توسط بکنفر مدیر شعبه و در حضور دو نفر از مستخدمین پست معمول میشود مراسلات غیر قابل توزیع که صاحبان از برایشان پست میزنند از اقتضای مدنی که تمییزش با دولت است ممنوم خواهد گردید ولی با کتفای غیر قابل توزیع زودتر از یکسال ممنوم نخواهد شد

رئیس - در اینجا ملاحظاتی هست محمد هاشم میرزا - بنده عرض میکنم باید اولاً یک ماده نوشته شود که یا کتفای غیر قابل توزیع کدام است آنوقت این حکم را برای آنها قرار بدیم و معلوم شود کدام قسم از نوشتهجات غیر قابل توزیع است خوب است آنرا در تحت یک ماده بنویسند و معین بفرمایند تا ما بدانیم که در چه رای میدیم و حکم آنرا معین میکنیم چیزی را که ما نمیدانیم چیست بطور حکمش را معین نمائیم

مخبر - در این خصوص اگر بخواهیم موادی بنویسیم خیلی مشکل خواهد بود بلا حظه اینکه نظایرش خیلی است مثلا فرض بفرمایند یک کاغذ امروز با پست در اینجا فرستاده میشود از برای یک قطعه و بر حسب اتفاق این پست در راه دچار بسیل شد و آدرس کاغذها بکنی معوشد وقتی که آن پست بمقصد میرسد میدانند آنرا بکنی باید برسانند فرستنده هم که معلوم نیست در این صورت تکلیف اداره پست چیست برای اینکه آدرس گیرنده ممنوم و فرستنده را معین کند مجبور باین کار با کت میشود که بتواند آن کاغذها بصاحبش برساند از این ترتیبات خیلی اتفاق می افتد چون خود بنده درست کار کرده ام این ترتیبات را خیلی دیده ام علاوه بر آن گاهی هست که یا کتفای آدرس فرستاده اند و فراموش کرده اند آدرس را بنویسند و همینطور بدون آدرس در صندوق پست شهری میماند از آنجا اداره پست هم مکلف است این قسم یا کتفای را بمقصد روانه دارد و فرستنده هم معلوم نیست کیست باین جهت اداره پست مجبور است آن یا کت را باز کند از این قبیل چیزها زیاد است و نمیتوان تمام آنها را در قانون معین نمود باین جهت نوشته شد (نوشتهجات غیر قابل توزیع)

سردار معظم - اگر چه مقصود همین بود که آقای مخبر بیان فرمودند اما مراسلاتی را که بواسطه واضح بودن آدرس قابل توزیع نیست اداره مجاز است باز کند ولی عبارت بد نوشته شده است بنده اینطور نوشته شود بهتر است

(مراسلاتی که بواسطه نداشتن آدرس یا واضح نبودن آن غیر قابل توزیع است)

مخبر - در کمیسیون اصلاح خواهد شد

محمد هاشم میرزا - فرمایشاتی که آقای مخبر فرمودند بنده هم میدانم ولی عرض میکنم باید که همان نظایر و امثالی را که فرمودند از قبیل معلوم نبودن آدرس و غیره تمام آنها را در پنج شش ماده معین کنند والا نمی شود کاغذهای مردم را باز کرد زیرا این یک کاری است که برخلاف قانون اساسی اجازه میدیم نوشتهجات مردم را باز کنند

محمد هاشم میرزا - فرمایشاتی که آقای مخبر فرمودند بنده هم میدانم ولی عرض میکنم باید که همان نظایر و امثالی را که فرمودند از قبیل معلوم نبودن آدرس و غیره تمام آنها را در پنج شش ماده معین کنند والا نمی شود کاغذهای مردم را باز کرد زیرا این یک کاری است که برخلاف قانون اساسی اجازه میدیم نوشتهجات مردم را باز کنند

محمد هاشم میرزا - فرمایشاتی که آقای مخبر فرمودند بنده هم میدانم ولی عرض میکنم باید که همان نظایر و امثالی را که فرمودند از قبیل معلوم نبودن آدرس و غیره تمام آنها را در پنج شش ماده معین کنند والا نمی شود کاغذهای مردم را باز کرد زیرا این یک کاری است که برخلاف قانون اساسی اجازه میدیم نوشتهجات مردم را باز کنند

محمد هاشم میرزا - فرمایشاتی که آقای مخبر فرمودند بنده هم میدانم ولی عرض میکنم باید که همان نظایر و امثالی را که فرمودند از قبیل معلوم نبودن آدرس و غیره تمام آنها را در پنج شش ماده معین کنند والا نمی شود کاغذهای مردم را باز کرد زیرا این یک کاری است که برخلاف قانون اساسی اجازه میدیم نوشتهجات مردم را باز کنند